

# میدان مقابله حقوقی با آمریکا



# صبح صادق

آیة الله العظمیٰ فاطمه الزهراء

هفته‌نامه | سیاسی، فرهنگی و اجتماعی | سال بیست و چهارم | شماره ۱۲۱۴ | دوشنبه ۳ آذر ۱۴۰۴ | ۳ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ | ۲۴ نوامبر ۲۰۲۵ | ۱۶ صفحه



رضا صارمی

روای آمریکایی بن سلمان



یحیی آل اسحاق

شرط موفقیت در صادرات

فراتر از توافق

صبح صادق آینده کشور بدون حصول توافق با غرب را بررسی می‌کند

رئیس سازمان بسیج

باز شناخت فرهنگ و تفکر بسیجی

## بسیج شیفته خدمت و آماده فداکاری است

## مولود انقلاب اسلامی ایران



صبح صادق چرایی شکست سیاست‌های استکبار جهانی در برابر تفکر بسیجی را تبیین می‌کند

# ناشناخته‌ای برای آمریکا

در هفته بسیج قرار داریم؛ هفته‌ای که امسال با ایام فاطمیه تقارن یافته و حال و هوایی متفاوت به خود گرفته است.

روزهای انقلاب اسلامی و فرو ریختن ستون‌های نفوذ استخبار جهانی در ایران، توطئه‌ها یکی پس از دیگری بر این سرزمین سایه افکند. دشمنانی که منافع خود را از دست‌رفته می‌دیدند، از همان روزهای نخست به فتنه‌انگیزی دست زدند و آتش دشمنی‌شان روز به روز شعله‌ورتر شد. در چنین فضایی بود که امام (ره)، با نگاهی الهی و آیتدنگر در ۵ آذر ۱۳۵۸ فرمان تشکیل بسیج مستضعفین را صادر کردند؛ فرمانی که تاریخ امنیت و مقاومت ایران را برای همیشه دگرگون کرد.

اما پرسشی جدی همچنان مطرح است: با وجود سپاه پاسداران و ارتش، چرا امام خمینی (ره) نیاز به تشکیل بسیج را ضروری دانستند؟

پاسخ در عمق نگاه راهبردی و دقیق امام راحل نهفته است. ایشان انقلاب اسلامی را صرفاً یک تغییر سیاسی نمی‌دیدند، بلکه آن را آغاز رویارویی تاریخی مستضعفان با مستکبران می‌دانستند. امام (ره) از همان ابتدا آگاه بودند که دشمنی استخبار نه مقطعی است و نه سطحی و در ماهیت استقلال طلب انقلاب اسلامی ریشه دارد. از این رو لازم بود یک پشتوانه مردمی فراگیر، آگاه، مؤمن و همیشه در صحنه شکل بگیرد؛ پشتوانه‌ای که بتواند در تمامی عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و امنیتی حضور تعیین‌کننده داشته باشد.

امام خمینی (ره) باور داشتند که امنیت پایدار تنها با ساختارهای رسمی نظامی محقق نمی‌شود؛ بلکه این ملت است که باید حافظ و نگهبان انقلاب باشد و بسیج دقیقاً بر همین اساس شکل گرفت؛ نیرویی برخاسته از ایمان مردم، سازمان‌یافته اما مردمی؛ فراتر از یک نهاد نظامی و تبدیل شده به یکی از ارکان قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی.

امروز و پس از حوادث مهم منطقه، به‌ویژه رخدادهایی چون جنگ ۱۲ روزه، یک حقیقت بیش از هر زمان دیگری آشکار شده است؛ قدرت حقیقی ایران، قدرت مردم آن است.

بسیج یعنی حضور مردم؛ یعنی آمادگی، مسئولیت‌پذیری و فداکاری. نیرویی که در حساس‌ترین مقاطع، کنار نهادهای رسمی ایستاده و با حضور خود، انسجام ملی و امنیت کشور را تضمین کرده است.

دشمنان انقلاب اسلامی نیز به‌خوبی این حقیقت را دریافته‌اند:

تا وقتی بسیج هست، تا زمانی که این لشکر عظیم مردمی گوش به فرمان رهبری است، هیچ قدرتی - نه آمریکا و نه هیچ رژیم متخاصم دیگری - نتواند مقابله با انقلاب اسلامی را نخواهد داشت و چه زیبا امام خمینی (ره) فرمودند: «بسیج لشکر مخلص خداست.»

لشکری برخاسته از دل مردم؛ سپری مطمئن در برابر تهدیدها؛ سرمایه‌ای که امنیت و عزت ایران اسلامی بر آن تکیه دارد.

# ناشناخته‌ای برای آمریکا

سخت نبرد، هرگز بن‌بستی را در پیش رو تصور نمی‌کنند، چرا که به وعده‌های خدای خود ایمان دارند که فرمود: «وَالَّذِينَ جَاهَلُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا».

آمریکایی‌ها هرگز نمی‌توانند حالات و روحیات این لشکر مخلص خدا را از این جهت درک کنند که هیچ ترس و خوفی در آنان در برابر دشمن پدید نمی‌آید؛ چرا که خود را مخاطب خدای خود می‌دانند که فرمود: «وَلَا تَهْتَفُوا وَلَا تَخْزَنُوا وَآتَمُّمُوا الْأَعْلُونَ إِنَّ كُنْتُمْ مُمِينِينَ».

آری، امام بزرگوارمان با شناختی عمیق و دقیق از این نیروی الهی فرمودند: «اگر بر کشوری نوای دلنشین تفکر بسیجی طنین‌انداز شود، چشم طمع دشمنان و بیگانگان قطع خواهد شد.»

رهبر حکیم انقلاب اسلامی هم با همین نگاه به بسیجیان، در مقابل دشمن محکم و استوار ایستاده، آینده را از آن ملت ایران و جبهه مقاومت، با جابه‌جایی قدرت از غرب به شرق می‌دانند. آینده‌ای که به اذن الهی، انزوی آمریکا و بدیدایی تمدن نوین اسلامی با نابودی رژیم صهیونی و آزادی قدس شریف، از مختصات آن خواهد بود.

همین مختصر کفایت می‌کند که مسئولان، بیش از پیش برای تقویت بسیج اهتمام داشته باشند؛ بسیجی که به تعبیر و تعریف رهبر معظم انقلاب، آن نیروی همیشه حاضر در میدان، برای دفاع از ارزش‌هاست.

را شناختند و از بسیج با عنایتی، چون مدرسه عشق و میقات پابرهنگان نام بردند. بسیار روشن است که آمریکایی‌ها، هرگز قادر به شناخت لشکر مخلص خدا و این شجره طیبه نخواهند بود. امروز این لشکر مخلص خدا، نه تنها در جغرافیای ایران، بلکه در جغرافیای مقاومت که جهانی شده، مشاهده می‌شود. بعد از عملیات طوفان الاقصی، وقتی جوانان دانشجوی آمریکایی به حمایت از فلسطینی‌ها به تظاهرات دست زدند و مورد آزار و اذیت دستگاه سرکوب دولت آمریکا قرار گرفتند، رهبر حکیم انقلاب اسلامی طی پیامی به آنان نوشتند: اکنون شما بخشی از جبهه مقاومت هستید و در سمت درست تاریخ قرار گرفته‌اید. آری بسیج و بسیجی اکنون به منزله یک تفکر و اندیشه جهانی شده است. این نیروی الهی به ویژه در ایران، هم عامل حفظ کشور و تأمین امنیت، استقلال و عزت ملی است و هم عامل پیشرفت و باز کردن گره‌ها و مشکلات است.

این نیروی الهی برای آمریکا ناشناخته است و هرگز هم شناخته نخواهد شد. آمریکایی‌ها هرگز نمی‌توانند درک درستی از بسیجی تربیت شده در مکتب امام حسین (ع)، که از روحیه شهادت‌طلبی، ایثار و فداکاری برخوردار است، پیدا کنند. آمریکایی‌ها هرگز نمی‌توانند فهم درستی از عاشورائیان ولایت‌مدار داشته باشند. آمریکایی‌ها هرگز قادر نخواهند بود، شناخت درستی از بسیجیان، این مجاهدان با اخلاص به دست آورند؛ مجاهدانی که در میدان‌های

که انقلاب اسلامی، به درازای حدود نیم قرن عمر کند و آنان در گوشه و کنار جهان و خصوصاً در منطقه غرب آسیا، به ناچار باید با جریان‌ها، نیروها، گروه‌ها و ملت‌هایی مبارزه کنند که تحت تأثیر انقلاب اسلامی، مجموعه‌ای را به نام «مقاومت» شکل داده‌اند.

آری، امروز نظریه و اندیشه مقاومت جهانی شده است. گفتمان انقلاب اسلامی در حوزه استخبارات و دفاع از مستضعفان جهان، به یک گفتمان جهانی تبدیل شده است. دلیل اصلی ناکامی‌های آمریکا در مقابله با انقلاب اسلامی و به تسلیم کشاندن ملت ایران، ناتوانی رهبران ایالات متحده در شناخت مردم ایران است. مردمی که برای دفاع از ارزش‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی، به امر امام خمینی (ره) در همان سال ۱۳۵۸، در قالب سازمان بسیج مستضعفین آموزش دیده و سازماندهی شده و برای انجام کارهای بزرگ و از جمله امور دفاعی و امنیتی سامان یافتند.

بسیج مردمی یک نیروی راهبردی، بی‌بدیل و با قدرتی پایان‌ناپذیر برای ایران اسلامی به حساب می‌آید. ایران با برخورداری از چنین نیرویی هرگز شکست نخواهد خورد. دشمنان ایران و از جمله آمریکایی‌ها، هرگز قادر به شناخت بسیج و بسیجی در ایران برای از بین بردنش نیستند. این امام (ره) بود که بسیج و بسیجیان را شناختند و از بسیج با عنوان لشکر مخلص خدا یاد کردند. این امام بزرگوارمان بودند که بسیج

## دکتر یدالله جوانی

مدیر مسئول



«کاندولیزا رایس» وزیر اسبق خارجه آمریکا در دوره بوش پسر، در همان مقطع وزارت مطرح کرد، آمریکا باید بررسی کند که چرا تاکنون، تمامی طرح‌ها، برنامه‌ها و اقداماتی که علیه جمهوری اسلامی ایران داشته، با شکست مواجه شده است. از آن زمان تا کنون، حدود دو دهه می‌گذرد و همچنان طرح‌های آمریکا علیه ایران با شکست مواجه می‌شود. آخرین اقدام ایالات متحده آمریکا علیه ملت ایران، جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بود که با کمک رژیم صهیونی و همراهی عمده کشورهای اروپایی به راه انداخت. ترامپ، رئیس جمهور آمریکا بر این تصور بود که با آغاز جنگی برق‌آسا و با بهره‌مندی از آخرین فناوری‌های روز دنیا، می‌تواند جمهوری اسلامی را ساقط و در نهایت ایران را تجزیه کند؛ اما نه تنها این اهداف حاصل نشد، بلکه دفاع مقتدرانه ملت ایران در برابر متجاوزان، موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی ایران را ارتقا داد.

داستان چیست که آمریکایی‌ها، طی ۴۶ سال گذشته در برابر ملت ایران، با وجود هزینه‌های سنگین، همواره با شکست و ناکامی مواجه شده‌اند؟ آمریکایی‌ها هرگز بر این تصور نبودند

# رویای آمریکایی بن سلمان

آمریکا نقش فعالی را به عهده بگیرد. این سفر بر سر و صدا در حالی خاتمه یافت که روی کاغذ توافقات گسترده‌ای بین آمریکا و عربستان در حوزه‌های گوناگون صورت گرفته؛ ولی تجربه نشان داده است که خیلی از این توافقات به مرحله اجرا نمی‌رسد یا اجرایی شدن آن با مشکلات زیادی روبه‌روست. برای نمونه، تولید هواپیماهای اف ۳۵ و آموزش خلبانان سعودی به منظور استفاده از آنها به یک بازه زمانی پنج تا هفت سال نیاز دارن یا در جریان فروش ریز پردازنده‌ها به منظور توسعه هوش مصنوعی لازم‌ه اجرایی شدن آن این است که آمریکا مطمئن شود با توجه به روابط گسترده اقتصادی عربستان و چین ایسن ریز پردازنده‌ها به دست چینی‌ها نمی‌افتد؛ اتفاقی که در مورد امارات رخ داد و این کشور تعداد زیادی از این ریز پردازنده‌ها را که آمریکا به چین نمی‌فروخت، خرید و به طرف چینی داد. همچنین اگر به توافق سال ۲۰۱۸ که در جریان سفر محمدبن سلمان به آمریکا مراجعه شود، متوجه می‌شویم که یک سوم این توافقات هنوز اجرایی نشده است و حالا در سال ۲۰۲۵ توافقات جدیدی به آنها اضافه شده است که بخش زیادی از آنها زمان اجرایی شدنش به دولت فعلی آمریکا قد نمی‌دهد.

مصنوعی خود به تولید برق زیادی نیاز دارد که در حال حاضر برق تولیدی این کشور توان پاسخگویی به این فناوری را ندارد. پس باید از طریق توسعه نیروگاه‌های برق هسته‌ای این نیاز خود را برطرف کند؛ ولی آمریکا اعلام کرده است حاضر نیست اجازه غنی‌سازی اورانیوم را به عربستان دهد و در صورت موافقت کنگره و لایسی ای یک فقط نیروگاه‌های هسته‌ای را در عربستان توسعه می‌دهد که سوخت آن از خارج خاک عربستان تأمین شود؛ همین نیروگاه‌های هسته‌ای هم با مخالفت‌های ویژه در داخل آمریکا روبه‌روست؛ یعنی گروهی در آمریکا معتقدند حتی داشتن نیروگاه‌های هسته‌ای هم برای عربستان زمینه این وضعیت را ایجاد می‌کند که در آینده به سمت تولید سلاح‌های هسته‌ای بروند. در این سفر در حوزه سیاست خارجی هم مذاکرات مفصلی بین بن سلمان و ترامپ صورت گرفت. بن سلمان کماکان بر شرط کشورش مبنی بر تشکیل دو دولت فلسطینی و اسرائیلی تأکید دارد و گفته است در صورت عملی شدن این درخواست به توافق برقراری روابط با رژیم صهیونیستی تحت عنوان توافق ابراهیم می‌پیوندد. عربستان همچنین اعلام کرده است که حاضر است در برقراری مذاکرات بین ایران و

حمایت کند، به صورت قطع باید یک پیمان دفاع رسمی با آن کشور داشته باشد. هر چند با داشتن این پیمان هم نمی‌توان مطمئن بود که آمریکایی‌ها از یک کشور حمایت کنند. اتفاقی که برای قطر افتاد و آمریکا هیچ مقابله‌ای با حملات رژیم صهیونیستی نکرد. در این سفر ترامپ قول داد که به یکی از خواسته‌های دیرین عربستان، یعنی فروش هواپیماهای اف ۳۵ جامه عمل بپوشاند؛ ولی این اتفاق به این سادگی‌ها رخ نخواهد داد؛ زیرا در سال ۲۰۲۰ هم ترامپ با فروش این هواپیماها به امارات موافقت کرد؛ ولی بعد از پنج سال هنوز هیچ اتفاقی نیفتاده است. برای فروش این جنگنده‌ها آمریکا دو نگرانی دارد که شامل نگرانی از نفوذ چین و دسترسی به فناوری این جنگنده‌ها از طریق عربستان است و نگرانی دیگر متحد به حفظ برتری نظامی رژیم صهیونیستی است. عربستان اعلام کرده است حاضر است هر محدودیتی را بپذیرد؛ از جمله دسترسی نداشتن به نرم‌افزارهای هجومی پیشرفته یا رادارهای خاص این هواپیماها تا توان نیروی هوایی خود را افزایش دهد.

آمریکا در این سفر توافق کرد که یک برنامه توسعه هسته‌ای غیرنظامی با هدف تولید برق را به عربستان ارائه دهد. عربستان برای توسعه هوش

## رضا صارمی‌راد

کارشناس مسائل بین‌الملل



سفر «محمدبن سلمان» به آمریکا آغازگر تلاش‌های گسترده عربستان برای رسیدن به اهداف توسعه در سال ۲۰۳۰ است؛ برنامه‌ای که از سال ۲۰۱۶ آغاز شد و قرار بر این بود که عربستان در سال ۲۰۳۰ به بزرگ‌ترین کشور توسعه یافته در منطقه غرب آسیا تبدیل شود و وابستگی خود را به صادرات نفت و گاز به حداقل برساند؛ ولی در سال ۲۰۲۵ بخش زیادی از این رویاهای بلندپروازانه تعبیر نشده است و بن سلمان می‌خواهد با کمک آمریکا به رویاهایش برسد. این شاید بزرگ‌ترین هدف سفر بن سلمان است که البته این هدف در زیرفصل‌هایی دنبال می‌شود که در اینجا به مهم‌ترین آنها اشاره می‌کنیم. عربستان در تلاش است توافق امنیتی فعلی را به یک پیمان دفاعی رسمی تبدیل کند و به تأیید کنگره هم برساند. عربستان در جریان حمله اخیر قطر از سوی رژیم صهیونی و حملات سال ۲۰۱۹ انصارالله به تأسیسات نفتی خود به این نتیجه رسید که آمریکا اگر بخواهد از کشوری

## مشکلات قابل حل

«مسعود پزشکیان» رئیس جمهور: «اگر مدیران، سیاستمداران و صاحبان قدرت بپذیرند که در برابر دانش و نظر کارشناسی سر تسلیم فرود آورند، بسیاری از مشکلات کشور قابل حل است. تنها راه پیشرفت، گفت‌وگو با مردم بر پایه صداقت و تکیه بر علم و شواهد است. زمانی که گفتیم باید پایتخت را منتقل کنیم، که البته حتی بودجه کافی برای آن نداشتیم؛ اگر داشتیم شاید انجام می‌شد، اما همان زمان هم می‌گفتند این حرف‌ها شدنی نیست. واقعیت این است که دیگر انتخابی نداریم؛ اجبار است. نمی‌توانیم بیش از این جمعیت و ساخت‌وساز را در این منطقه بارگذاری کنیم. می‌توانیم توسعه بدهیم، اما نمی‌توانیم مشکل آب آن را حل کنیم.»



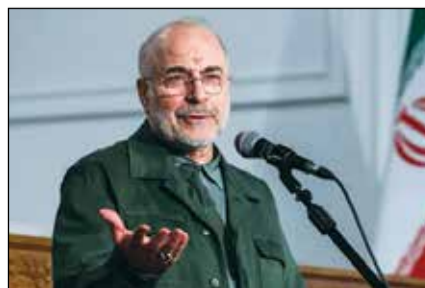
## تعامل جدی با همسایگان

«سیدعباس عراقچی» وزیر امور خارجه: «توجه به همسایگان و محیط همسایگی جمهوری اسلامی از اولویت‌های ایران در سیاست خارجی محسوب می‌شود. این رویه از دولت قبل شروع شد، ما هم در دولت چهاردهم به‌عنوان اولویت نخست وزارت امور خارجه در نظر گرفتیم. طی یک سال یا ۱۴ ماه گذشته، تعاملات دیپلماتیک با کشورهای همسایه در سطح بسیار بالایی بوده است. تبلیغات رژیم صهیونیستی و غربی‌ها و تلاش آنها برای اینکه ایران را به‌عنوان تهدید منطقه به‌جای اسرائیل نشان دهند، اکنون شکسته و فرو ریخته است؛ البته حملات، نسل‌کشی، فجایع و جنایت‌های اسرائیل در منطقه نیز در این خصوص مؤثر بوده است.»



## قابلیت اجرایی برنامه هفتم

«محمدباقر قالیباف» رئیس مجلس شورای اسلامی: «برنامه هفتم توسعه، به‌عنوان یک سند ملی و میثاق ملی، با تأکیدات رهبر معظم انقلاب تدوین شده است. این برنامه، ضعف‌های گذشته را برطرف کرده و من-که از ابتدای تدوین این برنامه در جریان جزئیات آن بوده‌ام، به این موضوع واقف هستم، این برنامه «مسئله‌محور» است و احکام آن کاملاً قابلیت اجرا دارد. بنابراین، لازم است همه توان و تلاش خود را بر اجرای این برنامه متمرکز کنیم و از هرگونه پراکنده‌کاری پرهیز کنیم. امروز، بیشترین بار اجرای برنامه هفتم بر دوش دولت است از این رو علاوه بر نظارت باید دولت را کمک کنیم.»



# بازتعریف تهران از معماری سیاست خارجی



محمد مهدی اسکندری

خبرنگار

ماجرای پر پیچ و تاب دستگاه دیپلماسی ایران در قبال مذاکرات نقل محافل این روزهای رسانه‌های ایرانی و خارجی است. ابهام‌ها، چالش‌ها و راه‌حل‌ها موضوعاتی هستند که در این ایام تحلیلگران حوزه سیاست خارجه را به بیان نظرات و دیدگاه‌ها واداشته است. اینکه ایران باید در وضعیت کنونی چه موضعی را در دستور کار قرار دهد، ما را واداشت تا با «علی ودایع» کارشناس مسائل بین الملل گفت‌وگویی داشته باشیم که در ادامه بخش‌های مهمی از آن را از نظر می‌گذرانید:

چهارچوب‌های دکترین سیاست خارجی در حقیقت فرآیندی است که رویکردهای دیپلماتیک آشکار و پنهان کشورها را مشخص می‌کند. در حوزه سیاست خارجه فهم و درک از منافع ملی، تاریخ سیاسی، قدرت بازیگرها و شرایط اجتماعی و سیاسی باید به شکل توأمان و همراه با هم وجود داشته باشد.

آنچه به منزله یک اصل در حوزه سیاست خارجی شناخته می‌شود، آن است که کشورها معمولاً با نظر بر محدودیت‌ها و قدرت و توانمندی‌های خود به شکل عملگرایانه رفتار می‌کنند تا بتوانند توان بیشتر در میدان بین الملل داشته باشند. به هر میزان که دولت‌ها بتوانند گفت‌وگو خود را در صحنه جهانی به بروز و ظهور برسانند، توانایی تأثیرگذاری بیشتری کسب می‌کنند.

در چهارچوب‌های کلاسیک روابط بین الملل، سیاست خارجی یک کشور با به دست‌گیری ابتکارات گوناگون، نظیر تنش‌زدایی و تقویت روابط، وضعیت را به سمت و سویی سوق می‌دهد که در آن ادراک دیگران از ایران به منزله یک بازیگر مسئول و قابل اتکا بازتعریف شود. در این میان چیزی که ضروری می‌نماید، آن است که سیستم مربوط به سیاست خارجه یک کشور با به دست‌گیری ابتکاراتی، نظیر تنش‌زدایی، کنترل تنش و تقویت روابط با دیگر بازیگران سیاست خارجی، وضعیت را به سمت و سویی سوق دهد که در آن توان سناریونویسی‌های بیشتری برای متصدیان امر فراهم شود.

## تهران قدرت سنتی در خاورمیانه

ایران به منزله یک بازیگر و قدرت سنتی در غرب آسیا همواره تلاش کرده است به مثابه لنگرگاه ثبات و امنیت در ملتهب‌ترین منطقه ژئوپلیتیکی جهان ایفای نقش کند. التهاب شدید عرصه‌های کلان



روابط بین الملل با توجه به اتمسفر انباشته از تنش خاورمیانه و تلاش برای مداخله‌گری قدرت‌های فرامنطقه‌ای منجر به تشدید آثار آشنای پیرامونی ایران شده است. در فضایی که ترسیم شد، می‌توان گفت، جنگ اوکراین عامل محرکه بازنویسی دکترین جنگ سرد بین بلوک غرب و بلوک شرق محاسبه می‌شود. آثارش و رفتارهای رادیکالی قدرت‌های غربی متأثر از فضایی است که آنها احساس می‌کنند در تقابل‌های وزن‌کشی‌های چندجانبه‌گرایانه در موضع ضعف قرار گرفته‌اند.

پس لرزه‌های آنچه در رویارویی چین و روسیه با آمریکا، بریتانیا، فرانسه و در نهایت آلمان مشاهده می‌کنیم به وضوح در حاشیه تحولات اخیر خاورمیانه در قلب تلاش رژیم صهیونیستی برای توسعه تنش و مداخله‌گری آمریکا مشاهده می‌کنیم؛ این وضعیت در جریان جنگ ۱۲ روزه عملاً به یک رویارویی بزرگ تبدیل شد.

آنچه در این میان باید مورد توجه قرار گیرد، این است که رژیم صهیونیستی قصد دارد با ایجاد بی‌نظمی بزرگ برای ایجاد تغییرات ژئوپلیتیکی، موازنه قدرت را تغییر داده و منافع جدید تعریف کند؛ این وضعیت در چهارچوب تحلیلی رئالیسم منجر به تساعد تنش بین رژیم صهیونیستی و بازیگران سنتی غرب آسیا می‌شود. در این مسیر آمریکایی‌ها نیز چه در دوره بایدن و چه در دوره ریاست‌جمهوری ترامپ هرگونه همراهی را با این رژیم داشته و در این مسیر از هیچ کمکی دریغ نکرده‌اند. باید دقت داشت، فقط ایران نیست که برای رژیم صهیونیستی یک چالش است و صهیونیست‌ها برای رسیدن به اهدافشان ناچار به رویارویی با دیگر بازیگران منطقه هستند. مادر غرب آسیا و قلب مجادلاتی که ترسیم شد، با معمواره‌های امنیتی مواجه هستیم.

## الزام به حفظ موازنه قدرت

موازنه قدرت در خاورمیانه یک پدیده پویا و چندوجهی است که پس از جنگ ۱۲ روزه ایران و رژیم صهیونیستی و عملیات طوفان الاقصی، دچار

در دست بگیرند و دیپلماسی ایران به غیبت و انفعال متهم شود. اگر بخواهیم یکی از تقددهای مربوطه به دستگاه دیپلماسی را مطرح کنیم که در اسرع وقت باید در آن تجدیدنظر کرد، این است که در حال حاضر سیستم سیاست‌خارجی ایران به جای آنکه به منزله یک کنشگر فعال در تحولات مختلف جهانی و منطقه‌ای حضور داشته باشد، به اتخاذ مواضع قانع شده است.

باید بپذیریم که شدت و قدرت زد و خورد‌های دیپلماتیک در چارچوب «جنگ در منطقه خاکستری» یک نبرد تمام‌عیار است. شناخت الگوریتم «مرد دیوانه» ترامپ به موازات مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا نشان می‌داد که فرآیند رفتاری ترونیسکای اروپایی در شورای حکام به سمت تهاجم پینگ‌پنگی رژیم صهیونیستی حرکت خواهد کرد. مؤلفه‌های رفتاری رئیس‌جمهوری آمریکا به تهران امکان سناریوی میکینگ دیپلماتیک می‌دهد؛ اما شاید بتوانیم بگوییم که ایران در این عرصه ورود پیدا نکرده است. هم‌زمان، ما شاهدیم سایر دولت‌های بازیگر در عرصه بین‌الملل نظیر چین و روسیه با وجود رفتارهای نوسانی ترامپ سعی می‌کنند رفتار او را کنترل کرده و تشخیص دهند و در مواجهه با او از موضع قدرت و اقتدار وارد شوند. بنابراین، ایران نیز باید به این سمت و سو حرکت کند تا دیگر مسئله غافلگیری مطرح نشود؛ چرا که چنین موضوعی چندان معنادار نمی‌نماید.

## موازنه قدرت برای بازیگران قدرت

حال آنچه مشخصاً برای ایران اهمیت و اولویت دارد، افزایش مؤلفه‌های قدرت بوده تا بتواند از این طریق چالش‌های پیش‌رو را با موفقیت پشت سر بگذارد. ایران برای حفظ موازنه قدرت باید به سمت قدرت‌های درون‌زا، نظیر افزایش انسجام اتحاد ملی، ثبات اقتصادی و توان نظامی حرکت کند؛ اما این تمام ماجرا نیست، بلکه در حوزه سیاست خارجه هم باید تغییرات و به تعبیر بهتر اصلاحات ساختاری به شکل فوری صورت بگیرد. عملگرایی دیپلماتیک ایران در شرایطی که سیاست خارجی آمریکا و ترونیسکای اروپایی مبتنی بر فشار حداکثری است، یک الزام حیاتی است. جمهوری اسلامی ایران فی‌الحال نیاز دارد که به سمت توازن قدرت در سطح بین‌الملل پیش برود. هرگونه مذاکره ایران با طرف‌های غربی (به ویژه آمریکا)، باید با داشتن گزینه‌های جایگزین قوی و اهرم‌های فشار متقابل انجام شود تا نتیجه مذاکره به تضعیف قدرت ملی (نظامی، اقتصادی، منطقه‌ای) منجر نشود. اگر بخواهیم یکی از تقددهای مربوط به دستگاه دیپلماسی را مطرح کنیم که باید در آن تجدیدنظر شود، این است که در حال حاضر، سیستم سیاست‌خارجی ایران به جای آنکه با ابتکارات گفت‌وگویی، فعالانه نقش سازنده خود را در تحولات منطقه‌ای و جهانی تعریف کند، به اتخاذ مواضع کلی و منفعلانه قانع شده است. نمونه بارز این وضعیت را باید در مذاکرات صورت گرفته جست‌وجو کرد که ادراک طرف‌های غربی از ایران به منزله بازیگری که صرفاً به دنبال زمان خریدن است، به آنان اجازه داد تا چماق تهدید را

## روزنه

جامعه نمونه از نظر نهج البلاغه - ۷

## مشاقق مجاهدت

### علی معبودی

مسئول نمایندگی ولی فقیه در سپاه شهیدان استان تهران



حضرت علی(ع) بر اساس قرآن و سیره نبوی(ص) آرزوی تحقق جامعه‌ای مبتنی بر مجاهدت را داشتند و به یقین پیروان حقیقی حضرت برای رسیدن به مطلوب، امیر مؤمنان(ع) تا پای دار رفتند و رنج‌های فراوانی کشیدند. وجود نازنین علی(ع) مجاهد به معنای قرآنی بودند و در نهج البلاغه در اهمیت و علاقه‌مندی عناصر جامعه مجاهدت سخن گفته شده است. چنانکه پس از پیروزی در جنگ بصره(جنگ جمل) یکی از یاران امام(ع) گفت: «دوست داشتم برادرم با ما بود و می‌دید که چگونه خدا تورا بر دشمنان پیروز کرد.» امام(ع) پرسید: «آیا فکر و دل برادرت با ما بود؟» گفت: «آری.»

امام(ع) فرمود: «پس او هم در این جنگ با ما بود، بلکه با ما در این نبرد شریک‌اند. آنهایی که حضور ندارند در صلب پدران و رحم مادران می‌باشند؛ ولی با ما هم عقیده و آرمانند به زودی متولد می‌شوند، و دین و ایمان به وسیله آنان تقویت می‌شود.» (خطبه ۱۲)

یا وقتی خیر تهاجم سربازان معاویه به شهر انبار و سستی مردم به امام رسید، حضرت در اهمیت و آثار مجاهدت و البته مذمت و سزایش کسانی که تنها علاقه‌ای به مجاهدت ندارند؛ بلکه از میدان جهاد به بهانه‌های گوناگون فرار می‌کنند، می‌فرمایند: «جهاد در راه خدا دری از دریای بی‌پایان است که خدا آن را به سوسوی دستان مخصوص خود گشوده است. جهاد با لباس تقوا، وزره محکم و سپر مطمئن خداوند است.» (خطبه ۲۷) در قسمتی از خطبه ۱۸۲ پس از شهادت تعدادی از یاران حضرت، از جمله عمار؛ ایشان دست بر ریش مبارکشان گرفتند و زمانی طولانی گریستند و سپس در وصف همان یاران فرمودند: «دریغا، از برادرانم که قرآن را خواندند و بر اساس آن قضاوت کردند در واجبات الهی اندیشه کرده و آنها را بر پا داشتند. سنت‌های الهی را زنده و بدعت‌ها را نابود کردند؛ دعوت جهاد را پذیرفته و به رهبر خود اطمینان داشته و از او پیروی کردند.» سپس با بانگ بلند فرمودند: «جهاد، جهاد بندهگان خدا، من امروز لشکر آماده می‌کنم کسی که می‌خواهد به سوی خدا رود، همراه ما خارج شود.» حضرت به درستی جایگاه و آثار و برکات مجاهدت و عواقب ترک و بی‌انگیزگی در آن را بیان کرده‌اند. هر چند وقتی از «جهاد» سخن گفته می‌شود، جنگ نظامی به اذهان متبادر می‌شود؛ اما جهاد ابعاد و اقسام گوناگونی دارد و مهم شناخت جامعه نسبت به مصداق و علاقه‌مندی به مجاهدت است. جامعه مجاهد توانایی پاسداری از سرمایه‌های مادی و معنوی خویش را دارد و اگر ملتی عشق به جهاد را در خود پرورش دهد؛ یعنی عشق به استقلال و آزادی و حرکت به قله‌های پیشرفت و ایستادگی و تکیه بر داشته‌های خود را دارد و طبیعی است که چنین جامعه‌ای در تراز الگو بودن قرار می‌گیرد و بدخواهان جسارت هجوم و حتی طمع به آن را نخواهند کرد. امام(ره) که خود یک مجاهد در مکتب علی(ع) بودند، می‌گویند: «فرهنگ جهادی رمز استقلال و خودکفایی ملت‌هاست.»

رهبر معظم انقلاب نیز می‌فرمایند: «اگر روحیه جهادی و شهادت‌طلبی نبود، ملت ایران نمی‌توانست در برابر قدرت‌های بزرگ ایستادگی کند.» در نتیجه اشتیاق جامعه علوی به مجاهدت در راه خدا و آرمان‌های الهی و انسانی، یعنی شگوفایی عدالت، آزادی و عزت جامعه و این چیزی است که انقلاب اسلامی به‌عنوان آرمان‌های بزرگ همه پیامبران و اهل بیت(ع) دنبال می‌کند و ان شاءالله ما جزء کسانی باشیم که در این میدان شیرین حضور داشته و کمک کنیم تا آرمان‌های مقدس محقق شود. ان شاءالله

## عکس و مکت



**برتر از طلا/** فرشته حسن‌زاده پس از نایب قهرمانی رقابت‌های همبستگی کشورهای اسلامی «دوست داشتم که مدالم طلا بود و آن را تقدیم رهبر انقلاب می‌کردم، امیدوارم که مدال نقره من را بپذیرا باشند.» حضرت آقا در پاسخ به این پیام گفتند: «از طلا برتر، همت و تلاش و ایمان و اعتماد به نفس شمامت دخترم.»



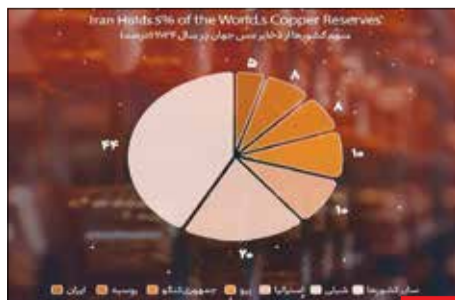
**محفل تماشایی در بنگلادش/** تجمع انبوه مردم داکا، پایتخت بنگلادش، برای میزبانی از دست‌اندرکاران برنامه محفل، فقط یک تماشای ساده نیست؛ بلکه نشانه‌ای از جذابیت قرآن است که می‌تواند موجی تازه بسازد آن هم با «شعار مرگ بر اسرائیل».



**حضور حضرت عشق/** مراسم عزاداری حضرت فاطمه زهرا(س) در حسینیه امام خمینی(ره) و با حضور اقشار گوناگون مردم و رهبر معظم انقلاب بر پا شد. مردم با ورود رهبر معظم انقلاب شعار «حیدر حیدر» را سر دادند.



**جنگ زرگری/** دیدار ترامپ و مددانی نشان داد ظاهراً برخی تحلیل‌ها درست بود و مددانی برای مبارزه و مقابله سیاسی با رژیم صهیونی و ترامپ نیامده، بلکه کل داستان یک جنگ زرگری برای مدیریت و تخلیه انرژی ضد صهیونی در بخشی از جامعه آمریکاست.



**ایران؛ بازیگر پنهان بازار جهانی مس/** در تازه‌ترین آمار ۲۰۲۴، شیلی با ۲۰ درصد سلطان مس دنیاست، اما نام ایران هم در میان قدرت‌ها می‌درخشد؛ با ۵ درصد ذخایر کل جهان، هم‌ردیف غول‌های معدنی و آماده جیش به باشگاه صادرکنندگان بزرگ مس.



**قدرت ماهواره ایرانی/** این تصویر واضح یکی از نیروگاه‌های آمریکاست؛ ولی برایتان جالب‌تر می‌شود اگر بدانید که ماهواره تمام ایرانی خیام آن را ثبت کرده است. در آینده نزدیک قدرت فناوری ایران در فضا، منافع ملی را چند پله ارتقا خواهد داد.



### پیشخوان

### چوب حراج به سیاست آمریکا



«اکنونمیست» نوشت: «اخیراً هیئتی از تجار سونیسی با یک شمش طلا و یک ساعت روکش به ملاقات ترامپ رفتند. چند روز بعد، نرخ تعرفه آمریکا بر سونیس بیش از نصف کاهش یافت. در ماه مه، قطر یک جت ریاست‌جمهوری ۴۰۰ میلیون‌دلاری به‌ترامپ اهدا کرد. در اکتبر، این کشور مجوز احداث مرکزی آموزشی برای خلبانان نظامی خود در یک پایگاه نیروی هوایی در ایالت آیداهو را دریافت کرد.» به نوشته این هفته‌نامه، بسیاری از اهداکنندگان هدایای گران‌قیمت به ترامپ و سرمایه‌گذاران در پروژه‌های مورد علاقه او متعاقباً از تعرفه‌ها، دعای قضایی یا مقررات معافیت گرفتند. تقریباً هیچ‌گاه معامله متقابل به صراحت بیان نمی‌شود، اما هدف، خرید حسن نیت و اعتماد به ترامپ برای جبران آن است. این نشریه افزود: «استفاده ترامپ از قدرت دولت برای مجازات و پاداش، در کنار رویکرد آشکار معامله‌گر ایانه‌اش، به‌شرکت‌ها، کشورها و افراد انگیزه می‌دهد تا برای دسترسی و کسب منفعت پول بپردازند. این در دوره اول ریاست‌جمهوری‌اش نیز صادق بود، اما اکنون آشکارتر و شدیدتر شده‌است. تفاوت دیگر بین دوره اول و دوم ترامپ، عقب‌نشینی از اجرای مقررات ضد فساد است. این برداشت گسترده ایجاد شده که کاخ سفید انعطاف‌پذیر است و فعالیت‌هایی که زمانی مبتذل، رسواساز یا قابل مجازات تلقی می‌شدند، تحمل خواهند شد.»

### خیانت در سفارت



روزنامه «نیویورک تایمز» نوشت: «سفیر ترامپ در اسرائیل در سفارت آمریکا در قدس اشغالی با جاناتان جی پولارد، شهروند آمریکایی که به دلیل جاسوسی برای اسرائیل ۳۰ سال را در زندان گذرانده بود، ملاقات کرده است. این ملاقات بسیار غیر معمول، شکافی عمیق در رویه‌سال‌های طولانی دیپلمات‌های آمریکایی ایجاد کرده است.» به نوشته این روزنامه، پولارد ۷۱ ساله، در یکی از مشهورترین پرونده‌های جاسوسی جنگ سرد در سال ۱۹۸۷ به جرم جاسوسی برای رژیم صهیونیستی به حبس ابد محکوم شد. در حالی که بسیاری از آمریکایی‌ها او را خانم می‌دانستند، اسرائیلی‌ها، به ویژه راست‌گرایان، او را قهرمان می‌دانستند و برای آزادی او لابی کردند تا اینکه در سال ۲۰۱۵ آزاد شد. پنج سال بعد، او به اسرائیل نقل مکان کرد و نتانیاهو در فرودگاه به استقبال او رفت. نیویورک‌تایمز افزود: «پولارد طفیلی از اسناد طبقه‌بندی شده را به اسرائیل تحویل داده بود؛ حجم اسناد به حدی بود که می‌توانست فضایی به ابعاد ۶ در ۶ در ۱۰ فوت را پر کند. اقدامات او منابع اطلاعاتی آمریکا را به خطر انداخت و نیروهای آمریکایی مستقر در سراسر جهان را در معرض خطر قرار داد. وی تنها شهروند آمریکایی است که به دلیل جاسوسی برای یک متحد به حبس ابد محکوم شده است.»

#### احسان بهاری

خبرنگار

قطعه‌نامه تازه سه کشور اروپایی انگلیس، فرانسه و آلمان با همراهی آمریکا در روز ۲۹ آبان تصویب شد؛ این قطعه‌نامه هفتمین سند رسمی پس از بسته‌شدن پرونده «ابعاد نظامی احتمالی» برنامه هسته‌ای ایران در سال ۱۳۹۴ است؛ پرونده‌ای که قرار بود مهر پایانی بر سال‌ها اتهام‌زنی و بی‌اعتمادی باشد، اکنون به نظر می‌رسد خود به نقطه آغاز منازعات جدید بدل شده است. قطعه‌نامه اخیر با ۱۹ رأی موافق، ۱۲ رأی ممتنع و ۳ رأی مخالف تصویب شد؛ اما آنچه اهمیت بیشتری دارد نه ارقام، بلکه چارچوبی است که سه کشور اروپایی در این قطعه‌نامه تهیه دیده‌اند و آن بازاریابی پرونده هسته‌ای ایران در قالب یک «تهدید امنیتی بالقوه» و هم‌زمان تلاش برای وادار کردن تهران به تعلیق کامل فعالیت‌های حساس، از جمله غنی‌سازی، بازفرآوری و تحقیق و توسعه است. متن قطعه‌نامه که با تکیه بر گزارش «رافائل گروسی»، مدیرکل آژانس فوری آژانس به داده‌های تازه در خصوص دسترسی فوری آژانس به داده‌های تازه در خصوص ذخایر مواد هسته‌ای اعلام شده ایران»، تلاش دارد ایران را در موقعیتی قرار دهد که هرگونه اقدام فنی یا حفاظتی‌اش در چارچوب دفاع از زیرساخت‌های هسته‌ای، به‌عنوان رفتار غیرهمکارانه تفسیر شود.

### سکوت معنادار گروسی

اما آنچه سکوت معنادار این قطعه‌نامه را به یک نقطه چالش‌آفرین تبدیل می‌کند، نادیده گرفتن حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونی به تأسیسات هسته‌ای ایران است؛ حملاتی که نه‌تنها بی‌سابقه و آشکارا مغایر با اصول آژانس، معاهده منع اشباعه و عرف حقوق بین‌الملل هستند، بلکه بنیان اعتماد میان ایران و آژانس

**به بهانه قطعه‌نامه جدید اروپا و آمریکا در شورای حکام علیه ایران**

# هفتمین سند اختلاف

را هدف گرفته‌اند. این اتفاق درست در زمانی رخ داد که ایران روند عادی همکاری‌های فرآیدمانی خود را با آژانس ادامه می‌داد و بر اساس رویه‌های معمول، اطلاعات مربوط به فعالیت‌های صلح‌آمیز خود را در اختیار بازرسان قرار می‌داد. در چنین شرایطی، غیبت حتی یک جمله محکومیت از سوی آژانس به‌ویژه از جانب گروسی برای بسیاری در ایران معنایی جز سیاسی‌کاری و هم‌خطی با قدرت‌های غربی ندارد. پرسش محوری در تهران این است که چگونه نهادی که باید تضمین‌کننده امنیت تأسیسات هسته‌ای اعضا باشد، در برابر حمله به همان تأسیساتی که اطلاعات‌شان صرفاً در اختیار خودش بوده، سکوت اختیار می‌کند؟ پاسخ ایران به این تناقض، تجدیدنظر در همکاری با آژانس بود؛ فرآیندی که از زمان حملات ۱۲ روزه به‌طور جدی‌تر دنبال شد و اکنون با قطعه‌نامه تازه شورای حکام ابعاد گسترده‌تری یافته‌است. قانون مصوب مجلس برای تعیین چارچوب جدید همکاری با آژانس و انتقال پرونده به شورای عالی امنیت ملی نقطه عطف همین تغییر استراتژی بود. افزون بر این، تهران از مدت‌ها پیش نسبت به «درز اطلاعات محرمانه» از سوی بازرسان آژانس هشدار داده بود؛ هشدارهایی که با افشا شدن همکاری برخی بازرسان با سرویس‌های اطلاعاتی آمریکا و موساد، اعتبار ملموسی یافت. هم‌زمان، وزارت اطلاعات ایران اعلام کرد اسنادی در اختیار دارد که نشان‌دهنده همکاری‌های پنهان گروسی با موساد است؛ بنابراین اکنون آژانس عملاً به آلت دست آمریکا برای فشار به ایران تبدیل شده است. در چنین

حالت، مسؤلان ایرانی از جمله «کاظم غریب‌آبادی» معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت خارجه به صراحت اعلام کرده‌اند که ایران در برابر این مسیر، بازنگری اساسی در روابط با آژانس را در دستور کار قرار می‌دهد. به گفته او، قطعه‌نامه تازه نشان می‌دهد

### حسن نیت ایران درک نشد

در مقابل، مسؤلان ایرانی از جمله «کاظم غریب‌آبادی» معاون حقوقی و بین‌الملل وزارت خارجه به صراحت اعلام کرده‌اند که ایران در برابر این مسیر، بازنگری اساسی در روابط با آژانس را در دستور کار قرار می‌دهد. به گفته او، قطعه‌نامه تازه نشان می‌دهد

کشورهای غربی نه به تعامل، بلکه به فشار ساختاری متکی‌اند؛ بنابراین دوره «توافق قاهره» که قرار بود الگوی تازه‌ای از همکاری میان ایران و آژانس ایجاد کند، عملاً پایان یافته‌است. «عباس عراقچی» وزیر امور خارجه نیز در توتیتی با اشاره به سلسله حوادث اخیر از حملات آمریکا و رژیم صهیونی به تأسیسات ایران تا فشارهای اروپا برای بازگرداندن تحریم‌های شورای امنیت نوشت که «حسن‌نیت ایران فهم نشد» و اکنون برای همه روشن شده است که این تهران نیست که بحران تازه‌ای می‌سازد. روایت عراقچی از روند رویدادها، بازتابی از نگاه غالب در تهران است که معتقد است هر بار که ایران مسیر کاهش تنش را برگزیده، کشورهای غربی از آن به منزله فرصتی برای فشار بیشتر استفاده کرده‌اند.

### مخالفت چین و روسیه با قطعه‌نامه‌های غرب

در این میان، نکته مهم دیگری در صحنه بین‌المللی در حال شکل‌گیری است و آن همراهی چین و روسیه با ایران و مخالفت آنان با رویکرد اروپا و آمریکا‌ست. فعال‌سازی اسنپ یک از سوی سه کشور اروپایی و تلاش برای بازگرداندن قطعه‌نامه‌های پیشین شورای امنیت علیه ایران، با مخالفت علنی مسکو و پکن رویه‌رو شد. روسیه اعلام کرده است هیچ‌یک از این قطعه‌نامه‌ها را به رسمیت نمی‌شناسد و با پایان یافتن مهلت برجامی قطعه‌نامه ۲۲۳۱، همکاری‌هایش با ایران را ادامه خواهد داد. چین نیز در نامه‌ای رسمی به دبیرکل سازمان ملل تأکید کرده بازگشت قطعه‌نامه‌ها غیرقانونی است. موضع‌گیری این دو عضو دائم شورای امنیت که یکی از آنها ریاست دوره‌ای شورا را نیز در اختیار دارد، وزن سیاسی قابل توجهی دارد و نشان می‌دهد شکاف جدیدی در میان قدرت‌های بزرگ درباره ایران در حال شکل‌گیری است؛ شکافی که می‌تواند معادلات غرب برای اجماع‌سازی علیه تهران را دشوارتر کند.

### پنجره

## کپی برابر اصل!

### قطعه‌نامه آمریکا برای اشغال غزه با مشروعیت بین‌المللی

بین بردن نفرت جهانی است. توقف نسل‌کشی حتی مشروع و تضمین شده از سوی همه قوانین بین‌المللی و الهی است و نباید به قاتل پاداش داده شود. مردم فلسطین گدا نیستند که شایسته ترحم باشند و انتقال از اشغال اسرائیل به اشغال آمریکا هیچ تفاوتی ندارند، دومی از اولی بدتر است. اگر حمایت نظامی، مالی و دیپلماتیک آمریکا نبود، رژیم اشغالگر حتی یک روز هم دوام نمی‌آورد.»
عطوان هدف از طرح‌های ترامپ را کوچاندن سریع ساکنان غزه تحت عناوین مختلف دانست و نوشت: «هدف تخلیه ساکنان از طریق جابه‌جایی سریع، تحت عناوین مختلف به ویژه خروج داوطلبانه به بسیاری از مناطق جهان طبق برنامه‌ریزی دقیق و حساب شده است. این یا از طریق فشار تهدید و چماق آمریکایی یا از طریق مشوق‌های مالی عربی و اروپایی خواهد بود.»
تحلیلگر عرب گفت: «ما طرفدار توقف جنگ ویرانگر علیه مردم خود در نوار غزه هستیم، اما مخالف پاداش دادن به جنایتکار، دستیابی به تمام اهدافش تحت پوشش بین‌المللی، از بین بردن مقاومت مشرّع فلسطین و تمام دستاوردهای «طوفان الاقصی» در بازگرداندن آرمان عادلانه فلسطین به صدر دغدغه‌های جهانی هستیم.»

«عبدالباری عطوان» تحلیلگر جهان عرب، با اشاره به تصویب قطعه‌نامه ۲۸۰۳ اخیر در شورای امنیت درباره غزه، نوشت: «قطعه‌نامه ۲۸۰۳ به مثابه اشغال غزه از سوی آمریکا تحت پوشش و مشروعیت بین‌المللی، نجات رژیم اشغالگر و گواهی برانت این رژیم از کشتار و نسل‌کشی و پاکسازی قومی، گرسنگی و ویرانگری است که طی دو سال مرتکب شده‌است. این قطعه‌نامه به مثابه پاداش به اسرائیل است و آنچه را که با نسل‌کشی و گرسنه نگه داشتن مردم غزه به دست نیاورد، به آن می‌دهد.»

عطوان اضافه کرد: «این قطعه‌نامه کپی برابر اصل قطعه‌نامه ایجاد رژیم اسرائیل و آواره کردن بیش از ۷۵۰ هزار فلسطینی از اراضی‌شان در سال ۱۹۴۸ است. در قطعه‌نامه یادشده بندی که رژیم اشغالگر و کشتارهای آن را محکوم کند، به چشم نمی‌خورد و به راهکار دودولتی یا تشکیل کشور مستقل فلسطین اشاره نشده و به ملت فلسطین به عنوان ملتی ناتوان در اداره امورش نگریسته شده‌است. این قطعه‌نامه همچنین مقاومت را پایان می‌دهد و آن را خلع سلاح و ریشه‌کن می‌کند.»

سردبیر «رأی الیوم» نوشت: «هدف این قطعه‌نامه نجات نتانیاهو و کابینه‌اش با هدف از

## بی‌تقصیرم

«رافائل گروسی» مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، با این ادعا که این سازمان نقشی در تهیه قطعه‌نامه پیشنهادی تروئیسکای اروپایی و آمریکا علیه ایران ندارد، تأکید کرد، بازرسان آژانس باید بتوانند از تأسیسات هسته‌ای آسیب‌دیده در جنگ ۱۲ روزه بازدید کنند. وی افزود: «خط قرمز زمانی رد شد که از زور (علیه تأسیسات هسته‌ای ایران) استفاده شد، تخریب صورت گرفت، افرادی قربانی شدند و قانون جدیدی در ایران تصویب شد. در داخل ایران انتقادهای زیادی از خود من و از آژانس مطرح می‌شود. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که همه چیز به‌خوبی پیش برود فقط چون ما خواهان آن هستیم.»



## شریک جرم

«فرانچسکا آلبانیز» گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل گفت: «اتحادیه اروپا به پوششی برای کشورهای عضو تبدیل شده تا به تعهدات بین‌المللی خود در خصوص مسئله غزه و فلسطین عمل نکنند.» وی با اشاره به استمرار تجارت اسلحه میان کشورهای اروپایی و رژیم صهیونیستی، افزود: «بسیار خطرناک است که کشورهای اروپایی به ارسال سلاح برای «اسرائیل»، خرید اسلحه از آن و انجام تحقیقات علمی ادامه می‌دهند، اعضای اتحادیه و سیاست‌های‌شان در نابودی فلسطین نقش آفرینی می‌کنند.» آلبانیز خاطر نشان کرد: «پاکسازی نژادی در کرانه باختری در مقیاسی تقریباً بی‌سابقه در طول ۸۰ سال گذشته و با خشونت بی‌سابقه در حال وقوع است.»



## دیگران

### آسیب‌شناسی تعیین KPIs

پروفسور تقی عبدالرضا العبدوانی

مقاله‌نویس فصلنامه بین‌المللی USPR

امروزه اغلب سازمان‌ها برای تضمین کیفیت مدیریت داخلی و انطباق با استانداردهای خارجی، مانند اعتبارسنجی‌ها و حسابرسی‌ها، بیش از هر زمان دیگری به ابزارهای سنجش عملکرد نیازمندند. در این میان، شاخص‌های کلیدی عملکرد (KPIs) نقشی محوری در ارزیابی موفقیت برنامه‌های راهبردی ایفا می‌کنند. این شاخص‌ها به یک مؤسسه یا سازمان کمک می‌کنند تا با شناسایی نقاط قوت و ضعف خود، داده‌های لازم برای برجسته‌سازی تلاش‌ها و موفقیت‌هایش در مسیر بهبود مستمر درک کند. تدوین شاخص‌های کلیدی عملکرد، گامی اساسی در جهت تحقق چشم‌انداز، مأموریت و اهداف یک سازمان است. همان‌طور که مورتنسن تعریف می‌کند، یک شاخص کلیدی عملکرد «از سوی مدیریت تعیین می‌شود، اهداف سازمانی را بازتاب می‌دهد، بر داده‌های معتبر استوار است، درک آن آسان است و به اقدام منجر می‌شود». بنابراین، این شاخص‌ها فراتر از اعداد و ارقام صرف، به ابزاری برای تبدیل اهداف استراتژیک به اقدامات عملی و قابل اندازه‌گیری تبدیل می‌شوند و به تمام مدیران و دیگر ذی‌نفعان کمک می‌کنند تا تصمیمات آگاهانه‌تری برای حفظ و ارتقای فرهنگ کیفیت سازمان خود اتخاذ کنند.

نقش شاخص‌های کلیدی عملکرد در سازمان‌ها چندوجهی و عمیق است. این شاخص‌ها به مثابه «سنگ‌بنایی» هستند که موفقیت‌های پیشین را به سکوی برای دستیابی به سطوح بالاتر تعالی تبدیل می‌کنند. آنها همچنین به منزله «ایستگاه‌های بازرسی عملکرد» عمل کرده و با ایجاد استانداردهای شفاف، تضمین می‌کنند که تمامی فعالیت‌ها در راستای اهداف تعیین‌شده حرکت می‌کنند. افزون بر این، شاخص‌های کلیدی عملکرد یک «نقشه راه برای پیشرفت و توسعه» ترسیم می‌کنند و ارتباط مستقیم میان فعالیت‌های روزمره و اهداف راهبردی بلندمدت را برقرار می‌سازند. شاید مهم‌ترین نقش آنها، عملکردشان به منزله یک «آینه» باشد که به مدیران و کارکنان امکان خودارزیابی می‌دهد. هنگامی که نتایج نهایی با استانداردهای کیفی مطابقت ندارند، این شاخص‌ها به ریشه‌یابی مشکلات کمک کرده و ساختار مدیریتی را به سمت تدوین سیاست‌های حمایتی بهتر هدایت می‌کنند. به این ترتیب، شاخص‌های کلیدی عملکرد نه تنها عملکرد گذشته را می‌سنجند، بلکه به‌طور فعال آینده یک مؤسسه را شکل می‌دهند.

با این حال، مسیر تدوین و پیاده‌سازی شاخص‌های کلیدی عملکرد همواره با چالش‌هایی جدی روبروست. یکی از بزرگ‌ترین موانع، مشارکت نداشتن ذی‌نفعان در فرآیند تدوین این شاخص‌هاست. آنجایی که این شاخص‌ها ماهیتی استراتژیک دارند، حضور فعالانه تمام اجزای مؤثر در فرایند طراحی شاخص‌ها حیاتی است. چالش دیگر، نبود دانش کافی در بین ذی‌نفعان دربارۀ اصول اولیه تعیین شاخص‌هاست که می‌تواند به مشارکت بی‌اثر منجر شود. همچنین، خطر تفسیر نادرست داده‌ها و تمرکز بر معیارهای نامرتبط که تصویر کاملی از عملکرد واقعی ارائه نمی‌دهند، همواره وجود دارد. ناکامی در محک زدن عملکرد در برابر سایر سازمان‌ها مشابه یا رقیب، و همچنین عدم برقراری ارتباط مؤثر و اطلاع‌رسانی شفاف به کارکنان در مورد اهداف و مسئولیت‌های‌شان، از دیگر چالش‌هایی هستند که می‌توانند موفقیت این سیستم را به‌طور کامل تضعیف کنند.

هوشمندانه و تدریجی است؛ جراحی‌ای که بدون درد و شوک اجتماعی انجام می‌شود و دولت را از بدنه سنگین و کند به ساختاری چالاک و آینده‌گرا تبدیل می‌کند. در این مسیر گام نخست، تشخیص و تریاز است. اجرای دورکاری هوشمند برای برخی دسته‌های شغلی، می‌تواند ابزار ارزیابی اولیه باشد. این اقدام امکان شناسایی مشاغل را فراهم می‌کند که حضور فیزیکی در آنها ضرورتی ندارد یا حتی ماهیتاً به وجودشان نیازی نیست. بهره‌گیری از ابزارهایی، مانند نقشه‌برداری فرآیندها، تحلیل داده و هوش مصنوعی، می‌تواند فعالیت‌های اضافی و موازی را شناسایی کند. گام دوم، بازآرایی و تعدیل ساختاری است. دولت باید سیاست استخدای منقبض و مبتنی بر «بودجه‌ریزی صفر» اتخاذ کند؛ یعنی هیچ جایگاه شغلی جدیدی بدون سند نیاز و کارسنجی دقیق ایجاد نشود. هم‌زمان، با تسهیل بازنتسجی پیش از موعد و ارائه مشوق‌های جذاب برای جلب افراد به بازخرید و بازنتسجی و عدم جایگزینی فوری خروجی‌های سیستم، می‌توان به تدریج حجم نیروی انسانی را کاهش داد. گام سوم، احیا با رویکرد شایسته‌سالاری است. منابع آزادشده باید صرف جذب نیروهای متخصص و جوان شود. این مرحله زمانی معنا پیدا می‌کند که نظام ارزیابی عملکرد بر شاخص‌های دقیق، شفاف و قابل‌سنجش استوار باشد. ارتقا و حقوق باید به بهره‌وری گره بخورد، نه به سابقه، روابط خانوادگی و سیاسی یا موقعیت اداری! ایجاد مسیرهای رشد سریع برای نخبگان جوان نیز ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا خون تازه‌ای در رگ‌های نظام اداری به جریان بیفتد.

### امروز، بهترین زمان برای جراحی!

دنیا در حال تغییر است. روندهای جهانی در حوزه حکمرانی، اقتصاد دیجیتال، فناوری‌های نو و افزایش سرعت تحولات منطقه‌ای، دولت‌هایی را موق می‌داند که چابک باشند، هزینه‌های غیر ضرور را کاهش دهند، از داده و فناوری در تصمیم‌سازی استفاده کنند، و نیروی انسانی توانمند و چندمهارتی داشته باشند. کشورمان نیز برای حضور مؤثر در چنین جهانی، ناچار به تغییر است. ادامه وضع موجود تنها فاصله ما را با روندهای جهانی افزایش می‌دهد. عصر دولت‌های پرهزینه، کند و متکی بر درآمد نفت گذشته و عصر دولت کارآمد، داده‌محور و مبتنی بر شایسته‌سالاری آغاز شده است.

### الزامی برای حفظ بقای ملی

بحران اقتصادی امروز کشور فقط مسئله تورم و معیشت نیست؛ بلکه مسئله‌ای ریشه‌دار در ساختار اداری و حکمرانی است. اگر ساختار اداری اصلاح نشود، هیچ سیاست پولی یا مالی قادر به حل پایدار مشکلات نخواهد بود. بنابراین، اصلاحات ساختاری یک انتخاب سیاسی یا مدیریتی نیست؛ یک ضرورت ملی برای عبور از بحران‌ها، حفظ امنیت و بازگشت به مسیر توسعه است. عملیاتی‌سازی حداکثری دولت الکترونیکی و اجرای طرح دورکاری کارمندان در مشاغل غیر ضروری، تعلیق چند ساله استخدام دولتی، تحول در نظام ارزیابی عملکرد، و جذب نخبگان جوان، چهار ستون اصلی این اصلاح بزرگ هستند. بدون شک کشورمان برای رسیدن به جایگاهی که شایسته آن است، نیازمند کنار گذاشتن الگوهای مدیریتی قدیمی و نامتناسب با زمانه و میدان‌دادن به نسلی از مدیران جوان، متخصص و جسور است. این مسیر اگر چه چالش‌هایی دارد، آینده‌ای پایدار، کارآمد و امن برای کشور به همراه خواهد داشت. تاریخ معاصر به خوبی نشان داده است که هیچ جامعه‌ای با ساختارهای سنگین و غیربهره‌ور به توسعه نرسیده و نخواهد رسید؛ لذا با عنایت به آنچه شرح داده شد، ایران عزیزمان امروز فرصتی تاریخی دارد تا با یک جراحی عالمانه، مسیر پیشرفت و توسعه خود را بیش از پیش هموار کند.

## نگاهی به چرایی و ضرورت انجام اصلاحات ساختاری در راستای افزایش بهره‌وری کشور

# وقت جراحی!



دقیق، مرحله‌به‌مرحله و هوشمندانه نهفته است؛ جراحی‌ای که هدف آن افزایش بهره‌وری، کاهش هزینه‌های پنهان دولت‌داری، احیای شایسته‌سالاری و توانمندسازی سرمایه انسانی با تأکید بر افزایش بهره‌وری است.

### فرهنگ سازمانی غیر بهره‌ور

برای درک عمق بحران، کافی است نگاهی دقیق‌تر به فضای عمومی برخی دستگاه‌های اجرایی بیندازیم. در یکی از تجربه‌های حرفه‌ای خود، مشاهده روزانه رفت‌وآمد کارکنان در طبقات یک ساختمان اداری تصویر معناداری از فرهنگ کاری در ساختار اجرایی کشور برایم ایجاد کرد. کارکنانی که می‌توانستند با چند پله، طبقه بالا یا پایین را طی کنند، ترجیح می‌دادند دقایقی در صف آسانسور منتظر بمانند. در نگاه اول، شاید این رفتار یک عادت ساده باشد؛ اما دقیق‌تر که می‌شویم، درمی‌یابیم که این رفتار نماد یک فرهنگ سازمانی است؛ فر هنگی که در آن زمان کاری و بر کردن ساعت ورود و خروج، خود به هدف تبدیل شده و تولید ارزش و خروجی واقعی جایگاه مشخصی ندارد؛ در چنین ساختارهایی شاهد فضایی هستیم که در آن نظام ارزیابی عملکرد مبتنی بر KPI، بهره‌وری و دستاوردهای واقعی نیست و معیار سنجش، تنها حضور فیزیکی یا گزارش‌های شکلی است. طبیعی است که فرآیندهایی دلیل طولانی می‌شوند، سیستم کند می‌شود و کارمندان انگیزه‌ای برای خلق ارزش افزوده پیدا نمی‌کنند و حتی اگر کارمند خلاق و توانمندی در چنین محیطی قرار گیرد، از سوی سایر همکاران خود که به کار نکردن عادت کرده‌اند، سرکوب و دچار چالش می‌شود که نمونه‌اش را می‌توان در نمرات ارزش‌یابی مشاهده کرد که برخی افراد در رابطه با همکاران پرکار و فعال خود اعلام می‌کنند؛ در چنین ساختاری، اضافه‌کار نیز نه برای فعالیت بیشتر، بلکه برای جبران ناکافی بودن حقوق تعریف می‌شود. نتیجه آنکه بخش قابل توجهی از انرژی انسانی کشور، صرف حضور، جلسات غیر ضروری و اجرای فرآیندهایی می‌شود که با فناوری‌های جدید می‌تواند بسیار کارآمدتر، ساده‌تر و سریع‌تر انجام شود. این رفتارها ظاهر ساده‌ای دارند، اما در لایه‌های زیرین، تصویری از یک مشکل بزرگ‌تر و ریشه‌دار ارائه می‌دهند که نامش را می‌توان تورم نیروی انسانی در بدنه اجرای

### نوید کمالی

دبیر گروه راهبرد

به اذعان همه کارشناسان، امروزه کشورمان در یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر خود قرار گرفته است؛ مقطعی که مجموعه‌ای از فشارهای ژئوپلیتیکی، تحریم‌های بین‌المللی، پیامدهای جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، نوسانات اقتصاد جهانی و درگیری‌های منطقه‌ای، ساختار اقتصادی و مدیریتی کشور را زیر سایه‌ای پر فشار و سنگین قرار داده است. این فشارها سبب شده است بسیاری از سیاست‌ها و قوانین نامناسب یا اشتباه که سال‌ها در پشت درآمدهای نفتی پنهان مانده بودند، اکنون آشکار شوند که این مسئله را می‌توان به نوبه خود یک فرصت و موهبت برای بهسازی سیاست‌ها و قوانین کشور در نظر گرفت تا به واسطه اصلاح آنها، متناسب با زمانه امکان پیشبرد امورات کشور و تأمین منافع ملی ممکن باشد؛ اما آن زمان باید به این نکته توجه داشت که تضعیف ارزش پول ملی، تورم شدید، کاهش قدرت خرید طبقات متوسط و پایین و فرسایش معیشت عمومی در حال ایجاد اختلال در کشور است و اگر به آن رسیدگی سریع و اصولی نشود و وضع موجود همچنان استمرار یابد، نه تنها اقتصاد کشور، بلکه انسجام اجتماعی و امنیت ملی کشور را نیز به شکل جدی دچار بحران و تهدید خواهد کرد. در چنین وضعیتی، مسئولیت دولت و حاکمیت تنها مدیریت روزمره اقتصاد نیست؛ بلکه اتخاذ یک تصمیم تاریخی برای اصلاح بنیادین ساختار اداری و اجرایی کشور امری است که البته تمام نخبگان و دلسوزان کشور انتظارش را دارند. در چنین شرایطی پرسش اصلی هر فرد مسئول و کارشناسی این است که در شرایط تحریمی فعال و در سایه تشدید محدودیت‌های نفتی کشورمان، چگونه می‌توان بدون ایجاد شوک اجتماعی، ساختار اداری کشور را سبک‌سازی و کارآمد کرد تا با هزینه و بهره‌وری بیشتر امورات کشور و مردم تأمین شود؟ بدون شک پاسخ این پرسش نه در سیاست‌های کوتاه‌مدت، بلکه در یک «جراحی ساختاری»

## اندیشکده

# آفت سنجش صوری!

پيامد» یا «Outcome» است. شاخص کلیدی عملکرد یک کارمند در اداره صدور مجوز، نباید صرفاً «تعداد مجوزهای صادرشده در روز» باشد، بلکه باید به شاخص‌های کلانی نظیر «میانگین زمان راه‌اندازی یک کسب‌وکار» یا «میزان رضایت فعالان اقتصادی» متصل و مرتبط شود. این اتصال راهبردی، یک زنجیره ارزش معنادار میان وظایف خرد فردی و اهداف کلان ملی ایجاد کرده و به کارمند این حس را منتقل می‌کند که فعالیت روزمره‌اش، قطعه‌ای از پازل بزرگ پیشرفت سازمان و کشور است. تحقق این امر مستلزم آن است که مدیران ارشد هر سازمان و نهادی، اهداف راهبردی سازمان خود را که از اسناد بالادستی نشأت گرفته، به اهداف عملیاتی و قابل‌سنجش برای هر واحد و هر فرد ترجمه کنند. در گام بعدی، باید از اتکا به یک یا دو شاخص محدود پرهیز کرد و به سمت طراحی یک «سبد متوازن از شاخص‌ها» حرکت نمود. این سبد باید ترکیبی هوشمندانه از معیارهای کمی، کیفی، فردی و تیمی باشد. در کنار سنجش نتایج ملموس، باید شاخص‌هایی برای ارزیابی مهارت‌های نرم، مانند «توانایی حل مسئله»، «روحیه همکاری و کار تیمی»، «اخلاقیات و ارائه پیشنهادهای بهبود» و «تکریم ارباب

هنگامی که موفقیت یک کارشناس بر اساس تعداد نامه‌های بایگانی‌شده یا ساعت ورود و خروج، یا عملکرد یک مدیر بر مبنای تعداد جلسات برگزار شده سنجیده می‌شود، ما با پدیده‌ای مواجه‌ایم که می‌توان آن را «بوروکراسی صوری» نامید. در این مدل، سیستم به حجم فعالیت پاداش می‌دهد نه دستاوردهای آن؛ در نتیجه کارمند و مدیر می‌آموزد که چگونه «فرم» را بر «محتوا» ارجح بدهد و شاخص‌ها را بدون ایجاد ارزش واقعی، محقق کند. این رویکرد، ضمن تهی کردن فرآیند ارزیابی از معنای واقعی خود، به مرور زمان، روحیه خلاقیت، حل مسئله و مسئولیت‌پذیری را در بدنه کارشناسی کشور تضعیف کرده و سیستمی را بازتولید می‌کند که در برابر تغییر و نوآوری مقاوم است. این آسیب ساختاری، در مقیاس کلان، به ائتلاف منابع حیاتی کشور، تأخیر در اجرای پروژه‌های ملی و کاهش رضایتمندی عمومی منجر می‌شود که هر یک به‌نوبه خود، چالشی برای منافع ملی به‌شمار می‌آیند.

راهکار بنیادین این چالش و مسئله، نه در حذف نظام سنجش، بلکه در بازتعریف فلسفه و معماری آن نهفته است. نخستین گام، تغییر چارچوب از «سنجش خروجی» یا «Output» به «سنجش

### سید علی حسینی

پژوهشگر امنیت ملی

نظام اداری کارآمد، ستون فقرات یک حکمرانی مطلوب و پیش‌ران تحقق اهداف کلان ملی است. در دهه‌های اخیر، تلاش برای گذار از یک نظام مدیریتی سنتی به یک نظام مدیریتی نوین و مبتنی بر نتایج، به دغدغه‌ای راهبردی برای سیاست‌گذاران تبدیل شده است. در قلب این تحول، مفهوم «ارزیابی عملکرد» و به‌کارگیری «شاخص‌های کلیدی عملکرد» یا «KPIs» قرار دارد؛ ابزاری که اگر چه در نیت، چراغ راه افزایش بهره‌وری است، در عمل، به‌سادگی می‌تواند به بیراهه رفته و خود به مانعی در مسیر کارآمدی تبدیل شود. آسیب‌شناسی این انحراف و ارائه راهکارهای اصولی برای استقرار یک نظام سنجش اثربخش، نه یک انتخاب، بلکه ضرورتی راهبردی برای تقویت بنیان‌های ساختار اداری کشور است.

در حال حاضر، ریشه اصلی انحراف در سنجش عملکرد کارکنان و کارمندان، تقلیل‌گرایی و تمرکز بر شاخص‌های کمی صرف و قابل شمارش، به جای توجه به نتایج و پیامدهای کیفی و اثربخش است.

یادداشت

شرط موفقیت در صادرات

یحیی آل اسحاق

کارشناس اقتصادی



اقتصاد ایران زمانی در امر صادرات موفق خواهد شد که از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، یعنی روابط تجاری، مقررات تعرفه‌های ترجیحی، موافقت‌نامه‌ها، حضور در حوزه‌های گوناگون دیپلماسی سیاسی، روابط سیاسی ایران با سایر کشورها و... به بهترین شکل ممکن استفاده کند. برای موفقیت در این حوزه حتی باید به مسائل امنیتی و فرهنگی که برآیند قابل توجهی در صادرات، واردات و توسعه اقتصادی کشور دارد، توجه داشته باشیم.

امروز شاهدیم عملاً موضوع صادرات در حاشیه مسائل اقتصادی قرار گرفته است و شواهد امر نشان می‌دهد، جایگاه تجارت در رشد و توسعه اقتصادی کشور در حاشیه است؛ یعنی موضوع تجارت بین‌الملل در نظامات تصمیم‌سازی کشور جایگاه قابل توجهی ندارد، در حالی که باید جایگاه توسعه‌ای قابل توجهی به صادرات و تجارت داده شود. متأسفانه، در جمع‌بندی آنچه در عرصه صادرات کشور بسیار اثرگذار بوده، روشن است که صادرات ایران وضعیت مطلوبی ندارد؛ به نحوی که سهم ما بر اساس استانداردهای جهانی باید یک درصد از تجارت جهانی باشد، اما شاخص‌ها نشان می‌دهد این عدد حتی کمتر از نیم درصد است؛ در حالی که ظرفیت منطقه‌ای ما بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ میلیارد دلار در سال است. حضور پانزده کشور در اطراف ایران که با ما مرز آبی و خاکی دارند و به صورت غیر مستقیم سالانه بین ۱۲۰۰ تا ۲۰۰۰ حتی ۳۰۰۰ میلیارد دلار واردات و تبادلات تجاری با یکدیگر دارند، نشان می‌دهد در تجارت با کشورهای همسایه و منطقه سهم قابل توجهی نداشته‌ایم و از فرصت جمعیت قابل توجه کشورهای همسایه برای توسعه صادرات ایران استفاده نکرده‌ایم.

اگرچه شاید بخشی از این موضوع به دلیل تحریم‌ها باشد، این مسئله به معنای این نیست که در این موضوع سوء مدیریت‌ها نقش ندارد و همه چیز به دلیل تحریم‌هاست. شاید تحریم حدود ۳۰ درصد در اقسام صادراتی یا سایر حوزه‌های اقتصادی کشور تأثیر داشته باشد، اما مابقی، یعنی بیش از ۷۰ درصد این ضعف‌ها به نوع سیاست‌ها، رویکردها، آیین‌نامه‌های ما و نوع مواجهه مسئولان ما با تجارت بازمی‌گردد. گفتنی است، قوی‌ترین اقتصادها و وزارتخانه‌های بازرگانی قوی و کارآمدی دارند، اما ما ۳۰ سال است که منتظر تشکیل وزارت بازرگانی هستیم و مسئولان دولتی وجود وزارت بازرگانی را غیر ضروری می‌دانند. البته این رویکرد زیان‌های بسیار شدیدی بر اقتصاد، صادرات و واردات کشور وارد کرده است و می‌توان گفت مجموعه سوء مدیریت‌هایی که طی سال‌های اخیر وجود داشته، موجب شده است کشورمان در حوزه تجارت و اقتصاد رشد چشمگیری نداشته باشیم و به دلیل فقدان نهادهای تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیرنده، گویا نهضت اتلاف سرمایه، اتلاف نیروی انسانی و انرژی راه انداخته‌ایم و متأسفانه فقط زمان را از دست داده‌ایم. بنابراین، تا زمانی که نگاه‌های تنگ‌نظرانه و غیر کارشناسی در حوزه تجارت خارجی کشور وجود داشته باشد و این نگاه‌ها تأثیرگذار و تصمیم‌گیر باشند، نمی‌توان انتظار عملکرد بهتری در زمینه صادرات و تجارت خارجی کشور داشت.

حمیدرضا صالحی در گفت‌وگو با صبح صادق مطرح کرد

# بهینه‌سازی مصرف انرژی کلید توسعه



منابع انرژی و استفاده غیر بهینه از منابع انرژی کشور است.

عضو اتاق بازرگانی ایران در این باره تصریح کرد: «با میزان نفت و انرژی مصرفی مساوی بین ایران و آلمان با جرئت می‌توان گفت آلمانی‌ها چندین برابر ما درآمندی از محل تولید محصولات خود دارند. این موضوع نشان می‌دهد ضمن اینکه مصرف انرژی در ایران به دلیل ارزان بودن آن بسیار بالاست، اما بنا به بسیاری از دلایل نمی‌توانیم از این محل درآمندی قابل توجهی نیز برای کشور داشته باشیم که بدون شک باید برای این موضوع نیز فکر کرد.»

وی در ادامه بحث با توضیح این موضوع اظهار داشت: «متأسفانه از دهه‌های گذشته تا کنون به نسل‌های مختلف اینگونه گفته شده که شما به عنوان یک ایرانی از موهبت و نعمت نفت و گاز و انرژی رایگان فراوان برخوردارید و این به عنوان یک ثروت یا نعمت خدادادی در اختیار شماست. وقتی چنین تبلیغات و نگاه‌هایی به موضوع انرژی وجود دارد، اینطور می‌شود که کسی برای مصرف انرژی ارزشی قائل نیست و صرفه‌جویی یا استفاده درست از انرژی در دستور کار قرار نمی‌گیرد و اصطلاحاً قدر آن را نمی‌دانیم. بنابراین از لحاظ مصرف انرژی مسیر اشتباهی را پیموده‌ایم.»

حمیدرضا صالحی معتقد است: «از سوی دیگر دولت‌ها در استفاده درست از انرژی، قیمت‌گذاری و اجرای برنامه‌های توسعه‌ای صنعت انرژی بسیار غفلت کرده‌اند. برنامه‌ها به قدری اشتباه بوده که متأسفانه ما را به سمت و سوی سوق داده که در بیست سال گذشته حدود ۱۱۰ میلیارد دلار پارانرژی پرداخت شده است.»

وی افزود: «برای توسعه صنعت انرژی، استفاده درست از انرژی و عدم قطعی انرژی باید برنامه‌های بسیار مدونی تنظیم و اجرای آن با بهترین کارشناسان و متخصصان و ناظران امر باشد. نمی‌توانیم نسبت به این موضوع بی‌توجه باشیم؛ زیرا باید به مسیرهای درست توسعه و استفاده از انرژی باز گردیم نه به یک باره؛ بلکه به صورت برنامه‌ریزی شده و گام به گام تا ضمن تأمین درست و باقیمت‌های منطقی گاز و انرژی مورد نیاز صنایع کشور در روند صادرات و درآمندی برای کشور به عده‌های قابل توجه و رضای‌کننده‌ای برسیم.»

فولادی در ایران گازی است و در واقع مصرف‌کننده گاز هستند، لذا سهم مصرف گاز در صنایعی، مانند فولادها و پتروشیمی‌ها در ایران نسبت به متوسط جهانی آن بسیار بالاست.»

این کارشناس مسائل اقتصادی معتقد است: «یکی از بزرگ‌ترین مصرف‌کنندگان گاز کشور نیروگاه‌ها هستند، مصرف بالای گاز در زمستان که به قطع گاز نیروگاه‌ها بینجامد، موجب می‌شود که آنها بالاچار روی سطوح دوم، یعنی مصرف گازوتیل بروند و اگر برای ۴۵ روز آینده ذخایر قابل قبولی نداشته باشند، چون دچار مشکل می‌شوند به ناچار باید به سمت مازوت سوزی بروند که خب این موضوع خطرناک و پیامد‌هایی را به همراه دارد؛ ضمن اینکه تبعات شدید محیط زیستی بر سلامت مردم جامعه ایجاد می‌کند.»

حمیدرضا صالحی خاطر نشان کرد: «کاهش تولید و عرضه گاز به صنایع کشور که در نهایت منجر به کاهش صادرات کشور می‌شود، روی درآمندی و در نهایت جی‌دی‌پی کشور اثرات بسیار سونی می‌گذارد؛ پس از جهت درآمندی و توسعه و افزایش درآمد سرانه... کشور دچار لطماتی جبران‌ناپذیر می‌شود.»

وی در این باره مثالی زد و گفت: «کشورهای همسایه حتی ترکیه و عربستان از هر واحد انرژی هزار دلار جی‌دی‌پی درست می‌کنند. برای نمونه، اگر در ایران با ۵ واحد انرژی هزار دلار جی‌دی‌پی برای کشور ایجاد شود، در کشورهای همسایه این رقم برای آنها در مصرف گاز به مراتب کمتر از ایران است، اما درآمندی آنها از محل صادرات محصولات مرغوب به مراتب بیشتر از ایران است که نشان‌دهنده هدررفت

صورت روزانه چه به صورت هفتگی دچار معضلات گوناگونی می‌شوند، لذا نگرانی نسبت به تأمین مالی آنها و بیکاری کارگران و اضافه شدن هزینه‌های دولت به عنوان پارانرژی بگنجان ایجاد می‌شود.»

صالحی افزود: «قطع گاز صنایع موجب کاهش تولید و کاهش درآمندی شرکت‌های دولتی و به تبع آن کاهش درآمدهای ارزی و ریالی کشور می‌شود. بنابراین این نگرانی وجود دارد که کاهش تولید روی کاهش کسری دولت نیز اثر بگذارد و در این چرخه معیوب یک بار دیگر تومی بر معیشت مردم تحمیل شود.»

عضو اتاق بازرگانی ایران با اشاره به اینکه صنایع ایران به دلیل سوءمدیریت و برخی از فشارهای تحریمی، قدیمی شده‌اند و درآمندی آنها بر اساس میزان انرژی که مصرف می‌کنند، بسیار پایین‌تر از معدل جهانی است، گفت: «برخی از صنایع مهم و کلیدی ایران به دلیل قدیمی بودن سرانه مصرف گاز بسیار بالای نسبت به صنایع مشابه خود در کشورهای منطقه و سطح دنیا دارند. مصرف گاز با سهم گاز در برخی صنایع بسیار بالاست که از آن جمله می‌توان به مصرف و سهم بالای گاز در تولیدات صنایع فولادی کشور اشاره کرد.»

وی در این باره اظهار داشت: «می‌توان گفت در کشورهای همسایه و مسلمان مثل ترکیه و عربستان سعودی سهم مصرف گاز آنها در صنایع به مراتب کمتر از ایران است. از سوی دیگر شاید در دنیا صنایع فولادی بر پایه مصرف گاز کمتر داشته باشیم؛ در حالی که بین هفتاد تا هشتاد درصد مجتمع‌های فولادی در ایران به دلیل قدیمی بودن سرانه مصرف گاز بسیار بالایی نسبت به صنایع مشابه خود در کشورهای منطقه و سطح دنیا دارند.»

کاهش تولید و عرضه گاز به صنایع کشور که در نهایت منجر به کاهش صادرات کشور می‌شود، روی درآمندی و در نهایت جی‌دی‌پی کشور اثرات بسیار سونی می‌گذارد.

با میزان نفت و انرژی مصرفی مساوی بین ایران و آلمان با جرئت می‌توان گفت آلمانی‌ها چندین برابر ما درآمندی از محل تولید محصولات خود دارند؛ این موضوع نشان می‌دهد ضمن اینکه مصرف انرژی در ایران به دلیل ارزان بودن آن بسیار بالاست، اما بنا به بسیاری از دلایل نمی‌توانیم از این محل درآمندی قابل توجهی برای کشور داشته باشیم.

- برخی از صنایع مهم و کلیدی ایران به دلیل قدیمی بودن سرانه مصرف گاز بسیار بالایی نسبت به صنایع مشابه خود در کشورهای منطقه و سطح دنیا دارند.
- کاهش تولید و عرضه گاز به صنایع کشور که در نهایت منجر به کاهش صادرات کشور می‌شود، روی درآمندی و در نهایت جی‌دی‌پی کشور اثرات بسیار سونی می‌گذارد.
- با میزان نفت و انرژی مصرفی مساوی بین ایران و آلمان با جرئت می‌توان گفت آلمانی‌ها چندین برابر ما درآمندی از محل تولید محصولات خود دارند؛ این موضوع نشان می‌دهد ضمن اینکه مصرف انرژی در ایران به دلیل ارزان بودن آن بسیار بالاست، اما بنا به بسیاری از دلایل نمی‌توانیم از این محل درآمندی قابل توجهی برای کشور داشته باشیم.

شاخص

## سقوط تجارت انگلیس

صادرات بریتانیا به آمریکا به پایین‌ترین سطح از ژانویه ۲۰۲۲ رسید چرا که جنگ تجاری دونالد ترامپ روی تقاضا برای کالاهای بریتانیایی در آمریکا تأثیر به شدت منفی گذاشته است. داده‌های جدید انگلیس که توسط اداره ملی آمار این کشور منتشر شد، نشان می‌دهد که ارزش صادرات بریتانیا به آمریکا، از جمله فلزات گرانبها، در ماه سپتامبر ۵۰۰ میلیون پوند یا ۱۱/۴ درصد کاهش یافته است. این اداره گفت: ارزش صادرات کالا به ایالات متحده در سپتامبر ۲۰۲۵ پایین‌ترین میزان از ژانویه ۲۰۲۲ بوده و از زمان اعمال تعرفه‌ها در آوریل همچنان نسبتاً پایین باقی مانده است.



منهای نفت

## جهش ۲۳ درصدی

زعفران گرانبهاترین محصول زراعی موجود در جهان است و دارای مزایای فراوانی در تولید، تجارت و مصرف است. صادرات زعفران با خرید و فروش آن در بازارهای جهانی به ویژه برای ایرانیان، یک کسب و کار پرسود است. به گونه‌ای که در نیمه نخست امسال بیش از ۹۹.۵ تن زعفران صادر شد که ۹۴ میلیون دلار ارزش داشت؛ این میزان نسبت به مدت مشابه سال گذشته با ۴۵ میلیون دلار رشد همراه بوده است. اما متأسفانه با وجود افزایش صادرات در نیمه نخست ۱۴۰۴، ارزش هر تن زعفران صادراتی ایران نسبت به سال ۱۳۹۶، حدود ۶۰ درصد کاهش داشته است.



افزوده

## جنگ ارزی

جنگ ارزی (currency war)، تلاش یک کشور برای کاهش رقابتی ارزش پول ملی خود در برابر پول کشورهای دیگر است. با کاهش نرخ ارز یک کشور، صادرات آن کشور به سایر کشورها تسهیل می‌شود و واردات به آن کشور گران‌تر می‌شود. افزایش صادرات و کاهش واردات نیز موجب افزایش تولید و اشتغال می‌شود و به نفع صنعت داخلی کشور است. با این حال، افزایش قیمت کالاهای وارداتی، موجب کاهش قدرت خرید مردم یک کشور خواهد شد. اگر چند کشور درگیر جنگ ارزی شوند، تجارت جهانی با کاهش کلی روبرو می‌شود و در نتیجه به همه کشورها آسیب می‌رسد.



# نقش حضرت زهرا(س) در اصلاح ارض

گفتاری از حجت الاسلام و المسلمین سید محمدمهدی میرباقری

نبی اکرم(ص) و امیرالمومنین(ع) برگرداند و نگذارد عالم فاسد بشود و فسق برخی افراد دیگران را هم فاسق بکند و آن ها را به جهنم ببرد. نگذارد این فاسقین بسا جهنمی که به پا می کنند، مومنین را هم در فسقشان بسوزانند.



این کار از او فقط ساخته بود ولی کار برای جبهه حق خیلی سخت شد و نمی شود بگویی چقدر، به اندازه ای که شهادت سیدالشهداء(ع) سخت است، این خیلی سخت تر است. ناموس کبریای الهی اینطور نباید در معرض نامحرمان، فرمود: «وقتی پدرم تقسیم کار کرد» فرمود:

منتقل بشود، می روند در معراج، بعد از سماوات سبع و بحار در آنجا و در خلوتشان با خدای متعال، نور حضرت زهرا(س) به ایشان هدیه می شود. این وجود مقدسی که وقتی لباس بشر هم می پوشد حوراء انسیه است اما حوراء بودن برای حضرت شرافت نیست.

این که گفتند حوراء انسیه یعنی وقتی لباس بشر هم می پوشد اینطوری است. ایشان وارد عالم ارض شده تا چه کار کند؟ در عالم انوار با خداوند عهد بسته که بگذارد و عالم را به مدار امیرالمومنین(ع) برگرداند. چون فاسقین می خواهند عهدها را زیر پا بگذارند و رشته ها را قطع کنند و مردم را پراننده سازند و در نهایت هم هیچ کس بر مدار امام نماند. حضرت آمده همه چیز را برگرداند به مدار امیرالمومنین(ع) و این کار از حضرت زهرا(س) ساخته است. اوست که عاشورا به پا می کند، اوست که عهد عاشورا را از او می گیرند، اوست که مادر حضرت بقیه الله(عج) است و امام زمان(عج) هدیه به او شده، در حقیقت ظهور مزد حضرت زهراست.

پا در میدان گذاشت که عالم را به مدار

فساد یعنی از مدار عبودیت خارج شدن، از مدار الوهیت حضرت حق بیرون رفتن و در مدار الوهیت و توحید حرکت کردن یعنی با امام حرکت کردن، با امام در مدار توحید حرکت کنی. چرا؟ چون باب الله است، سیبیل الله است، صراط الله و وجه الله است. چنانچه با او حرکت کنی در مدار و در صراط در سیبیل قرار داری و از حیرت و ضلال بیرون می آیی و به لقاءالله می رسی. اگر با امام حرکت کردی از حیرت بیرون می آوری و ولی وقتی امت را از مدار امام بیرون می آورید، مردم گم می شوند و این کتاب هم دیگر برای آن ها کاری نمی کند، حتی به جای اینکه هدایتشان کند در عالم گمشان می کند.

کتاب به درد آن هایی می خورد که عبدند و در مدار هستند و دستشان در دست امام است، «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ». این بساط اتفاق افتاده و وجود مقدس فاطمه زهرا(س) با نسلش آمده در عالم ارض و در میدان که همه را به مدار برگرداند. وقتی قرار است نور حضرت زهرا به پیامبر اکرم(ص)

## طلب باران و نعمات الهی

ایمان معینی

کارشناس علوم دینی

آیات و روایاتی که درباره نزول باران در قرآن و کلام معصومان(ع) آمده است، تنها به بیان یک نعمت طبیعی یا درخواست سساده برای باران محدود نمی شود، بلکه مجموعه ای از نکات دقیق و عمیق درباره شیوه صحیح درخواست از خداوند را در خود جای داده است. در حقیقت، دعا برای نزول باران، بهانه ای برای آموزش «آداب طلب»، «نحوه سخن گفتن با خدا» و «چگونگی شناخت نعمت» است.

نخستین نکته این است که انسان باید پیش از هر خواسته ای، به نعمت بودن آنچه می طلبد اعتراف کند. قرآن بارها یادآوری می کند که باران، تنها پدیده ای طبیعی نیست، بلکه نشانه رحمت الهی و مایه حیات است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا»؛ خداوند می فرماید از آسمان آبی مبارک فرو فرستادیم. این تعبیر نشان دهنده آن است که هر نعمتی، حتی اگر به ظاهر معمولی باشد، از سوی خداوند، نهایت «برکت» است و آغاز دعا باید با همین معرفت همراه باشد. انمه اظهار(ع) در دعاهای باران نشان پیش از آنکه چیزی بخواهند، نعمت بودن باران و اینکه باران نشانه دست گشاده خداوند است، یادآوری می کند تا به ما بیاموزند «درخواست، بدون اعتراف به نعمت»، ناقص است.

نکته دوم این است که دعا باید «نهایت نعمت» را طلب کرد. انسان در برابر خدا محدود نیست و لازم نیست خواسته های خود را کوچک بشمارد. بارها در قرآن آمده است که خداوند «ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ» است، صاحب فضل بی کران. اهل بیت(ع) وقتی باران می خواهند، بارانی ضعیف و اندک نمی طلبند، بلکه بارانی کامل، جاری، شفافبخش و زنده کننده را می خواهند؛ بارانی که تشنگی زمین و دل های مردم را برطرف کند. در دعای امام حسین(ع) می خوانیم: «ما را از باران آسمان سیراب کن؛ بارانی فراوان، فراگیر، انبوه، پر وسعت، ریزان، روان و شکافته زمین های خشک و تشنه که به وسیله آن دست بندگان ناتوان را بگیری و زمین های مرده را زنده سازی...»

اما نکته سوم و مهم تر این است که در دعا، باید از خداوند «نعمت کامل» را خواست، اما در عین حال آن را به «حکمت» و «صلاحید» او سپرد. این یعنی انسان باید در کنار بزرگی خواسته، به محدودیت فهم خود نیز اعتراف کند. چه بسا چیزی که ما نعمت می پنداریم، اگر بیش از حد یا در زمان نامناسب برسد، به امتحان یا عذاب تبدیل شود. قرآن درباره همین باران می گوید: «وَيُرْسِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بَقِيدًا»؛ خداوند آب را با اندازه و حساب فرو می فرستد.

معصومان(ع) با همین نگاه دعا می کنند. آنان از خدا باران فراوان می طلبند، اما در عین حال یادآوری می کنند که این فراوانی باید رحمت باشد، نه عذاب! امام سجاده(ع) در دعای خود چنین عرضه می دارد: «بار خدایا، مسایه این ابر را بر ما باد گرم و زهر آگین مساز، سردی آن را بر ما شوم و ناخجسته منما، باریدش را برای ما باران عذاب قرار مده و آبش را بر ما تلخ و ناگوار مگردان»؛ این جملات نشان می دهد که دعای واقعی تنها «خواستن» نیست، بلکه نوعی توازن میان آرزوی فراوانی نعمت و پذیرش حکمت الهی است؛ توازنی که اگر نباشد، دعا خود می تواند به دام توقعات خام یا شکایات های پیاپی تبدیل شود.

# اثر اعجاب انگیز همنشینی!

می کنند، از آنان روی برگردان. قرآن در ادامه هشدار می دهد که اگر شیطان در شما ایجاد فراموشی کرد، به محض یادآوری باید برخیزد زیرا «فَلَا تَعْتَدُ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ پس پس از یادآوری با این گروه ظالم منشین.

این دستور الهی مصداقی از همان حقیقتی است که امیرالمومنین(ع) درباره آن سخن گفتند. قرآن می خواهد بگوید: «حتی نشستن خاموش در کنار کسانی که ارزش های الهی را می شکنند، حتی اگر تو قصد تأیید نداشته باشی، بر روح تو اثر دارد.» این اثر گذاری مستقل از اراده ماست؛ مانند مجاورت با آتش که حرارتش به تو خواهد رسید، حتی اگر نخواهی. رسول گرامی اسلام(ص) هم می فرمایند: «المرء علی دین خلیله، فلیتظر أحدکم من یخالل»؛ آدمی بر دین (روش) دوست خود است. پس هر یک از شما باید بنگرد که چه کسی را به دوستی می گزیند. (امالی طوسی، ص ۵۱۸، ح ۱۱۳۵)

بسیاری از مردم گمان می کنند که شخصیت قوی دارند و محیط بسر آنها اثر نمی گذارد؛ گویی این قانون عمومی خلقت درباره آنان صادق نیست. گمان می کنند که می توانند در فضای آلوده، بی اثر بمانند؛ در جمع اهل گناه، پاک بمانند؛ در کنار اهل دنیا، زاهد بمانند؛ در کنار انسان های بیخبل، کریم و بخشنده باقی بمانند اما تجربه های زندگی، سخنان بزرگان و نص صریح قرآن نشان داده است که «هیچ انسانی استثنا نیست»؛ این اثر گذاری، تنها به انسان های اطراف محدود

ناگهانی نیست؛ نتیجه معاشرت ها، نگاه ها، سخن ها و فضاهایی است که انسان خود را در آن قرار می دهد. وقتی امام علی(ع) می فرمایند نگاه به بیخبل دل را قسی می کند، در واقعی ترین سطح، از اثر همنشینی سخن می گویند اما دامنه این سخن فراتر می رود. نگاه می تواند نگاه به رفتار، سبک زندگی، ارزش ها، منش و حتی شخصیت های محبوب اجتماعی باشد. جامعه امروز بیش از هر زمان دیگر با «نگاه» شکل می گیرد؛ نگاه به چهره های مذهبی، سیاسی، اقتصادی و حتی اطرافیان، انسان های عادی و... اثر مستقیم بر روح ما می گذارد؛ مثل آبی که قطر قطره بر سنگ می چکد و سرانجام آن را تغییر می دهد. انسان بیخبل از نگاه اسلام تنها کسی نیست که از مال خود نمی بخشد بلکه هر انسانی که خیر را از دیگران دریغ می کند، در محبت، کمک، راهنمایی، عاطفه و مسئولیت پذیری سبب است، مشمول این معناست. نگاه به چنین انسانی،

یعنی نگاه به روحی تنگ، ناگهی محسوس، رفتاری حساسگرانه و دنیایی کوچک، طبیعی است که معاشرت با چنین خلقی، روح را از سخاوت، بزرگواری، گشاده رویی و نورانیت دور می کند.

این حقیقت در قرآن به زبان دیگری نیز بیان شده است. خداوند در سوره انعام آیه ۶۸ می فرماید: «وَإِذَا زَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَقْرُبْ مِنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي جَدِيدٍ غَيْرِهِ وَإِنَّمَا يُنْسِيكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَعْتَدُ بَعْدَ الذِّكْرِ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»؛ و هنگامی که دیدی کسانی در آیات ما بیهوده گویی و تمسخر

سیدحسین خاتمی خوانساری



دبیر گروه معارف

گاهی یک جمله، یک نگاه یا یک روایت، در بجه ای تازه به جان انسان باز می کند و حقیقتی را روشن می سازد که شاید سال ها در برابر چشم ما بوده اما توجهی به آن نکرده ایم. حدیثی از امیرالمومنین علی(ع) خواندم که جسم و روح مرا تکان دادا حدیثی که به ظاهر کوتاه و ساده است اما اگر در عمق آن اندیشه کنیم، جهان نگاه ما به معاشرت ها، دوستی ها، محیط های رفت و آمد و حتی رسانه هایی که چشم و گوش خود را به آنها می سپاریم متحول خواهد شد. امام علی(ع) می فرمایند: «النَّظَرُ إِلَى الْبِخْلِ يَفْسِي الْقَلْبَ»؛ نگاه کردن به انسان بیخبل، قلب را سخت و تیره می کند. این سخن واقعا شگفت آور است، زیرا امام تنها از تقلید و پیروی از انسان بیخبل سخن نمی گوید؛ بلکه حتی «نگاه کردن» به او را عاملی برای قساوت قلب می شمارد. قساوت قلب در منطق قرآن و اهل بیت(ع) بزرگترین مانع رشد معنوی انسان است؛ زیرا دلی که سخت شد، نه حق را می پذیرد، نه نصیحت را، نه آینه اخلاق و نه نور ایمان را. خداوند در قرآن می فرماید: «مَنْ قَسَتْ قَلْبَهُ يَنْسَى مِمَّنْ بَعْدَ ذَلِكَ فَنُجِيَ كَالْجِبَارِثِ أَوْ أَسَدٌ قَسُوهُ» (بقره ۷۴)؛ دل های شما سخت شد، همچون سنگ یا سخت تر از آن. قساوت قلب نتیجه یک حادثه

## تخریب مسجد

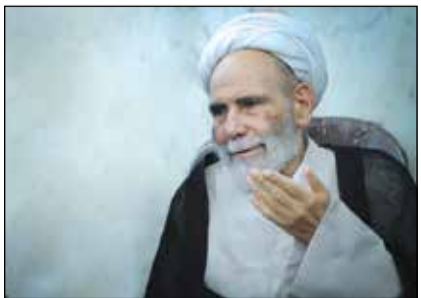
پرسش: مکانی وقفی وجود دارد که در آن مسجد، مدرسه علوم دینی و کتابخانه عمومی بنا شده است که همگی آنها در حال حاضر فعال هستند. این مکان اکنون جزء نقشه مکان هایی است که از طرف شهرداری باید خراب شوند. چگونه باید با شهرداری برای تخریب آن و گرفتن امکانات همکاری کرد تا بتوان آن را به ساختمان بهتری تبدیل کرد؟ پاسخ: اگر شهرداری اقدام به تخریب آن و دادن عوض نماید و آن را تحویل دهد، اشکال ندارد، ولی اصل خراب کردن مسجد و مدرسه وقفی فی نفسه جایز نیست، مگر در صورتی که مصلحت اهم غیر قابل چشم پوشی اقتضا کند.

آیت الله العظمی خامنه ای، اجوبه الاستفتانات، سؤال ۴۱۳



## حرم خداوند

آیت الله مجتبی تهرانی(ره): راه غلبه بر نفس، محاسبه است. حضرت رسول اکرم(ص) فرمودند: «انسان مؤمن نخواهد بود، تا اینکه به حساب نفسش برسد. شدیدتر از حسابرسی شریک با شریکش و مولی با بنده اش»؛ امام صادق(ع) نیز فرمودند: «قلب، حرم خداوند متعال است، پس در حرم او غیر او را ساکن نکن.» گاهی هواپیمای برای فرود آمدن به طرف فرودگاه می آید، ولی به خلبان پیغام می دهند به علت شلوغ بودن و فرود هواپیماهای زیادی در فرودگاه، فعلاً فرود آمدن ممکن نیست. (زیرا قلب ما پر از محبت دنیا، خانه، ماشین، پست و مقام... است)، لذا بر می گردند.



## هلاکت هارون الرشید

«هارون الرشید» در سال ۱۷۰ قمری پس از مرگ هادی به کمک مادرش «خیزران» و تدبیر «یحیی برمکی» به خلافت رسید. در آغاز با علویان نرم خو بود، اما پس از قیام های متعدد آنان (به ویژه قیام یحیی بن عبدالله) سیاستش تغییر کرد. دوران هارون با شورش های پی در پی خوارج، قبایل شام و ناآرامی های خراسان همراه بود. او برای مهار فتنه خراسان شخصاً رهسپار شرق شد؛ اما در همان سفر در توس به تاریخ اول جمادی الثانی سال ۱۹۳ هجری هلاک شد. رابطه هارون با امام کاظم(ع) خصمانه بود و آن حضرت سالها در زندان او محبوس شد و سرانجام در همان زندان به شهادت رسید.





تقویم انقلاب

فرار از نقطه قوت دشمن

سید مهدی حسینی

مورخ و پژوهشگر



دوران هشت سال دفاع مقدس مآثر از گفتمان «ما می‌توانیم» با ابتکار و خلاقیت‌های گوناگونی همراه بود. در این شماره نمونه جالب و جدیدی را به بحث می‌گذاریم و آن، اینکه مسئولان جبهه و جنگ در مقابل تجهیزات سنگین دشمن در انتخاب زمان و مکان با مشکل مواجه بودند؛ برای نمونه عملیات‌های رمضان، مسلم‌بن عقیل، والفجر مقدماتی، والفجر (۱) و (۴) به سختی انجام گرفت و فرماندهان و مسئولان شناسایی در انتخاب منطقه عملیاتی در شرایط سختی قرار گرفته بودند تا اینکه به نقطه‌ای رسیدند و جایی را انتخاب کردند که برای دشمن باورکردنی نبود. فرماندهان در جلسات متعدد با هم اندیشی و تدبیر به این نتیجه رسیدند که در منطقه «هور» تاکنون عملیات صورت نگرفته و آن را در دستور کار خود قرار دادند، البته واقعاً هم در آن زمان فکر نو و جدیدی بود. «سپهبد شهید غلامعلی رشید» درباره اهمیت این نقطه عملیاتی می‌گوید: «زمینی را انتخاب کردیم که یک دریاچه بود منتهی با عمق کم، یعنی حدود ۳ تا ۵ متر و با خشکی‌های خیلی محدودی که اطراف این دریاچه وجود داشت، خوب، چرا اینجا برای جنگ انتخاب شد؟ این نشان می‌دهد کسی که این منطقه را انتخاب کرده یک فکری در ذهنش بوده است و آن فکر فرار از نقطه قوت‌های دشمن بوده است.» نقطه قوت دشمن به طور سنتی، تجهیزات و سلاح‌های برتر است. این در حالی بود که ایران در آن ایام از پول و امکانات این چنینی برخوردار نبود و در شرایط تحریم به سر می‌برد. در هر حال، رزمندگان و مسئولان درگیر جنگ، در چارچوب گفتمان «ما می‌توانیم» منطقه هور را انتخاب کردند، با این تدبیر که دشمن با تمام تجهیزات و پشتیبانی‌ها نمی‌تواند بیاید در منطقه هور بچنگد. «دکتر محسن رضایی» فرمانده کل سپاه وقت در این باره می‌گوید: «در حقیقت وقتی ایران متوجه شد که به موازنه قوا با ارتش [یعنی] عراق رسیده و قادر نیست دشمن را مثل عملیات‌های گذشته با شکست مواجه کند، به این نتیجه رسید که منطقه نبرد را تغییر دهد، یعنی زمینی را برای نبرد انتخاب کند که دشمن نتواند از عمده قوایش استفاده کند؛ به همین دلیل منطقه معروف به «هور» انتخاب شد. هورالهیوزه یک دریاچه بزرگ باتلاقی با عمق ۲-۳ متر است که بعضی از نقاط حتی به نیم متر می‌رسد که گاهی نيزار است. ایران جنگ در این منطقه را انتخاب کرد که بتواند غلبه نیرویی و تجهیزاتی پیدا کند. در مناطق آب گرفتگی، تانک‌ها چندان قابل استفاده نیستند و نیروی پیاده قابل استفاده است، در چنین شرایطی ایران با تکیه بر نیروی پیاده می‌خواست در حقیقت ارتش عراق را زمین‌گیر کند و به منطقه‌ای بکشاند که او نتواند از همه نیروهایش استفاده کند.» در واقع رزمندگان اسلام توانستند در این منطقه یک بار دیگر حمله به دشمن را توأم با غافلگیری انجام دهند؛ لذا عملیات در منطقه‌ای انجام شد که دشمن در آنجا سازمان مناسبی را مستقر نکرده بود. رزمندگان با نگرش استفاده از موقعیت زمین و شرایط دشمن اقدام به این کار کردند و به عبارتی کارهای انجام نشدنی را از نگاه دیگر شدنی کردند به این ترتیب، عظمت رزمندگان و شهیدان در این ماجرا باید دیده شود، که فرار از نقطه قوت دشمن راهکار بسیار مناسبی است و باید در پیش گرفت.

# اصلاح‌طلبان و تعامل با دولت روحانی!

## مروری بر کتاب خاطرات اسحاق جهانگیری با عنوان «در اندیشه ایران» - ۲

مهدی سعیدی

دبیر گروه تاریخ

«اسحاق جهانگیری» در بخشی از کتاب خاطرات خود به موضوع روابط جریان اصلاح‌طلب و دولت یازدهم و دوازدهم اشاره داشته است: اصلاح‌طلبان در هر دو دوره انتخابات ریاست‌جمهوری حمایت کاملی از آقای روحانی کردند. در سال ۱۳۹۲ از کاندیدای اختصاصی اصلاح‌طلبان آقای محمدرضا عارف صرف‌نظر کردند و با حمایت از روحانی زمینه‌ساز حضور او در مسند ریاست‌جمهوری شدند. در سال ۱۳۹۶ هم به همین ترتیب، همه اصلاح‌طلبان از منظر راهبردی و بدون مطالبه سیاسی مستقیم و عیان، از روحانی حمایت کردند.

در کل و به‌طور خاص در دور اول نگاه اصلاح‌طلبان این بود که ویژگی‌های شخصیتی و سوابق حاکمیتی آقای روحانی کمکی می‌کند که در دوره حضور ایشان و با روی کار آمدن دولت «تدبیر و امید»، شکاف‌های میان جریان اصلاح‌طلبی و حاکمیت تا حدی ترمیم شود. البته برخلاف انتظار مصداق ضرب‌المثل «از قضا سرکنگبین صفر افزوده» شد و تنش‌های میان روحانی و بخش‌هایی از حاکمیت سبب شد تا این خواست به دست نیاید، به خصوص در دولت دوازدهم این تنش‌ها شدت گرفت و عملاً خواسته ذهنی اصلاح‌طلبان برآورده نشد.

علاوه بر این، یکی از اشکالات دولت این بود که به این عقبه اصلاح‌طلبانه‌اش توجه کامل نمی‌کرد و قدر آن را نمی‌دانست. شاید به دلیل همین شرایط سیاسی و پیش‌بینی از آینده بود که مکرراً مرحوم هاشمی‌رفسنجانی توصیه می‌کرد که در سفرهای استانی آقای روحانی حتماً با فعالان ستادهای انتخاباتی جلساتی بگذارد و اعتراضات و شکایات آنها را بشنود؛ خصوصاً که این افراد همواره از بی‌توجهی دولت گلایه داشتند. آقای هاشمی نسبت به تبعات این فاصله‌گذاری آگاه بود و از پیامدهای فاصله‌گیری از عقبه سیاسی و اینکه پس از آن مخالفین قادر خواهند بود فضای علیه دولت را مدیریت کنند، نگران بود.

مجموعه این موارد سبب شد تا در مجموع، نه اصلاح‌طلبان زیادی به دولت وارد شدند و نه رابطه اصلاح‌طلبان با دولت در مسیری پایدار پیش رفت و هم‌افزایی لازم میان آنها شکل نگرفت.

این فاصله در دولت دوم آقای روحانی شدت بیشتری یافت؛ بعد از انتخابات ۱۳۹۶ رابطه اصلاح‌طلبان و روحانی سردتر شد و این فاصله به حدی رسید که در یک سالگی دولت دوم، در حالی که «مجلس امید» با رویکردی نسبتاً اصلاح‌طلب شکل گرفته بود، هم‌کابینه در معرض چند استیضاح قرار گرفت و هم‌طرح سؤال از رئیس‌جمهوری در صحن علنی مطرح شد.

به دنبال این موضوع از ابتدای سال ۱۳۹۷ فشارها و توصیه‌های دوستان و همفکران اصلاح‌طلب به من برای کناره‌گیری از دولت افزایش یافت.

وقتی به انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۹۶ وارد شدم، هدفم این بود تا از عملکرد دولت دفاع کنم، به نظر با توجه به شرایط کشور در شروع به کار دولت یازدهم، انصافاً دولت در همه زمینه‌ها اعم از سیاست خارجی، اقتصادی و سیاست داخلی توفیقات خوب و افتخارآمیزی به دست آورده بود.

بعد از انتخابات ۱۳۹۶ با اینکه پیش‌بینی خودم هم

این بود که روزهای سختی در پیش داریم که عبور از آنها نیازمند انسجام بیشتر در دولت است؛ به‌دلیلی که برآیم روشن نیست؛ آقای روحانی تغییری در سیاستش ایجاد شد و کابینه را با این رویکرد جدید نهایی کرد. البته با من برای معاون اولی مجدداً صحبت کرد. صادقانه به ایشان گفتم که من در کنار شما می‌مانم، ولی فردی که با این کابینه هماهنگ‌تر باشد برای معاون اولی انتخاب کنید که متأسفانه ایشان نپذیرفت. البته با توجه به نوع ایفای نقشی که در انتخابات داشتم و همچنین روزهای سخت پیش‌رو، قبول کردم و ماندم.

مهم‌ترین دلیل برای ماندن و ادامه دادن در مرحله اول، کمک به اصلی‌ترین دغدغه خودم، یعنی توسعه ایران بود. می‌دانستم با حضور برخی اعضای دولت می‌توانم این کار را انجام دهم و در مرحله بعد می‌توانم برای جلوگیری از حاد شدن اختلافات دولت با نهادهای حاکمیتی مؤثر باشم.

با روی کار آمدن ترامپ و اعلام جنگ اقتصادی و اتفاقاتی پیش آمده توجیه کافی برای کناره‌گیری

یکی از اشکالات دولت این بود که به این عقبه اصلاح‌طلبانه‌اش توجه کامل نمی‌کرد و قدر آن را نمی‌دانست. شاید به دلیل همین شرایط سیاسی و پیش‌بینی از آینده بود که مکرراً مرحوم هاشمی‌رفسنجانی توصیه می‌کرد که در سفرهای استانی آقای روحانی حتماً با فعالان ستادهای انتخاباتی جلساتی بگذارد و اعتراضات و شکایات آنها را بشنود؛ خصوصاً که این افراد همواره از بی‌توجهی دولت گلایه داشتند.

نقدهای اصلاح‌طلبان در دیدارهای خصوصی آقای رئیس‌جمهور با آقایان خاتمی و سیدحسن خمینی هم مطرح می‌شد. هم آقای سیدحسن خمینی و هم آقای خاتمی از عملکرد برخی اطرافیان ایشان گلایه کردند و این رفتارها را مقدمه ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان و دولت دانستند.

توصیه‌ام این بود که رئیس‌جمهوری با سران احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلبان و رهبران این جریان سیاسی جلساتی عمومی و خصوصی بگذارد و تلاش کند باب گفت‌وگو با مهم‌ترین حامیان سیاسی اش بازماند



داشتم، ولی این را جوانمردانه نمی‌دانستم که در این شرایط برای حفظ مصلحت خودم یا حتی جریان سیاسی که به آن وابسته بودم از دولت کناره‌گیری کنم. ممکن است اشتباه کرده باشم، اما تصورم این بود که باید مسیر را ادامه دهم.

یکی از نتایجی که تلاش داشتم با حضور در دولت به دست آید، کمک به کاستن از شکاف‌های میان آقای روحانی و اصلاح‌طلبان بود با وجود این؛ فاصله گرفتن اصلاح‌طلبان با دولت آقای روحانی ادامه یافت، تا جایی که اصلاح‌طلبان به نیروی منتقد دولت تبدیل شدند.

نقدهای اصلاح‌طلبان و بخش‌های مختلف حاکمیت از داخل و تضعیف برجام با آمدن ترامپ، فشار زیادی را به دولت و آقای روحانی وارد کرد.

البته نقدهای اصلاح‌طلبان در دیدارهای خصوصی آقای رئیس‌جمهور با آقایان خاتمی و سیدحسن خمینی هم مطرح می‌شد. هم آقای سیدحسن خمینی و هم آقای خاتمی از عملکرد برخی اطرافیان ایشان گلایه کردند و این رفتارها را مقدمه ایجاد شکاف میان اصلاح‌طلبان و دولت دانستند.

من نیز که معمولاً نقد و نظرهارا به آقای روحانی بازتاب می‌دادم، یک بار برای ایشان نوشتم تا زمانی که افراد اصلی دولت علیه اصلاح‌طلبان مصاحبه می‌کنند و دولت نیز از به‌کارگیری اصلاح‌طلبان در مسئولیت‌های اجرایی برهیز می‌کند، این شکاف به سختی قابل ترمیم است. توصیه‌ام این بود که رئیس‌جمهوری با سران احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلبان و رهبران این جریان سیاسی جلساتی عمومی و خصوصی بگذارد و تلاش کند باب گفت‌وگو با مهم‌ترین حامیان سیاسی اش بازماند، اتفاقی که چند بار در دور اول افتاد و در همان اندازه محدود نتایج خوبی هم داشت.

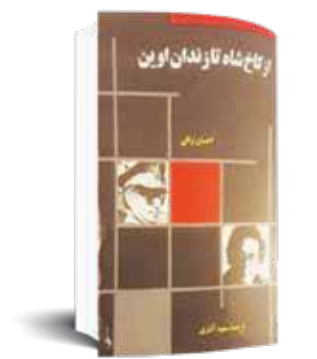
دهلیز

## شاهزاده رشوه‌خوار

### مروری بر فساد در دربار رژیم دیکتاتوری پهلوی

حالی که اعلی حضرت خودشان اعتماد را به این سمت گماشته‌اند و می‌دانند که او هم با صلاحیت است و هم شرافتمند.

موردی دیگر را برای‌تان بگویم چند سالی است که دولت، با یک شرکت کانادایی قرارداد نصب و تجهیز یک کارخانه کاغذسازی را در شمال ایران و در سواحل دریای خزر منعقد کرده است. مبلغ قرارداد، نزدیک به هشتاد میلیون دلار بوده است. چندی پس از این قرارداد شرکت کانادایی والا گهر عبدالرضا را در این کار شریک می‌کند. او نیز از وزیر دارایی بسیار قدرتمندان می‌خواهد که مبلغ بیست میلیون دلار به عنوان افزایش قیمت از دولت ایران درخواست کند. شرکت کانادایی هم متقابلاً در این حدود دوازده میلیون، به حساب والا گهر واریز می‌کند.»



حافظه

## سودای سلطه و استعمار

### مروری بر سفر دوم کریستف کلمب به آمریکا

در مدّت اقامت کوتاهش یک قلعه کوچک در داخل و یک شهرک در کرانه‌های شمالی جزیره بنا کرد. کلمب در ادامه مأموریت اکتشافی، بیشتر کرانه‌های جنوبی کوبا را از شرق تا غرب پی‌یومد؛ اما پیش از رسیدن به انتهای آن، به این پندار که به جای جزیره با شبه جزیره‌ای رویه‌روست، تغییر مسیر داد و وارد جامائیکا شد.

آنها در «دریای کارائیب» از جزیره‌ای به جزیره دیگر می‌رفتند و

بومیان را اسیر می‌کردند. وقتی خبر این هجوم در میان بومیان پخش شد، مهاجمان اسپانیایی با دهکده‌های خالی از سکنه بیشتری مواجه شدند. در سال ۱۴۹۵

در جریان سفر دوم کریستف کلمب به قاره آمریکا، سرخ‌پوستان به عنوان برده به اسپانیا برده شدند و بسیاری از آنها در راه جان سپردند. کریستف کلمب بعدها در کتاب خود نوشت: «بگذارید به نام پدر، پسر و روح‌القدس همه برده‌هایی که می‌توانیم بفروشیم را به [اسپانیا] بفرستیم.» کلمب پس از سپردن امور به دست برادرانش، ۱۰ مارس ۱۴۹۶ میلادی، هیسپانیولا را به مقصد اروپا ترک کرد. به این ترتیب، سفر دوم او هم به پایان رسید.

«کریستف کلمب» در گزارش سفر اول خود که به دربار اسپانیا ارائه کرد، مدعی شد که به آسیا رسیده و در سواحل چین ساحل گرفته است. وی وعده داد که اگر پادشاه و ملکه، هزینه‌های سفر دوم را نیز متقبل شوند، طلا و برده بیشتری را به اسپانیا خواهد آورد. وعده‌های کلمب موجب شد تا وی برای ورود دوباره خود به قاره آمریکا، در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۴۹۳، هفده کشتی و بیش از ۱۲۰۰ خدمه به دست آورد.

هدف این سفر روشن بود: برده و طلا. او این بار نسبت به سفر اول، مسیر جنوبی‌تری را برگزید و پس از ۲۶ روز به جزیره بزرگ دومینیکا رسید؛ سپس راه شمال را در پیش گرفت و به ترتیب

به جزایر آنتیل کوچک شامل گوادلوپ، مونتسرات، آنتیگوا و نویس، جزایر ویرجین و پورتوریکو وارد شد و همه را جزئی از قلمرو اسپانیا اعلام کرد؛ سپس به هیسپانیولا رفت و به جست‌وجوی یاران پیشین برآمد؛ اما مهاجرنشین را خالی از سکنه یافت. اروپایی‌های ساکن جزیره، همه در جنگ با بومیان کشته شده بودند؛ پس این زمان جنگی بین آنها و بومیان درگرفت که در نهایت کریستف پیروز این جنگ بود، وی



بازشناخت تفکر و فرهنگ بسیجی  
و چگونگی نقش آفرینی در وضعیت امروز ایران

# مولود انقلاب اسلامی



مصطفی قربانی  
دکترای علوم سیاسی

تفکر و فرهنگ بسیجی به‌مثابه یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های درون‌زای کشور، تفکر و فرهنگی موازنه‌ساز در برابر تهاجم‌های ترکیبی دشمن در شرایط امروزی است که با اتکالی به آن می‌توان ضمن خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، همبستگی و انسجام ملی را ارتقا داد و ایران قوی را بیش از پیش محقق کرد. بسیج شجره طیبه‌ای است که فرازمانی، فرامکانی و فراملی فکر می‌کند، عمل می‌کند و قدرت خلق می‌نماید. حال این سؤال مطرح است که در وضعیت امروز کشور عزیزمان و منطقه غرب آسیا، به ویژه بعد از جنگ ۱۲ روزه و روند توطئه‌آفرینی‌های ننانهاهو و ترامپ، نقش آفرینی بسیج باید چگونه باشد؟

## بسیج و تقویت مؤلفه‌های قدرت

مأموریت‌های بسیج بنا به اقتضانات انقلاب و کشور تغییر کرده و اکنون که دشمن تلاش می‌کند با فشار و تحریف، همبستگی و انسجام ملی در ایران را از بین ببرد و بستری‌های لازم برای تهاجم مجدد به ایران را فراهم کند، بسیج در تداوم رسالت‌های انقلابی خود باید در این حوزه نیز میدان‌داری کند. به طور خلاصه، مهم‌ترین اقداماتی که بسیج برای این منظور می‌تواند انجام دهد، عبارتند از:

### ۱- تبیین ریشه مشکلات

واقعیت مهم در ارتباط با وضع موجود و ریشه‌های آن، این است که قطعاً سهم عوامل داخلی کمتر از تحریم‌های خارجی نیست و اتفاقاً آسیب‌پذیری اقتصاد ملی از تحریم‌های خارجی، به دلیل آسیب‌های داخلی است. کلید حل این مشکلات منوط به تدبیر و اراده مسئولان است که در این زمینه چالش‌های جدی وجود دارد. البته باید یادآور شد که حل مشکلات اقتصادی موجود در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست. بنابراین، باید در بلندمدت چاره‌های اندیشید. در این میان، به نظر می‌رسد شوک‌فایی ظرفیت‌های تولیدی (جهش تولید) مهم‌ترین راه‌حلی است که می‌تواند ضمن کاهش وابستگی اقتصاد کشور به خارج، ساخت اقتصادی کشور را مستحکم کرده و در رفع چالش‌های مهم اقتصادی جامعه همچون بیکاری، کاهش میزان تورم، رفع آسیب‌های اجتماعی و... مؤثر باشد. بنابراین، حل مشکلات موجود نیازمند فرصت بوده و کوتاه‌مدتی

و کوتاه‌نگری در حل مشکلات، مانند تلاش برای امتیاز دادن به دشمن برای حل مشکلات، به هیچ‌وجه مطلوب نیست. دولت و دستگاه‌های مسئول باید جوشش‌های درونی اقتصاد کشور را تقویت کنند. با توجه به آنچه گفته شد، پیچیدن نسخه مذاکره و در واقع، تسلیم در برابر آمریکا، به هیچ‌وجه حلال مشکلات موجود نیست و نه تنها گره‌گشایی پی ندارد، بلکه آسیب‌زایی‌های مضاعف نیز ایجاد خواهد کرد. در این زمینه، باید گفت همانگونه که آمریکایی‌ها با لگدهای مکرر به برجام و خروج از آن، سبب بهره‌مند نشدن ایران از مزایای اجرای برجام شدند و حمایت از رژیم صهیونیستی در حمله به ایران و اقدام برای بمباران تأسیسات هسته‌ای ایران و در ادامه، فشار به اروپایی‌ها برای فعال‌سازی مکانیسم ماشه علیه ایران، هرگونه توافق دیگری با این کشور نیز نمی‌تواند حلال مشکلات موجود کشور باشد. ضمن اینکه تجربیات گوناگونی، چه در ارتباط با ایران و چه کشورهای دیگر وجود دارد که نشان می‌دهد اعتماد به دشمن، همواره سراب است و مذاکره برای از دست دادن قدرت و قابلیت‌های موجود با هدف رفع مشکلات اقتصادی، هیچ‌گاه موجب کاهش دشمنی‌های طرف مقابل نشده است؛ مانند لیبی در دوران قذافی، کره شمالی و عراق در زمان صدام. با توجه به آنچه گفته شد، بسیجیان در جهاد تبیین باید بکوشند با بازنمایی ریشه‌های داخلی مشکلات کشور، ضمن افزایش سطح آگاهی‌های عمومی و گفتمان‌سازی در این زمینه، مسئولان را متوجه تلاش برای رفع این آسیب‌ها کنند. فایده این امر آن است که از این طریق، نسخه‌پیچی جریان تحریف برای تسلیم نظام در برابر استکبار بی‌اعتبار می‌شود. در واقع، جریان تحریف در شرایط راه‌حل مشکلات کشور را در تسلیم در برابر فشارهای خارجی می‌داند که افکار عمومی و حتی در مواردی نخبگانی، از ریشه‌های مشکلات کشور و در نقطه مقابل، ظرفیت‌های کشور برای حل مشکلات، اطلاع‌چندانسی ندارد. با تبیین درست می‌توان این نقشه جریان تحریف را خنثی کرد و امید به بهبود وضع موجود را در جامعه زنده نگه داشت.

### ۲- بصیرت‌افزایی تحلیلی

در یک نگاه کلی، در تحلیل و بررسی شرایط موجود کشور و ارائه راهکار بروز رفت از این شرایط، سه نوع نگاه و تحلیل وجود دارد که می‌توان آنها را تحت عنوان زیر نام‌گذاری کرد: «قرانت، تحلیل و نگاه تحریف‌آمیز» که با بی‌اعتمادی به ظرفیت‌های داخلی، راه‌حل مشکلات کشور را در تسلیم در برابر استکبار می‌داند، «قرانت، تحلیل و نگاه آرمان‌گرایانه» که عین دغدغه‌مند بودن، توجه چندانسی به واقعیت‌ها،



مقتضیات زمان و شرایط موجود کشور ندارد و در موارد زیادی هم مدعی عبور از ساختارهای موجود نظام است و «قرانت آرمان‌گرایان واقع‌بین» که حل مشکلات را با فعال‌سازی ظرفیت‌های درونی و تعامل می‌داند. قرانت مطلوب قرانت سوم است و بسیج نیز باید بکوشد تا ضمن ترویج این قرانت و کمک به تحقق آن، به ویژه با قرانت اول مبارزه کند. در این راستا، باید اقدامات تبیینی متعددی، چون بررسی مقایسه‌ای هزینه‌های مقاومت و سازش، چرایی برتری منطق مقاومت در برابر منطق مذاکره، خسارت‌های جریان تحریف و بزرگ کردن مجدد آمریکا پس از تجربه برجام، دستاوردهای انقلاب، مقایسه وضعیت ابتدای انقلاب با شرایط کنونی، توانمندی‌های نظام برای عبور از وضعیت امروزی، شالوده‌شکنی پیش‌فرض‌های جریان تحریف مانند مفروض گرفتن فروپاشی اجتماعی در کشور و بی‌بست‌نمایی از وضعیت کشور و... مدنظر قرار گیرد.

### ۳- اعتمادسازی به تدبیر و تصمیم‌نظام

با توجه به تنوع و تکثر موجود در بسیج و از سویی، فعالیت وسیع مراجع و رسانه‌های گوناگون، طبیعی است که بخشی از بدنه بسیج در شرایط موجود از برخی روایت‌ها درباره شرایط کشور و تصمیم‌های نظام اثر پذیرد؛ روایت‌هایی که گاه در تعارض با روایت رسمی نظام قرار دارد. برای رهایی از این وضعیت، مجموعه بسیج باید با اعتماد به تصمیم و تدبیر نظام، خود را در فضای انبوه پادروایت‌ها از شرایط کشور، مصون و محفوظ بدارد. برای نمونه، طرح روایت‌هایی درباره چرایی اجرا نشدن عملیات وعده صادق ۳ (قبل از جنگ ۱۲ روزه) و طرح اتهاماتی

علیه برخی فرماندهان، مسئولان دولتی و زیرسؤال بردن برخی توانایی‌های دفاعی کشور در حالی بود که هیچ‌کدام از این روایت‌ها مبتنی بر واقعیت‌های کشور نبود. در چنین شرایطی، بسیج و بسیجیان باید تصمیم و تدبیر نظام را مبنای قرار داده و خود را در دام هر روایتی گرفتار نکنند.

### سخن پایانی

بدون شک، کارآمدی بسیج در عرصه‌های گوناگون سبب شده است تا در هر شرایطی توجه به ظرفیت‌های گره‌گشای آن به عنوان ظرفیت درون‌زای نظام برای عبور از چالش‌ها و تداوم صراط مستقیم انقلاب مورد توجه قرار گیرد. از این‌رو، در برهه کنونی که دشمن با وجود جنگ ترکیبی و تصاعد فضای تهدید درصدد است تا نظام اسلامی را در برابر خود به تسلیم وادارد، بسیج‌فادر است در همراهی با دولت و سایر دستگاه‌ها، با نقش آفرینی در زمینه تقویت مؤلفه‌های قدرت و به‌ویژه تقویت انسجام و تاب‌آوری ملی، خنثی‌کننده تهدیدهای دشمنان باشد. آنچه اطمینان به موفقیت در نقش آفرینی بسیج را تقویت می‌کند، آن است که بسیج از یک سو از تجربیات ارزشمندی برخوردار است که به آن ظرفیت حل‌ورفع چالش‌های مختلف را می‌دهد و از سویی دیگر، به منزله مولود انقلاب اسلامی، در مقایسه با سایر نهادها و ارگان‌ها نسبت به حفاظت از انقلاب و نظام اسلامی و تقویت روزافزون آن در زمینه‌های مختلف احساس تعهد و تکلیف بیشتری دارد و هم از امکانات لازم برای اقدام در این زمینه برخوردار است. از این‌رو، این نهاد در همراهی با دولت باید بکوشد تا همچون زمان دفاع مقدس، به حفظ انسجام درونی و تقویت مقاومت مردم در مقابل توطئه‌های دشمنان همت بگمارد.

## آفاق

### صوابت تفکر انقلابی-۱۹

## نسبت انقلابی‌گری و مصلحت!

زمانه، نه مجوزی برای کنار گذاشتن آن. در دوران رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای نیز همین منطق ادامه یافت. ایشان بارها هشدار داده‌اند که مصلحت‌گرایی بی‌منا، سرآغاز محافظه‌کاری و انفعال است و در مقابل، انقلابی‌گری بدون عقلانیت، جامعه را به هیجان و بی‌ثباتی می‌کشاند. از نگاه رهبری، سیاست‌ورزی اسلامی باید عقلانیت و انقلابی‌گری را در هم بیامیزد؛ همان‌گونه که جهادگر مؤمن، در میدان عمل عقلانی تصمیم می‌گیرد؛ اما دلش سرشار از شور ایمان است. هنر حکمرانی اسلامی آن است که از درون ایمان انقلابی، عقل تدبیر را بیرون بکشد؛ عقلی که نه محافظه‌کار است و نه فرصت‌طلب، بلکه مأمور پاسداری از حق در میدان پیچیده واقعیت است.

در یادداشت‌های پیش‌رو در پی تبیین همین حقیقت خواهیم بود؛ اینکه چگونه می‌توان مصلحت را در جای درست خود نشاناند؛ چگونه می‌توان میان آرمان‌خواهی انقلابی و تدبیر حکومتی جمع کرد؛ و چگونه می‌توان از افتادن در دام دوگانه دروغین «شور بی‌عقل» و «عقل بی‌شور» پرهیز کرد. یادداشت‌های پیش‌رو، هر یک گوشه‌ای از این نسبت را روشن خواهند کرد: از مفهوم مصلحت در اندیشه اسلامی و جایگاه آن در فقه سیاسی تا تحلیل تاریخی عملکرد نظام در تصمیم‌های مصلحتی و انقلابی نشان خواهد داد چگونه این روح در کالبد حکمرانی دیده می‌شود تا نظام اسلامی هم زنده بماند و هم بالنده.

محمد رضا ملایی  
پژوهشگر اندیشه سیاسی

«نسبت میان انقلابی‌گری و مصلحت‌اندیشی» یکی از دشوارترین و حساس‌ترین مسائل در تجربه حکمرانی اسلامی است. از همان نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب، پرسش اصلی این بود که آیا می‌توان با همان شور و صراحت انقلابی کشور را اداره کرد، یا لازم است برای تثبیت نظام، منطق مصلحت و تدبیر جای شور انقلابی را بگیرد؟ در واقع، جمهوری اسلامی از همان آغاز در میانه دو افق حرکت می‌کرد: آرمان‌خواهی و واقع‌گرایی. یکی بر وفاداری به اهداف انقلاب تأکید داشت و دیگری بر حفظ ثبات و منافع ملی.

در تاریخ جمهوری اسلامی، هر گاه یکی از این دو بر دیگری غلبه یافته، آسیب ایجاد شده است. گاه کسانی با توجیه «مصلحت»، از اصول انقلاب فاصله گرفتند و در برابر فشار دشمن کوتاه آمدند. در نقطه مقابل، گاهی عده‌ای با تفسیر غلط از «انقلابی‌گری»، هر گونه تدبیر و محاسبه را سازش دانستند. حاصل هر دو رویکرد، افراط و تفریطی است که نه آرمان را حفظ می‌کند و نه واقعیت‌را سامان می‌دهد. امام خمینی (ره) با درک عمیق از این دو سوی خطر، مصلحت را نه در برابر حقیقت، بلکه در خدمت آن تعریف کردند. در نگاه ایشان، مصلحت، یعنی راهی برای تحقق حق در شرایط پیچیده

## سیاست‌نامه

### سیدمحمدباقر صدر-۶۳

## بازداشت‌شدگان را آزاد کنید

### مسعود پور فرد

کارشناس اندیشه سیاسی

در فاصله‌ای که شهید صدر در حصر بودند، صدام «حسن البکر» را کنار گذاشت و زمام امور را به دست گرفت. او تمهیداتی را در نظر گرفت و با تماسی که ابوسعبد، رئیس اداره امنیت نجف با شهیده بنت‌الهدی داشت، از شهید صدر وقت گرفت و برای صحبت با ایشان آمد. لحسن ملایم بود و سخنانی از این قبیل می‌گفت که هر قدر پول لازم باشد برای شما می‌آوریم و آیا خدمتی می‌توانیم بکنیم؟ او سعی کرد خود را متفاوت با حاکم قبلی نشان دهد و چنین وانمود کرد که اوضاع با دوره حسن البکر فرق کرده است. شهید صدر در جواب او گفت، «بازداشت‌شدگان را آزاد کنید، چون هیچ گناهی ندارند.» بعد از گذشت یک ماه از ملاقات رئیس اداره امنیت نجف، رژیم صدام شیخ عیسی شیبی خاقانی از روحانی‌نماهای درباری و از دشمنان انقلاب اسلامی را با مأموریتی نزد شهید صدر فرستاد. این شیخ که نقش عمده‌ای در ایجاد فتنه و برانگیختن احساسات ناسیونالیستی در میان مردم عرب خوزستان داشت، در حالی دویار به دیدن شهید صدر آمد که قبلاً ارتباطی با وی نداشت. شیخ عیسی در هر دویار سعی کرد با دوگانه‌سازی‌هایی، مانند فارس و عرب، به خیال خام خود، سید را رقیب امام خمینی (ره) جلوه دهد و سید را علیه امام تحریک کند؛ غافل از اینکه موضع شهید صدر در این باره از قبل معلوم بود. ارتباط شهید صدر و محصوران در منزل ایشان با بیرون از بیت کاملاً قطع شده بود. نه اخباری از مردم به آنها می‌رسید و نه مردم از اوضاع و احوال بیت شهید مطلع می‌شدند. رادیو و اخبار آن تنها مونس آنها بود. اولین ارتباط بعد از چهل روز، در آخرین روز ماه شعبان برقرار شد، به این ترتیب که آن شب در بالای پشت بام و زمانی که یکی از ملازمان شهید صدر به دور از دید دوربین‌های امنیتی اطراف منزل شهید صدر هلال ماه مبارک رمضان را جست‌وجو می‌کرد، چشمش به «حجت‌الاسلام سیدعبدالعزیز حکیم» افتاد که وی نیز برای رؤیت هلال به پشت بام آمده بود. بسا توجه به فاصله نسبی میان خانه شهید صدر و منزل حکیم، زبان اشاره و تکان‌های دست قادر به برقراری ارتباط گویا نبود. اما از روزهای بعد با نوشتن جملاتی با خط درشت روی یک تکه مقوا یا سینی‌های غذا کم ارتباط برقرار شد و با این شیوه، شهید صدر توانست تا حدودی از جریان امور در خارج از منزل، اطلاع پیدا کند و پیام‌های خود را به مجاهدان و مؤمنان برساند.

البته در دوران حصر، افراد دیگری اعم از مخالف و موافق تلاش می‌کردند تا شهید صدر ملاقات کنند. تلاش «مرحوم حجت‌الاسلام سیدمحمود دعائی»، سفیر وقت جمهوری اسلامی در بغداد برای ملاقات با شهید صدر از جمله آنها بود که نیروهای امنیتی مانع شدند. جسارت آقای دعائی در مکالمه‌ای که با مأمور امنیتی داشت که می‌گفت آقای صدر در خانه نیست، اما آقای دعائی نمی‌پذیرفت و با جدیت می‌گفت، «خیر! من می‌دانم که ایشان در خانه هستند!» جالب و حائز اهمیت بود.

نکته گرام

**نیک سورنور، خبرنگار اقتصادی آمریکا:** ترامپ با فشار روی بن‌سلمان، سرمایه‌گذاری سعودی‌ها را به ۱ تریلیون دلار رسانده؛ این هنر معامله‌ست - صلح از طریق قدرت.

**برونو رودریگس، وزیر امور خارجه کوبا:** ما دروغ‌های وزارت امور خارجه ایالات متحده را که تحت رهبری وزیر امور خارجه فاسد و دروغگو [مارکو روبیو] در تلاش است تا تجاوز نظامی علیه ونزوئلا را با بهانه‌های دروغین توجیه کند، محکوم می‌کنیم.

**سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه:** تبریک به ملت و دولت برادر عراق بابت مدیریت موفق یک انتخابات پارلمانی امن و آرام. این انتخابات گامی مهم در جهت تحکیم روند مردم‌سالاری در عراق و پاسداری از حاکمیت و امنیت این کشور بود. رئیس دستگاه دیپلماسی یادآور شد: جمهوری اسلامی ایران مصمم است روابط دوستانه خود با عراق را در تمامی حوزه‌های مورد علاقه دو طرف بیش از پیش تقویت کند.

**میخائیل اولیانوف، نماینده دائم روسیه نزد سازمان‌های بین‌المللی دروین:** هران، مسکو و یکن نقش اصلی را در پرونده هسته‌ای ایران با عهده دارند. آنها تا حد زیادی تصمیم می‌گیرند و مشخص می‌کنند که این موضوع در نهایت چگونه پیش خواهد رفت. ترونی‌کای اروپایی (انگلیس، آلمان و فرانسه) نیز حق دارند نظرات و دیدگاه خود را در این ارتباط مطرح کنند، اما نسبت به توانایی آنها برای ایفای نقش مثبت در این پرونده تردیدهای زیادی وجود دارد.

**حسین سیمایی صراف، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری:** ماموریتی که برای دانشگاه پیام نور نوشته شده بسیار مترقی است، این ماموریت یادگیری دانشم، ارتقاء توانایی کارمندان دولت و دسترسی عموم به آموزش عالی و توسعه عدالت آموزشی به اقصا نقاط کشور است. بنابراین مقصود رئیس جمهور این است که این دانشگاه به ماموریت های اصلی خود بازگردد. به هیچ عنوان حذف پیام نور در دستور کار دولت یا اراده رئیس جمهور نیست.

**سیدهدی طباطبایی، معاون ارتباطات و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور:** رئیس‌جمهور منتخب مردم است و در برابر ایشان پاسخگو، نقد رئیس‌جمهور و اساساً آهالی قدرت سازنده و ارزنده است. اما تلخی و تندی و استهزاء مقام دوم کشور برای انتصابی که حق مسلم و قانونی اوست، هیچ توجیهی ندارد. چنان‌که سیاست ادب دارد، نقد هم آدابی دارد. مردم بی‌ادب‌ها را دوست ندارند.

مؤسسه بین‌المللی تانکر ترکز: صادرات نفت ایران در سپتامبر ۲۰۲۵ (شهریور و مهر ۱۴۰۴) به سطحی رسیده که از میانسال ۲۰۱۸ (تابستان ۱۳۹۷) تاکنون سابقه نداشته است.

**مارجوری تیلور گرین، متحد قدیمی جمهوری خواهان:** تهدیدهای شدیدی علیه من توسط قدرتمندترین مرد جهان (ترامپ) دامن زده و برانگیخته می‌شود. این مردی است که من از او حمایت و به انتخاب شدنش کمک کردم. **الهام عابدینی، فعال رسانه:** پیام‌رسان ایکس ترجمه توییت‌ها از زبان عبری رو غیر فعال کرده و دلیلش هم واضحاً اینکه که صهیونیست‌ها مدام در حال نفرت پراکنی و حمایت و ترویج از نسل‌کشی در غزه و تروزیسم هستند و ایکس می‌خواهد کسی نتواند این موارد را بخواوند تا بتوانند برای رژیم سفیدشویی کنند.

# خانه‌های هوشمند

## تهدید خاموش اینترنت اشیا و سپر دفاعی ایران

نقشه‌ها، اگر به دست دشمن برسند، برای برنامه‌ریزی عملیات میدانی بسیار ارزشمند است و زیرساخت‌های حساس کشور را تخریب‌پذیر می‌کند.

اینترنت اشیا فقط در خانه‌ها نیست؛ در بیمارستان‌ها، کارخانه‌ها، ایستگاه‌های کنترل صنعتی، کشاورزی هوشمند و حتی خطوط انتقال انرژی وجود دارد. نفوذ به این شبکه‌های فراگیر می‌تواند خاموشی، اختلال صنعتی یا حتی بحران‌های فراگیر ایجاد کند. این همان سناریویی است که بسیاری از کشورهای جهان از آن با عنوان «جنگ سایبری زیرساختی» یاد می‌کنند.

به دلیل موقعیت ژئوپلیتیک، توان دفاعی و استقلال راهبردی ایران، دشمنان همواره تلاش کرده‌اند از مسیر فناوری مصرفی وارد عمل شوند. واردات گسترده کالا‌های هوشمند بدون استاندارد امنیتی، بخشی از همین بازی پیچیده است. بسیاری از این تجهیزات عمداً با رمزگذاری ضعیف، گذرواژه‌های پیش‌فرض و مسیرهای دسترسی مخفی طراحی می‌شوند تا امکان نفوذ از طریق آنها فراهم باشد.



هم‌وسعت نفوذ بی‌سابقه است. برخلاف رایانه‌ها یا موبایل‌ها که کاربر از حساسیت امنیتی آنها مطلع است، تجهیزات هوشمند خانگی اغلب «بی‌گناه» به نظر می‌رسند. همین ویژگی آنها را به بهترین ابزار جمع‌آوری اطلاعات تبدیل کرده است؛ اما در واقع این دستگاه‌ها می‌توانند الگوی رفت‌وآمد و زندگی افراد را تحلیل کنند، سنسورهای ساده حرکتی یا دوربین‌های هوشمند می‌توانند بفهمند فرد چه زمانی خانه است، چه زمانی خواب است و چه ساعتی از خانه خارج می‌شود (این داده‌ها برای طراحی عملیات‌های خصمانه، فشار روانی یا تحلیل رفتار اجتماعی ارزش بالایی دارند). تصویر و صدا را بدون آگاهی کاربر منتقل کنند. (تعداد قابل توجهی از دوربین‌های ارزان‌قیمت که در سال‌های اخیر کشف و تحلیل شدند، دارای بک‌دورهای جاسوسی بودند که داده‌ها را به سرورهای خارجی ارسال می‌کردند). محیط داخلی منازل و ساختمان‌ها را نقشه‌برداری کنند، ربات‌های هوشمند که با سنسور مادون‌قرمز کار می‌کنند، نقشه سه‌بعدی فضای داخلی خانه را تولید می‌کنند. این

این واقعیت که میلیون‌ها دستگاه هوشمند در خانه‌های مردم، ادارات و مراکز عمومی فعال هستند، اهمیت موضوع را چند برابر می‌کند. هر دستگاه ناامن، یک منفذ کوچک اطلاعاتی و هر منفذ کوچک، بخشی از یک عملیات بزرگ‌تر است.

در برابر این تهدید بزرگ، ایران طی سال‌های اخیر مسیر متفاوتی طی کرده است؛ مسیری مبتنی بر اقتدار سایبری، توسعه زیرساخت‌های بومی و افزایش توان دفاعی در برابر حملات پیچیده.

ایران با ایجاد شبکه مسی اطلاعات بسا ایجاد مسیرهای مستقل، فایروال‌های بومی و مدیریت ترافیک داخلی، توانسته تا حد زیادی جلوی انتقال بی‌ضابطه داده و کنترل‌پذیری شبکه را تقویت کند. رصد و شناسایی تجهیزات آلوده، حرکت به سمت تولید تجهیزات امن بومی، تدوین استانداردهای ملی برای IoT، آموزش عمومی و افزایش سواد سایبری مردم از جمله اقدامات مثبت در این زمینه است.

در واقع، اینترنت اشیا، ترکیبی از رفاه و تهدید است؛ چاقویی دولبه که اگر بدون نظارت رها شود، می‌تواند امنیت ملی را از درون تخریب کند. ایران با تقویت معماری سایبری، نظارت هوشمند و توسعه فناوری بومی گام‌های مهمی در حفاظت از مرزهای دیجیتال برداشته است؛ اما این میدان، جنگی دائمی است؛ جنگی که در آن دشمن نه در مرزها، بلکه گامی در یک دوربین کوچک یا یک لامپ هوشمند پنهان می‌شود.

امنیت آینده ایران، نه فقط در موشک‌ها و رادارها، بلکه در همین انتخاب‌های کوچک تکنولوژیک مردم شکل می‌گیرد. «آگاهی»، «نظارت» و «اتکا به فناوری بومی»، سه ستون اصلی دفاع در برابر تهدیدهای ناهمگام اینترنت اشیا هستند؛ تهدیدهایی که اگر جدی گرفته شوند، به فرصت تبدیل خواهند شد و اگر نادیده بمانند، به دروازه‌ای برای نفوذ دشمن بدل می‌شوند.

گزارش

## سپر نامرئی امنیت ملی

ملی به شمار می‌آید. او با اشاره به تجربه جنگ ۱۲ روزه و موج مراجعات شرکت‌های فعال در حوزه تحلیل‌های فضایی خاطر نشان کرد، فضای نبرد امروز از زمین و هوا فراتر رفته و وارد عرصه «جغرافیای داده‌ها» شده است؛ جایی که سرعت، دقت و عمق تحلیل‌ها می‌تواند موازنه قدرت را تغییر دهد.

بسر همین اساس، سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح طی ماه‌های گذشته دغدغه شرکت‌های داخلی را درباره تداوم فعالیت‌های تخصصی‌شان به شورای عالی امنیت ملی، وزارت کشور و نهادهای اطلاعاتی منتقل کرده است. این پیگیری‌ها نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی ایران به نقش بخش خصوصی در جنگ سایبری و نبرد داده‌محور واقف است و اجازه نخواهد داد که عوامل بیرونی بی‌موانع اداری، مسیر این توانمندی راهبردی را مختل کنند. اهمیت اطلاعات مکانی فقط در میدان

نبرد نیست؛ بلکه در حکمرانی، مهار بحران و صیانت از سرمایه‌های سرزمینی نیز نقش حیاتی دارد. فخری با اشاره به رصد مستمر منابع آب، خشکسالی، فرونشست زمین و پایش رودخانه‌ها و سدها، تصریح کرد که بخش زیادی از تصمیم‌سازی‌های کلان کشور اکنون بر مبنای داده‌های دقیق مکانی انجام می‌شود. ایجاد اندیشکده حکمرانی آب با همکاری وزارت دفاع و تدوین بسته‌های راهبردی برای مدیریت منابع حیاتی، نمونه‌ای روشن از این رویکرد جدید است.

در کنار این، توسعه سامانه‌هایی، مانند «اطلس مخاطرات محیطی» و دیجیتال‌سازی گسترده عکس‌های هوایی، سطح قابل توجهی از خدمات را برای مردم و دستگاه‌ها بر خط و دقیق کرده است. این زیرساخت‌ها امروز جزئی از امنیت ملی هستند؛ زیرا در لحظات بحران، زمان طلایی تصمیم‌گیری را حفظ می‌کنند.

### گروه مجازستان

صبح صادق

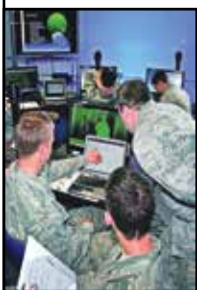
جمهوری اسلامی ایران در حالی وارد مرحله‌ای تازه از حکمرانی داده‌محور و اقتدار ژئواستراتژیک شده که جریان‌های معاند همچنان درک دقیقی از تحول بزرگ این حوزه ندارند. امروز هر نقطه از سرزمین ایران زیر پوشش شبکه‌ای از داده‌های مکانی، سامانه‌های سنسجش از دور، ایستگاه‌های هیدرولوژی و زیرساخت‌های ژئودیتیکی قرار دارد؛ شبکه‌ای که مانند سپری هوشمند، نقش تعیین‌کننده‌ای در امنیت ملی، مقابله با تهدیدها و مدیریت هوشمند بحران‌ها ایفا می‌کند.

«امیر فخری» رئیس سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، در نشست اخیر خود با رسانه‌ها تأکید کرد، اطلاعات مکانی دیگر یک ابزار فنی صرف نیست؛ بلکه پایه‌ای برای قدرت

پژواک

### جنگ سایبری

کعبود نیروهای سایبری در آمریکا



به‌گزارش «Task & Purpose»، کارشناسان امنیت ملی می‌گویند ارتش آمریکا در شرایطی قرار گرفته که ممکن است در رقابت سایبری از چین، روسیه و ایران عقب بماند؛ کشورهایی که توانایی اجرای حملات سایبری گسترده علیه زیرساخت‌های حیاتی ایالات متحده را دارند. به گفته این اندیشکده، وابستگی ارتش به شبکه‌های عظیم اطلاعاتی و گسترش

جنگ‌های دیجیتال، نیاز به نیروی انسانی متخصص را چندبرابر کرده است. این نیروها مسئول توسعه، نگهداری و حفاظت از شبکه‌های شامل ۴ میلیون رایانه و ۳۴ میلیارد آدرس IP هستند؛ شبکه‌ای که به گفته کارشناسان، برای حفاظت مؤثر از آن باید ظرفیت انسانی و تخصصی ارتش افزایش یابد.

خبر خوب

### نانومواد

نخستین کتابخانه هوش مصنوعی ایران



یک تیم تحقیقاتی مستقر در پارک علم و فناوری دانشگاه صنعتی امیرکبیر، از نخستین کتابخانه تخصصی هوش مصنوعی کشور در حوزه نانومواد رونمایی کرد که فرآیندهای پیچیده طراحی، شبیه‌سازی و تحلیل داده‌های این مواد پیشرفته را برای پژوهشگران و صنعتگران تسهیل می‌کند. این یک ابزار نرم‌افزاری است که با حمایت

سناد توسعه فناوری نانو و تحت نظارت استادان دانشگاهی در پارک علم و فناوری دانشگاه صنعتی امیرکبیر توسعه یافته است. هدف اصلی این پروژه، تسهیل فرآیندهای پیچیده طراحی، شبیه‌سازی و تحلیل داده‌های مرتبط با نانومواد است.

یادداشت

گفتمان فاطمی و فرهنگ امروز

مهدی امیدوی

خبرنگار

فرهنگ، هنر و رسانه، سه ضلع اصلی مثلث تأثیرگذاری اجتماعی در دنیای امروز هستند و در این میدان پر آشوب، نیاز به یک «لنگرگاه فکری و هویتی» بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. در مواجهه با سبک‌های زندگی وارداتی و تضعیف بنیان‌های اصیل جامعه، فرهنگ و معارف فاطمی نه یک خاطره تاریخی، بلکه یک نظام فکری و عملیاتی زنده است که می‌تواند نقشه راه تعالی این سه حوزه را ترسیم کند.

بزرگ‌ترین خلأ در حوزه رسانه، سردرگمی در ارائه تصویری متعالی از زن مسلمان است. در یک سو، زن به‌عنوان چهره‌های مصرفی یا فردی منفعل به تصویر کشیده می‌شود و در سوی دیگر، تلاش می‌شود تا نقش‌های فردی بر مسئولیت‌های محوری او غلبه کند.

الگوی فاطمی، فراتر از هرگونه افراط و تفریط، تجلی «انسان در بالاترین شکل بلوغ» است؛ جایی که علم، سیاست‌ورزی، حضور آگاهانه اجتماعی و فصاحت در دفاع از حق، با نقش محوری او در خانواده، تربیت نسل و مدیریت خانه در هم تنیده می‌شود. رسانه ما اگر بخواهد از بحران فردگرایی و فروپاشی روابط عاطفی نجات یابد، باید به این گفتمان بازگردد و ترجمه‌های هنرمندانه و روزآمد از آن ارائه دهد. حضرت فاطمه (س) هم‌زمان عالم، سیاست‌مدار، شجاع و قلب کانون خانواده بود؛ این همان هویت مستقلی است که در عین وفاداری به اصول، می‌تواند زن را در محور پیشرفت و تربیت جامعه قرار دهد. در عرصه هنر، ترویج سبک زندگی فاطمی، از مصادیق مهم جهاد تبیین است. آموزه‌هایی چون خداباوری، قناعت، سادگی، همسرمداری نیکو و تربیت صحیح فرزند، شاخصه‌هایی هستند که جامعه امروز را از ورطه تجمل‌گرایی و مادی‌گرایی افراطی نجات می‌دهند.

وظیفه هنر مند متعهد، صرفاً عذرآداری و بیان وقایع تاریخی نیست، بلکه باید با زبان رمان، فیلم، تئاتر و پویانمایی، این ارزش‌ها را در قالب‌های جذاب و متناسب با ذائقه نسل جدید تولید و بازتولید کند. اگر سینما و تلویزیون ما به جای ترویج زندگی‌های اشرافی و بی‌هویتی، بتوانند سیره مدیریتی حضرت زهرا (س) را در خانه و جامعه، و روحیه ولایت‌مداری ایشان را به شکلی خلاقانه به تصویر بکشند، آنگاه هنر می‌تواند به ابزاری قدرتمند برای تعمیق معنویت و مقابله با همجه‌های فرهنگی غرب تبدیل شود.

رهبر معظم انقلاب، امروز را میدان «جنگ روایت‌ها» می‌داند و فضای مجازی را «قللگاه جوانان». در این شرایط، گفتمان فاطمی به منزله یک منظومه فکری کامل، می‌تواند هویت اصلی جامعه اسلامی را در برابر هجوم شیبهات و فرهنگ غیر اسلامی تثبیت کند.

حضرت زهرا (س) نه تنها یک الگو برای زنان، بلکه الگوی ولایت‌مداری، ایستادگی بر حق و جهاد تبیین برای تمام اقشار جامعه هستند. باید با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین ارتباطی و تولید محتوای هوشمندانه (پویانمایی، کلیپ کوتاه، نماهنگ)، آموزه‌های ناب این مکتب را به سادگی و جذابیت در دسترس همگان قرار دهیم.

بازگشت به گفتمان فاطمی، بازگشت به گذشته نیست؛ بلکه تماشای قله‌های بلوغ انسانی و یافتن کلید حل بحران‌های هویتی، اخلاقی و اجتماعی امروز است. این مکتب، چراغ راهی است که فرهنگ و هنر و رسانه ما را از گرداب تقلید و انحراف نجات داده و به سمت تحقق تمدن نوین اسلامی رهنمون می‌کند.



نگاهی به بازنمایی خشونت خویشاوندی در سریال‌های «از یاد رفته»، «شغال» و «محکوم»

جنون در اندرونی

حرمت موی سفید و قداست سفره باشد. در این اثر، شاهدیم که چگونه کینه‌های قدیمی و زخم‌های چرکین، جایگزین گذشت و فداکاری می‌شود. خشونت در این سریال‌ها، برخلاف آثار اکشن معمول، دارای منطق «دفاع از خود» نیست؛ بلکه خشونت بر خاسته از «نفرت انباشته» است. نفرتی که در دیالوگ‌های سخیف، فریادهای گوش‌خراش و برخورد‌های فیزیکی تحقیرآمیز با والدین یا بزرگ‌ترهای فامیل متبلور می‌شود. در «از یاد رفته» شاهد به مسلخ رفتن یک جوان در گذشته به دست نزدیک‌ترین اعضای خانواده - حتی پدرش- هستیم. فرزند همین جوان، در زمان حال به سرنوشته پدرش دچار می‌شود و پس از کشمکش‌های گسترده با خانواده پدرش، در نهایت با طرح و نقشه یکی از اقوامش به کام مرگ می‌رود! دشمنی و فحاشی خواهر به برادر، چشم طمع یک مرد به خواهر همسرش، عداوت زن و شوهر، دعوی مادر و دختر، پرخاشگری و بی‌حرمتی دختر جوان به پدرش و... خلاصه همه خویشاوندان در این سریال با هم دشمن هستند و دوست دارند به هم زخم بزنند یا از یکدیگر سوءاستفاده کنند!

اما سؤال اساسی این است که چرا سازندگان آثار نمایشی به این سمت حرکت کرده‌اند؟ جذب مخاطب به هر قیمت و ناتوانی در طرح روایت‌ها و درام‌های قدرتمند، یکی از دلایل اصلی است. به نظر می‌رسد، الگوی سریال‌سازی در شبکه نمایش خانگی، تحت تأثیر سریال‌های زرد خارجی، «شوکرمانی» را جایگزین «قصه‌گویی» کرده است. نمایش بی‌حرمتی و خشونت فرزند علیه پدر، شاید در لحظه برای مخاطب شوکار آور و میخکوب‌کننده باشد، اما در درازمدت، قبح این عمل شنيع را در ذهن او می‌شکند. شبکه نمایش خانگی به شدت

دیده شده، در ناخودآگاه مخاطب، نفرت از برادر به منزله یکی از نزدیک‌ترین خویشان خونی را تثبیت می‌کند. در این روایت، خوی حیوانی بر عاطفه انسانی چیره می‌شود و مخاطب به جای همذات‌پنداری با قهرمان، با کلک‌سیونی از ضدقهرمان‌های خویشاوندستیز مواجه است.

این روند در «محکوم» شکلی بی‌رحمانه‌تر به خود می‌گیرد. در اینجا قتل خانوادگی اتفاق می‌افتد و در نتیجه آن، اعضای یک خانواده وارد یک جنگ خونین با هم می‌شوند. ابتدای سریال می‌بینیم که یک پسر جوان که تعادل روحی و روانی ندارد، بر خوردی غیراخلاقی با مادر و همسر مادرش دارد. خشونت در رفتار او آقدر شدید است که از زدن هیچ آسیبی به پدر خوانده‌اش که اتفاقاً رفتار مهربانانه‌ای با او دارد، پرهیز نمی‌کند. در ادامه، دختر پدرخوانده، در خانه این پسر به شکل فجیعی کشته می‌شود و این جوان به اتهام قتل به زندان می‌رود. جوان، مادرش را عامل این وضعیت می‌داند و در هر فرصتی به مادرش بی‌احترامی می‌کند. از آن طرف هم شوهر این زن با وجود اینکه تازه با هم ازدواج کرده‌اند، چون فکر می‌کند پسر زن به قتل دخترش دست زده، از او متنفر می‌شود و دشمنی و تندخویی می‌کند و در نهایت کارشان به طلاق می‌رسد. اما یکی از اقوام نزدیک زن هم که یک کینه کهنه از او دارد، برای گرفتن انتقام و کالت خانواده مقتول را به عهده می‌گیرد. اینکه یک وکیل با سابقه که مردی بخته و جافتاده است، تنها به دلیل کینه از یک زن، قصد فرستادن پسرش به بالای چوبه دار را دارد - آن هم جوانی که از قضا از خویشان نزدیکش است - اوج نفرت‌پرانی فامیل در یک سریال است!

اما شاید غم‌انگیزترین ضلع ایسن مثلث، در سریال «از یاد رفته» نمود پیدا می‌کند. عنوانی که شاید کنایه‌ای تلخ به فراموش شدن سنت‌ها،

آرش فهیم

دبیر گروه فرهنگ



در روزگاری نه چندین دور، قلاب تلویزیون و سینمای ایران مأمی برای ترسیم «خانواده» به‌منزله پناهگاه امن و دژ مستحکم اخلاق بود؛ اما آنچه امروز در بستر سکوها نمایش خانگی شاهد آن هستیم، چرخشی نگران‌کننده از «تحکیم روابط» به سوی «درام‌تیزه کردن نفرت» است. گویی مسابقه‌ای برای دریدن پرده‌های حیا و حرمت میان اعضای خانواده به راه افتاده است؛ مسابقه‌ای که در آن برنده کسی است که تصویر خشن‌تری از روابط خونی ارائه دهد.

بررسی سه مجموعه اخیر «از یاد رفته»، «شغال» و «محکوم»، زنگ خطری جدی را در نحوه نمایش روابط خویشاوندی و خانوادگی در آثار نمایشی به صدا درآورده است. فصل مشترک این آثار، عبور از خط قرمزهای سنتی خشونت و ورود به ساح مقدس‌ترین روابط انسانی، یعنی رابطه والدین و فرزندان و خواهر و برادر است.

آنچه در این سریال‌ها به وضوح دیده می‌شود، «قیح‌زدایی» از خشونت کلامی و فیزیکی علیه نزدیکان است. اگر در گذشته «شور» داستان، غریبه‌ای بود که کیان خانواده را تهدید می‌کرد، در سریال «شغال»، تهدید از درون می‌جوشد. انتخاب نام «شغال» خود استعاره‌ای تکان‌دهنده از تبدیل شدن اعضای خانواده به درندگان است که آماده دریدن گلولی برادر خویش هستند. به این طرح‌واره از سریال توجه کنید: «پسر جوانی در وضعیت نامتعادل روانی به دختری تعرض می‌کند؛ همان دختر همسر برادرش می‌شود.» این نوع روایت که شبیه آن در سریال‌های ترکیه‌ای

برداشت

روایتی از پولاد و پروانگی



خلوت‌هایش، ملموس و تکان‌دهنده است. نقطه قوت دیگر کتاب، توجه ویژه به نقش زنان و خانواده‌هاست. «مرد ابدی» به‌درستی تصویرگر این حقیقت است که ایستادگی مردان در میدان‌های سخت، در صبر و ایثار زنانه ریشه دارد که در پشت جبهه، بار سنگین فراق را به دوش کشیدند. نویسنده با ظرافت، حکایت وفای همسران را به تصویر کشیده و نشان می‌دهد چگونه لبخند آنها به غم دوری، سوخت موشک‌های اقتدار ایران شده است. این نگاه جامع، کتاب را از یک اثر صرفاً مردانه خارج کرده و به آن بُعدی اجتماعی و خانوادگی بخشیده است. شاید بتوان گفت شاهبیت کتاب، ترسیم

سعید رضایی

خبرنگار

کتاب «مرد ابدی» تنها یک زندگینامه نیست؛ بلکه دانشنامه‌ای سه جلدی از تاریخ غرور، اراده و امید یک ملت است. اثر سترگ معصومه سپهری که حاصل تلاشی دوازده ساله است، توانسته غبار گمنامی را از چهره سردار شهید حسن طهرانی مقدم و یارانش بزاید و روایتی جامع از شکل‌گیری توان موشکی ایران ارائه دهد.

نخستین ویژگی که «مرد ابدی» را از سایر آثار حوزه دفاع مقدس متمایز می‌کند، عبور از لایه خشک گزارش‌های نظامی است. اگرچه کتاب به دقت یک مستند، تاریخچه شکل‌گیری یگان موشکی و تلاش‌های چهره‌هایی، همچون سردار حاجی‌زاده را روایت می‌کند، اما هنر نویسنده در آمیختن این «اسناد» با «احساس» است. سپهری با لحنی صمیمانه، مخاطب را از فضای سرد پادگان‌ها به عمق روح لطیف و انسانی شهید طهرانی مقدم می‌برد. خواننده در این کتاب، نه فقط با یک فرمانده مقتدر، بلکه با انسانی رویه‌رو می‌شود که شادی و غمش، دلتنگی‌ها و



**حسن نوروزی**

دبیر گروه سپاه

**سردار سرتیپ دوم پاسدار «سهراب علی شمشخانی» معاون حقوقی سپاه در گفت‌وگویی تفصیلی با خبرنگار هفته‌نامه «صبح‌صداق»، از ابعاد پنهان «جنگ حقوقی» آمریکا علیه ایران پرده برداشت؛ جنگی که با نقض قوانین بین‌المللی در کشور آمریکا آغاز شده و امروز با صدها دادخواست دست به مصادره اموال دولت جمهوری اسلامی ایران دراز می‌کند!**

**آقای شمشخانی، ابتدا از «جنگ حقوقی» که آمریکا علیه ما در چند دهه اخیر علیه ایران به راه انداخته‌اند، توضیحی ارائه دهید.**

بر اساس قواعد بین‌المللی، هیچ دولت و هیچ کشوری نمی‌تواند علیه دولت دیگری در محاکم داخلی (یعنی کشور خودشان) طرح دعوا کند؛ یعنی اگر کسی می‌خواهد علیه دولت دیگری طرح دعوا کند، باید به سازمان‌های بین‌المللی و دیوان‌های بین‌المللی مراجعه کند؛ اما از سال ۱۹۶۶ آمریکا‌ها قانونی را تصویب کردند که می‌توانست علیه دولت‌ها و مردم کشورهای دیگر در خود آمریکا اقامه دعوا کرد! البته این دعوی، حقوقی و برای دریافت خسارت هستند، نه کیفری. آمریکایی‌ها در تمام این سال‌ها، تلاش کرده‌اند علیه کشورهای که با سیاست‌های توسعه‌طلبانه و استکباری‌شان مخالفت می‌کنند، از همه ابزارهای ممکن استفاده کنند. آنها در قالب جنگ ترکیبی، بخشی تحت عنوان «جنگ حقوقی» را پیش می‌برند. اگر در فضای مجازی جست‌وجو کنید، مشخص است که آمریکایی‌ها با اتهامات واهی، کشورهای مخالف توسعه‌طلبی و جاه‌طلبی خود را به ترور مستقیم کرده و اتباع‌شان را به طرح دعوا تشویق می‌کنند.

**مسلم است که هزینه دادرسی و وکالت در کشوری، مانند آمریکا بسیار بالاست. آیا مردم آمریکا خودشان برای این دعوی هزینه می‌کنند یا اینکه دولت آمریکا هم ورود می‌کند؟**

قطعاً پشت‌صحنه این اقدامات، خود دولت آمریکاست؛ زیرا هزینه دادرسی و وکیل در آمریکا بسیار بالاست و این هزینه‌ها را دولت تأمین می‌کند. آمریکایی‌ها برای ورود به جنگ حقوقی با ایران، قوانین خود را اصلاح کردند، مسیر را هدایت کردند، پول پرداخت کردند و وکیل گرفتند و از این دعوی حمایت کردند. جالب اینجاست که بسیاری از کسانی که امروز به‌عنوان اتباع آمریکا علیه ما طرح دعوی حقوقی کرده‌اند و از ایران مطالبه خسارت کرده‌اند، همان منافقین و اشاری هستند که برای توسعه‌طلبی آمریکا به کشورهای دیگر رفتند، اقدامات تروریستی انجام دادند یا جاسوسی کردند.

**چگونه ممکن است افسرادی که خود در عملیات جاسوسی یا اقدامات خشونت‌آمیز دخیل بوده‌اند، پس از ناکامی، مدعی خسارت علیه کشوری شوند که با آنان درگیر بوده است؟**

یادتان هست آمریکایی‌ها به بهانه واهی «عراق سلاح کشتار جمعی دارد!» بر خلاف قواعد بین‌المللی و بدون مجوز به عراق حمله کردند و نزدیک به یک میلیون نفر از مردم عراق را کشتند! حتی زمانی از وزیر خارجه وقت آمریکا پرسیده شد که «کشته شدن ۵۰۰ هزار نفر در عراق ارزشش را داشت؟» و او با وقاحت پاسخ داد: «بله، برای منافع آمریکا ارزش دارد.»؛ جالب اینجاست که چند سال بعد گفتند جمهوری اسلامی باید خسارت بدهد، چون از مردم عراق حمایت می‌کنند. حتی وقتی به سفارتخانه‌های‌شان که در واقع جاسوس‌خانه‌اند در کشورهای مثل کنیا، لبنان و جاهای دیگر تعرض شد، از کشور ما خسارت خواستند!

جالب‌تر اینکه ۶۷ نفر یهودی آمریکایی که قبل از جنگ ۱۲ روزه برای حمایت از صهیون‌ها به سرزمین اشغالی فلسطین رفته و کشته یا مجروح شده بودند؛ بازماندگان‌شان ۶ میلیارد دلار از جمهوری اسلامی خسارت خواسته‌اند، فقط به این دلیل که جمهوری اسلامی حامی مردم مظلوم فلسطین است. حیرت‌انگیزتر اینکه گروه‌های تجزیه‌طلب مستقر در کردستان عراق که از مرزهای ما تجاوز کرده و مردم، از جمله مردم کرد را شهید کرده‌اند، حالا بابت کشته‌شدن اعضای‌شان در درگیری با مرزداران ما، به آمریکا رفته

و ادعا کرده‌اند دو تابعیتی‌اند. مشخص است که آمریکا این تروریست‌های تجزیه‌طلب را تغذیه و حتی به آنها تابعیت داده است. اینها با ما که مدافع مردم و مرزها هستیم می‌جنگند، کشته می‌شوند و بعد در آمریکا طرح دعوا می‌کنند. جاسوس‌هایی هم مانند رضائیان، طاهباز و هم‌دستان‌شان نیز که در زمینه جاسوسی هسته‌ای و تلاش برای آلودگی برخی نقاط کشور با پوشش محیط‌زیست فعالیت می‌کردند، آن زمان از سوی ایران دستگیر و با اسناد و مدارک محکوم شدند. برخی از آنها مجازات‌شان را طی کردند و برخی در جریان مبادله آزاد شدند. این افراد ایرانی‌الصل و تبعه آمریکا بودند، هر چند قوانین مادو تابعیتی را به رسمیت نمی‌شناسد؛ اما بعد از آزادی، دوباره به آمریکا رفتند و اکنون به‌عنوان اتباع آمریکا در دادگاه‌های آن کشور علیه جمهوری اسلامی ایران طرح دعوا کرده‌اند.

تمام این دعوی به استناد همان قانون واهی مطرح شده است؛ قانونی که واضعانش با تهمت‌های بی‌اساس علیه کشورهایی از جمله جمهوری اسلامی تصویب کرده‌اند. این روندی است که آمریکایی‌ها سال‌ها پیش آغاز کردند و همچنان ادامه دارد؛ بیش از ۵۰۰ دادخواست که برخی از آنها مربوط به چند صد نفر است.

**چرا با وجود تعهدات صریح بیانیه الجزایر، آمریکا چهار دهه از بازگرداندن اموال ملت ایران خودداری کرده است؟**

وقتی دانشجویان پیرو خط امام (ره) لانه جاسوسی را تسخیر کردند، اسناد موجود نشان داد که آمریکایی‌ها در حال جاسوسی و طراحی توطئه علیه انقلاب بودند. برای آزادی جاسوس‌ها توافق صورت گرفت که به نام «بیانیه الجزایر» منتشر شد. نام آن را توافق‌نامه نگذاشتیم، چون به دلیل جنایات و توطئه‌های آمریکا علیه انقلاب، ترجیح داده شد «بیانیه» نامیده شود، اما در واقع یک نوع توافق‌نامه است که در آن، آمریکا متعهد می‌شود اموالی را که گفته می‌شد بیش از ۹ میلیارد دلار در بانک‌های آمریکا بوده، بازگرداند. قرار بود ۵۰۰ میلیون دلار هم طلب آمریکا از حساب‌های امانی پرداخت شود. در مجموع ۹ میلیارد و ۵۰۰ میلیون دلار. ما به تعهدات عمل کردیم، اما آمریکا تاکنون این پول‌ها را بازنگردانده است. سوازی از این موضوع بخشش بزرگی از اموالی که خاندان پهلوی غارت کرده‌اند نیز اکنون موضوع دادخواست‌هایی است که مردم مطرح کرده‌اند و در مسیر رسیدگی قرار دارد. در شعبه ۵۵ دادگاه بین‌الملل تهران، بیش از ۳۵ میلیارد دلار از اموالی که خاندان پهلوی غارت کرده‌اند، در حال پیگیری است. جالب اینکه در بیانیه الجزایر، آمریکایی‌ها تعهد کرده‌اند که دولت و دادگاه‌های‌شان برای بازگرداندن این اموال به ملت ایران همکاری کنند، اما این کار انجام نشده و این‌ها اموال در اختیار خاندان پهلوی و وابستگان‌شان در آمریکا است و علیه نظام از آن استفاده می‌شود.

**ما در برابر این اقدامات بی‌منطق آمریکایی‌ها چه کار کرده‌ایم؟**

در ابتدا باید به این موضوع توجه داشت که موضوعی کاملاً دولتی است و قوای سه‌گانه جمهوری اسلامی تکلیف دارند از اموال و منافع ملت حراست کنند. مجلس قانون اقدام متقابل را تصویب کرده که مهم‌ترین قانون در این زمینه است. طبق این قانون، مصوب سال ۱۳۹۰، دولت و قوه قضائیه موظفند در برابر کشورهای که مصونیت دولت ما را نقض می‌کنند و با بهانه‌های واهی اموال جمهوری اسلامی را توقیف کرده یا اجازه طرح دعوی حقوقی علیه ما را می‌دهند، اقدام متقابل انجام دهند و ظرفیت لازم را برای مردم فراهم کنند؛ به‌ویژه برای کسانی که از اقدامات تروریستی آمریکا آسیب دیده‌اند. در دادگستری تهران، این روند تسریع شده و مردم ما که از جنایات آمریکا یا اقدامات مشابه کشورهای که مصونیت دولت ما را نقض کرده‌اند خسارت دیده‌اند، می‌توانند طرح دعوا کنند و به‌صورت متقابل، درخواست غرامت و خسارت بدهند. اکنون که این ظرفیت ایجاد شده، قوه قضائیه موظف به اجرای قانون است و شعبه‌ای در دادگستری تهران، یعنی شعبه ۵۵ دادگاه حقوق بین‌الملل، به این وظیفه اختصاص یافته تا به دادخواهی مردم رسیدگی کند؛ مردمی که از طرف آمریکا خسارت مادی و معنوی دیده‌اند.

**به نظر شما ما درباره اطلاع‌رسانی در خصوص طرح دعوا علیه آمریکا کم‌کاری نکرده‌ایم؟**

متأسفانه اطلاع‌رسانی مناسبی به مردم نشده است، در حالی که ما خسارت‌های زیادی از آمریکا پیش و پس از انقلاب دیده‌ایم. برای نمونه، کودتای ۲۸ مرداد

که نخستین دخالت جدی آمریکا در ایران بود، ضربه بزرگی به استقلال کشور وارد کرد و زمینه‌ساز روی کار آمدن دوباره حکومت وابسته پهلوی شد. جنایاتی که طی ۲۵ سال پس از کودتا در کشور انجام شد، خسارت‌های عظیمی به مردم وارد کرد؛ خسارت‌هایی که باید به ارزش تریلیون دلاری از سوی آمریکا جبران شود. یکی دیگر از خسارات بزرگ ما، جداشدن بخشی از کشور، یعنی بحرین بود؛ بحرینی که استان چهاردهم ایران به‌شمار می‌آمد. مردم آن منطقه ایرانی‌الصل، عمدتاً شیعه و فارسی‌زبان بودند، اما با توطئه آمریکا و انگلیس و خیانت حکومت پهلوی از ایران جداشد. این جدایی، خسارت‌های مادی و معنوی سنگینی بر جای گذاشت. در آن دوران، به دلیل نفوذ و سلطه آمریکا، ارتش ایران استقلال نداشت و بنا به دستور آمریکا، تجهیزات خریداری شده با پول مردم را در ویتام به کار می‌گرفت و حتی سوخت هواپیماهای آمریکا را تأمین می‌کرد. از دیگر خسارات، کاپیتولاسیون، کشتار ۱۵ خرداد، سرکوب مردم، جنایات ساواک، غارت منابع نفتی کشور و وابستگی صنعتی و کشاورزی بود. آمریکا پس از کودتا، تولید روزانه نفت را از ۳۵۰ هزار بشکه به بیش از ۶ میلیون بشکه رساند، اما بخش عمده آن را

خود می‌برد و مردم ایران بهره‌ای از این ثروت نداشتند. پس از انقلاب نیز خسارات آمریکا ادامه یافت؛ از جمله حمایت از صدام در جنگ تحمیلی، تحریم‌ها، حملات مستقیم، و جنایت‌های متعدد دیگر. ایجاد گروه تروریستی داعش نیز با هدف آسیب زدن به ایران انجام شد که به لطف مجاهدت‌های سپهبد شهید سلیمانی و یارانش ختنی شد. آمریکا مدعی ایجاد ائتلاف ضد داعش بود، اما حتی یک فیلم یا سند معتبر از مقابله مستقیم با داعش ارائه نکرد و در عوض زیرساخت‌های سوریه و عراق را تخریب و حضور نظامی خود را تثبیت کرد که خود خسارتی دیگر بر کشورهای اسلامی و منطقه تحمیل کرد.

**یقیناً شکایت مردم ایران از آمریکا به ازای هر اقدام آمریکا در کشور و منطقه هم سندی برای حقانیت کشور ماست و هم چهره آمریکا را نشان می‌دهد!**

بله ظرفیت قانونی ایجادشده در کشور ما برای اقدام متقابل، فرصتی است که مردم باید از آن استفاده کنند. بر اساس این قانون، اتباع ایران می‌توانند علیه آمریکا یا هر کشور دیگری که اقدام مشابه انجام داده، طرح



**در گفت‌وگوی اختصاصی صبح صادق با سردار شمشخانی مطرح شد**

# میدان مقابله حقوقی با آمریکا

دعوا کنند. این موضوع مربوط به مردم است، نه دولت؛ زیرا اقدام دولت مسیر دیگری دارد و باید در مراجع بین‌المللی، مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، شورای حقوق بشر، شورای امنیت و دیگر نهادها پیگیری شود. هر چند برخی اقدامات از سوی وزارت خارجه در جنگ تحمیلی اخیر انجام شده، اما هنوز دولت نتوانسته اقدام قاطع و مؤثری در این زمینه انجام دهد. اکنون لازم است مردم آگاه شوند؛ از روستایی و شهرنشین تا حقوق‌دان، استاد، دانشجو و افراد عادی که از جنایات آمریکا پیش و پس از انقلاب متضرر شده‌اند، بدانند این ظرفیت فراهم است. به‌ویژه خانواده‌های شهید، که می‌توانند طرح دعوا کنند. برخی افراد نیز تاکنون اقدام کرده‌اند؛ مثل دانشمند ایرانی آقای سلیمانی که در آمریکا به‌بهانه تحریم‌ها بازداشت و سال‌ها زندانی شد و اکنون علیه آمریکا درخواست غرامت کرده است. همچنین برخی خانواده‌های شهدای مدافع حرم اقدام کرده‌اند. این مسیر برای همه متضرران باز است و می‌توانند از این ظرفیت قانونی بهره‌مند شوند.

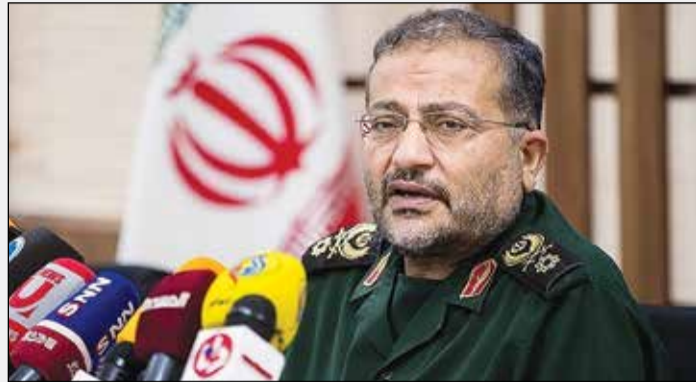
**هفته گذشته از دادخواستی رونمایی شد که خانواده شهدای مدافع حرم و شهدای امنیت ۱۴۰۱ علیه آمریکا ارائه کرده بودند. در این باره توضیحی می‌دهید؟**

بله! ببینید داعش را آمریکایی‌ها ایجاد کردند. ترامپ و رئیس‌جمهور پیشین آمریکا نیز به این موضوع اعتراف کرده‌اند. وزرای خارجه، سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا و بسیاری از اسناد معتبر و همچنین اعترافات برخی نمایندگان کنگره نشان می‌دهد، داعش ساخته آمریکاست. نیروهای ما برای مقابله با حضور داعش در منطقه، بنا بر دعوت رسمی دولت‌های وقت سوریه و عراق، به‌عنوان کمک مستشاری اعزام شدند و تعدادی هم شهید شدند. خانواده‌های شهدا طرح دعوا کردند و رأی نیز صادر شد. آمریکا اگر اشتباه نکنم به پرداخت حدود ۴۸ میلیارد دلار خسارت در حق خانواده شهدا محکوم شد، به دلیل اینکه داعش را ایجاد، تجهیز و حمایت کرده و از آن به‌عنوان ابزار علیه مردم منطقه استفاده کرده بود. شهدای غواص ما نیز در زمان جنگ با اطلاعاتی که آمریکایی‌ها از طریق آواکس‌های خود به دشمن می‌دادند، آسیب دیدند. شهدای حوادث تروریستی اخیر، از جمله حادثه شاه‌چراغ و شهدای امنیت ۱۴۰۱ نیز مشمول همین دعوی هستند. هفته گذشته از رأیی رونمایی شد که بیش از ۴۷ میلیارد دلار خسارت برای آمریکا تعیین کرده بود. خانواده شهدا و جانبازان نیز در آن مراسم حضور داشتند. رأی‌های دیگری نیز صادر شده است. درباره زمان جنگ، شهدای مرتبط با کودتای نقاب که در پایگاه شهید نوژه طراحی شده بود، نیز طرح دعوا کرده‌اند. تعدادی از افرادی که پیش از انقلاب از طریق ساواک شکنجه شده بودند نیز شکایت کرده‌اند؛ زیرا ساواک را آمریکایی‌ها طراحی، تجهیز، آموزش و هدایت می‌کردند.

**بعنوان آخرین سؤال بفرمایید برای تهیه این دعوی باید به کجا مراجعه کنیم؟**

دعوی از طریق مردم و یک گروه جهادی حقوقی به نام «گروه جهادی حکیم» پیگیری می‌شود. این گروه دادخواست‌ها را تهیه و از مسیر قانونی به دولت آمریکا ابلاغ می‌کند. جلسات دادگاه هم برگزار می‌شود. درباره کودتای ۲۸ مرداد سه جلسه برگزار شد. حدود ۴۰۸ هزار نفر از مردم درخواست غرامت کرده‌اند به‌خاطر سرنگونی دولت قانونی وقت و تبعات بعدی آن. آمریکا رسماً مسئولیت این کودتا را پذیرفته است. در داخل کشور گروه جهادی حکیم دادخواست‌های عمومی را تهیه کرده است. این دادخواست‌ها یک‌صفحه‌ای است و مردم باید آن را پر و امضا کنند تا به وکلای انقلابی وکالت بدهند. خانواده شهدا، افراد آسیب‌دیده، صاحبان کارخانه‌ها و مغازه‌هایی که تخریب شده و شهروندانی که خسارت مادی یا معنوی دیده‌اند نیز می‌توانند طرح دعوا کنند. همچنین جنایات خطرناک آمریکا و رژیم صهیونی علیه مراکز هسته‌ای ما، خسارت‌های مادی بزرگی به کشور وارد کرده است. این تأسیسات متعلق به مردم بوده و تخریب آنها خسارت مستقیم به شمار می‌آید. اگر تشعشعات هسته‌ای منتشر می‌شود، خسارت‌های زیست‌محیطی عظیمی ایجاد می‌کند. حتی ترس ناشی از تهدید نیز خسارت معنوی به شمار می‌آید. از مردم تقاضا می‌کنم که برای درخواست غرامت از آمریکا اقدام کنند. برگه‌های مربوطه از طریق گروه جهادی حکیم معمولاً در نماز جمعه‌ها، دانشگاه‌ها و تجمعات ارائه می‌شود. این فرم‌ها باید پر شود تا درخواست‌ها ثبت شود. قوه قضائیه ظرفیت رسیدگی را ایجاد کرده و موظف است این پرونده‌ها را بررسی و خسارت‌ها را تعیین کند.

## بسیج شیفته خدمت و آماده فداکاری



رئیس سازمان بسیج گفت: «تشکیلات بسیج، تشکیلاتی شیفته خدمت و آماده فداکاری است. این تشکیلات مردم پایه است و همه مردم با هر رنگ، سلیقه، دین، مرحله زندگی، قومیت و گروه سنی و اجتماعی باید در آن حضور داشته باشند و شرایط برای حضورشان فراهم باشد. این حضور تنها به ثبت نام محدود نمی‌شود؛ اساس آن نقش‌آفرینی فعال است. این، بُعد تشکیلاتی بسیج است که به‌طور مختصر اشاره شد.»

«سردار غلامرضا سلیمانی» رئیس سازمان بسیج مستضعفین در همایش رویداد پیشگامان رهایی طی سخنانی اظهار داشت: «امام راحل با صدور فرمان تاریخی خود در ۵ آذر سال ۱۳۵۸ مبنی بر تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی دو امر مهم و راهبردی را پیش روی ملت ایران نهادند.»

رئیس سازمان بسیج مستضعفین گفت:

«بعد دوم بسیج، که حتی مهم‌تر از بعد تشکیلاتی است، بعد تفکری آن است؛ بسیج یک تفکر است که می‌تواند کشور را از گزند دشمنان مصون نگه دارد.»

سردار سلیمانی تصریح کرد: «یک ملت ریشه‌دار، میهن‌پرست، فداکار و مقاوم که با تکیه بر تفکر امامین انقلاب اسلامی، در همان روز اول، یعنی روز جمعه، دشمنان صهیونیستی و آمریکایی را شکست دادند. این دستاورد، بدون شک، دستاوردی عظیم و بی‌بدیل است.»

وی تأکید کرد: «امروزه اگر بخواهیم صهیونیست‌ها را با یک گروه خون‌ریز مقایسه کنیم، حتی اگر آنها را با آتیلا یا چنگیز خان مغول بسنجیم، این قیاس مع الفارق است؛ زیرا این دشمنان، نه تنها خون‌ریزتر، وحشی‌تر و قدرتمندتر از آنها هستند، بلکه تهاجمی‌تر و کینه‌جوتر از هر گروه تاریخ بشری به نظر می‌رسند.»

## اختتامیه دومین رویداد تولید محتوای دیجیتال



مراسم اختتامیه دومین رویداد تولید محتوای دیجیتال بسیج منطقه ۱۴ تهران ناحیه شهید محلاتی، با حضور فرمانده ناحیه، دبیر رویداد جشنواره، مسئول بسیج جامعه زنان ناحیه شهید محلاتی، همسر شهید موسوی و خانواده این شهید برگزار شد و برگزیدگان سه رشته پویانمایی، بازی‌سازی و نرم‌افزارهای موبایلی معرفی و تقدیر شدند.

مراسم اختتامیه دومین رویداد تولید محتوای دیجیتال بسیج منطقه ۱۴ تهران ناحیه شهید محلاتی، با حضور فرمانده ناحیه، دبیر رویداد جشنواره، مسئول بسیج جامعه زنان ناحیه شهید محلاتی، داوران، مربیان و شرکت‌کنندگان برگزار شد.

در ابتدای این مراسم پاسدار خسروی، فرمانده ناحیه شهید محلاتی طی سخنانی به اهمیت نقش رسانه‌های نوین در انتقال پیام‌های فرهنگی و انقلابی اشاره و

تلاش‌های جوانان فعال در این رویداد را تحسین کرد. در بخش دیگر مراسم، دبیر رویداد جشنواره گزارشی از روند فعالیت ۴۸ ساعته تیم‌ها ارائه کرد و از رشد سطح کیفی آثار نسبت به دوره گذشته خبر داد. در ادامه، همسر شهید والا مقام موسوی با بیان خاطراتی از سجایای اخلاقی و روحیه ایثارگرانه این شهید، فضای مراسم را معنوی و اثرگذار کرد. در پایان این بخش، از خانواده محترم شهید موسوی به‌عنوان همکار ویژه رویداد قدردانی شد.

همچنین در بخش پایانی مراسم، هیئت داوران نتایج نهایی را اعلام و از برترین تیم‌ها در رشته‌های پویانمایی، بازی‌سازی و رشته نرم‌افزارهای موبایلی تشکر کردند.

در پایان، از تمامی شرکت‌کنندگان در این مراسم ۴۸ ساعته قدردانی شد و مراسم با اهدای جوایز و عکس یادگاری به پایان رسید.

### قبیله عشق

#### شهیدی که پیش از شهادت شهیدانه زندگی کرد



«شهید پاسدار مرتضی مقدس ۱۲ روزه است که عمری از زندگی خود را در لباس سبزی نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گذرانده بود. پدر شهید درباره او می‌گوید: «آقا مرتضی متولد سال ۱۳۵۵ و اولین فرزند خانواده بود. شاید بهترین توصیف از خصوصیات اخلاقی پسر همان جمله‌ای باشد که شهید حاج قاسم سلیمانی گفته بود. اینکه برای شهید شدن باید شهید بود و مثل یک شهید زندگی کرد. البته من نمی‌خواهم در مورد پسر و خصوصیات اخلاقی‌اش غلو کنم، الا اینکه باید بگویم آقا مرتضی سعی می‌کرد همیشه به وظایف دینی و انسانی‌اش عمل کند. اهل اجرای دستورات الهی بود و در این مسیر تلاش می‌کرد. در مواجهه با مردم و نوع رفتارش با دوست و آشنا و خانواده، سعی داشت بهترین رفتار را داشته باشد. در مسائل اخلاقی رفتاری بهتر از منی که پدرش هستم، رفتار می‌کرد و نهایتاً هم عقبتش به شهادت ختم شد.»

پسر علاقه زیادی به دوران دفاع مقدس و خاطرات آن زمان داشت. جنگ که تمام شد ایشان یک نوجوان ۱۲ ساله بود، اما با توجه به مسئولیت‌هایی که در خصوص جذب، آموزش و اعزام نیروهای بسیجی داشتم، چند بار او را همراه خود به منطقه عملیاتی بردم تا از نزدیک فضای جبهه‌ها را درک کند. با نفس گرم رزمندگان و فضای معنوی جبهه‌ها، این علاقه از همان زمان در وجود او شکل گرفت و وارد بسیج شد. نهایتاً هم وقتی که در سش را تمام کرد، به عضویت سپاه درآمد. یک نکته‌ای را عرض کنم، من ۲۶ مرداد ۱۳۵۹ در حالی که هنوز یک ماه و چند روز به شروع جنگ تحمیلی مانده بود، در منطقه عملیاتی مجروح شدم. این مجروحیت خیلی روی پسر تأثیر گذار بود. آن زمان آقامر ترضی سن کمی داشت، ولی به موازاتی که بزرگ‌تر می‌شد، دیدن مجروحیت من و حضورم در جبهه‌ها باعث شد که شوق مبارزه با استکبار و صهیونیست‌ها از همان زمان در وجودش شعله‌ور شود.

به دلیل حساسیت‌های شغلی‌اش، هیچ حرفی از نوع کار و وظایفش نمی‌زد. بسیار به کارش و ملزوماتی که داشت اهمیت می‌داد و اگر قرار بود به مأموریتی برود، حتی به ما که خانواده‌اش بودیم حرفی نمی‌زد. در ماجرای سوریه رفتنش یا در مواقع دیگر که آموزش‌هایی را پشت‌سر می‌گذاشت تا مدت‌ها کسی متوجه نمی‌شد کجا رفته و چه کاری انجام می‌دهد، اما خب به هر حال ما که خانواده‌اش بودیم، پس از غیبت‌های طولانی که داشت، پیگیر و متوجه می‌شدیم که مثلاً به سوریه رفته یا برای گذراندن دوره آموزشی به فلان جارت رفته و مدت‌ها قرار نیست او را ببینیم.

می‌توانم بگویم آنچه در توانش بود، برای دیگران کار انجام می‌داد. ولو شده در تهیه دارو به یک بیمار باشد یا کارهای دیگری که باری از دوش مردم و مستمندان بردارد. من نمی‌خواهم اینجا خیلی از کارهای او را باز کنم. چون خودش دوست داشت در گمنامی کار خیر انجام بدهد و حتی الان که شهید شده، شاید راضی نباشد این کارها بیان شود.»

### موشک ۱۴۰۰ کیلومتری که موازنه قدرت را تغییر می‌دهد

# برگ برنده تازه ایران



تخریب این موشک تا صد متر می‌رسد؛ شاخصی که برای از میان بردن مجموعه‌ای از اهداف حیاتی در عمق سرزمین‌های دشمن کفایت می‌کند. تأثیر این دستاورد تنها در مرزهای ایران محدود نمانده است. منابع خارجی و گزارش‌های میدانی از یمن نشان می‌دهد که گروه‌های محور مقاومت نیز به نوعی از این الگوهای فنی الهام گرفته‌اند. موشک «ذوالفقار» یمن، طبق ادعاها، نسخه

رضوان با برد حدود هزار و ۴۰۰ کیلومتر، سرچنگی جداشونده و قابلیت اجرای مانورهای شیرجه‌ای، از سد بسیاری از سامانه‌های دفاع موشکی عبور می‌کند. ابعاد آن، حدود ۱۲ متر طول و ۸۸ سانتی‌متر قطر، یادآور موشک قیام است، اما افزایش حدود ۵۰۰ کیلومتری برد نشان می‌دهد که موتور، سوخت و بخش‌های راهبردی آن ارتقا یافته‌اند. کارشناسان معتقدند شعاع

تجربه تاریخی جمهوری اسلامی ایران بارها نشان داده است که هر زمان تهدیدی متوجه خاک کشور شده، پاسخ نه تنها جنبه بازدارنده داشته؛ بلکه به تقویت دست نیروهای نظامی نیز منجر شده است. این الگو در رویارویی اخیر ایران با جنگ ۱۲ روزه‌ای که رژیم صهیونی آغاز کرد نیز تکرار شد؛ نبردی که هر چند کوتاه بود، به‌عنوان محرکی جدی برای توسعه شتابان توانمندی‌های دفاعی کشور عمل کرد و برنامه‌های موشکی ایران را در مسیر تازه‌ای قرار داد.

در ماه‌های پس از این درگیری، فرماندهان نظامی از تمرکز ویژه بر ارتقای توان بالستیک و طراحی نسل‌های جدید موشک‌های مافوق صوت خبر دادند؛ سامانه‌هایی که در ادبیات نظامی «هایپرسونیک» نام می‌گیرند و یکی از کلیدی‌ترین مزیت‌های‌شان توان عبور از سامانه‌های دفاعی پیشرفته است. در همین چارچوب بود که موشک «رضوان» یکی از برگ‌های برنده نیروی هوافضای سپاه معرفی شد؛ موشکی که در تحلیل‌های نظامی به دلیل قدرت نفوذ در عمق سرزمین‌های اشغالی و توان هدف‌گیری شهرهای راهبردی همچون تل‌آویو، حیفا و بن‌السبع، در دسته «اسر انیل‌زن» قرار می‌گیرد.

### خبر

#### توقیف نفتکش آمریکایی

رزمندگان یگان‌های واکنش سریع نیروی دریایی سپاه پس از دستور مقام قضایی مبنی بر توقیف محموله یک فروند نفتکش با نام تجاری تالارا با پرچم جزایر مارشال به رصد تحرکات آن پرداخته و اقدام به رهگیری و توقیف آن کردند. این نفتکش حامل ۳۰ هزار تن محموله مواد پتروشیمی و به مقصد سنگاپور در حال حرکت بود که به‌منظور رسیدگی به تخلفات متوقف شد. این عملیات در راستای وظایف قانونی و به‌منظور حفظ منافع و منابع ملی با موفقیت انجام شد که اطلاع‌رسانی آن نیازمند بررسی، بازرسی و مستندات آن بوده که متخلف بودن نفتکش در حمل بار غیرمجاز محرز شد.

#### احترام به سردار دل‌ها

«محمدرضا ظفرقندی»، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در آغاز سفر دو روزه خود به کرمان وارد این شهر شد و به همراه استاندار و جمعی از مسئولان استانی در گلزار شهدا حضور یافت. او با قرائت فاتحه، یاد سردار شهید حاج قاسم سلیمانی و شهدای جنگ ۱۲ روزه را گرامی داشت. ظفرقندی در ادامه این سفر قرار است از چند طرح درمانی و پروژه مهم حوزه سلامت بازدید کرده و آخرین وضعیت خدمات بهداشتی و درمانی استان را بررسی کند. این سفر با هدف ارزیابی روند توسعه زیرساخت‌های سلامت در کرمان انجام می‌شود.

#### شهادت قهرمانان آموزش

روابط عمومی نیروی قدس سپاه پاسداران با صدور اطلاعیه‌ای از شهادت دو نفر از پاسداران در حین آموزش سلاح نیروهای پاسدار جوان در یکی از پادگان‌های آموزشی استان تهران خبر داد. متن اطلاعیه روابط عمومی نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به شرح زیر است: به اطلاع ملت شهید پرور ایران عزیز می‌رسانیم دو تن از پاسداران شریف سپاه پاسداران انقلاب اسلامی آقایان عبدالحسین چراغی و حسین شربتی در حین آموزش سلاح نیروهای پاسدار جوان در یکی از پادگان‌های آموزشی استان تهران به فیض شهادت نائل آمدند.

# صداق

هفته نامه

سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

صاحب امتیاز

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه

مدیرمسئول: بدالله جوانی

سرمدیر: علی حیدری

شورای سیاست گذاری:

سایمان باقری، سعدالله زراعی، عزیز غضنفری، مهدی سعیدی، فتح الله پریشان، علی قاسمی، حسین عبداللہی، فریض صابری، رضا صابری، مدیر تحریریه: سیدفرخ الدین موسوی مدیر فنی: محمد صالح نادری نگارش و ویرایش: محبوه حاجی آقایی صفحه‌آرا: علی اکبر هدایتی عکاس: حامد گودرزی ناظر چاپ: سعید قاسمی

چاپ: مرکز چاپ سپاه: ۰۲۱)۳۸۵۲۲۴۴۶

تلفن: ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۰ و ۰۲۱)۷۷۴۶۰۱۰۱

basirat.ir

@sobhasadegh\_fa

شماره: ۱۱۰ و ۱۱۱

سامانه پیامک: ۰۳۳۰۰۹۹۰۰۳۳

شماره ۱۲۱۴ | دوشنبه ۳ آذر ۱۴۰۴

## صبحانه در راه خدا

بارالها دینم را که ملاک و محور کارهای من و دنیایم را که خانه تلاش و معاش من و آخرتم را که سرانجام من به سوی آن است، اصلاح فرما و زندگیم را وسیله برکت و خیر و مرگم را وسیله رهایی و راحتی از هر شرّ و بدی قرار ده.

زمزمه‌های حضرت فاطمه(س) با معبود

## دلنویسته

### قسم به روزهای خوب و سخت

صبروانه عزیزانش را به خاک می‌سپارد، دست گذاشته روی سینه‌اش و «و الصّحی» خوانده تا دلتنگی و بی‌تابی یقه‌اش را ول کند. یکی بی‌قراری‌های پیغمبر و نعمت‌های ته سوره را یادش آورده. برایش قسم خورده به روز، به شب، به تک‌توک روزهایی که آتش بس محترم است و انفجارها زمین را نمی‌لرزاند و آدم‌های رنگ‌رفته و یخ، ردیف‌ردیف نمی‌خوانند کف زمین. قسم خورده به همه روزهایی که روز نیستند که یکسره تاریک و شب هستند.

و وقت‌هایی که «لَسْمَ یَعْتَرُ لُؤْکُمْ وَ یُلْقُوا الیکُمُ السَّلْمَ وَ یَکْفُوا اَیْدِیَهُمْ» عینی می‌شود و دست‌هایی که به صلح دراز شده بودند، عقب می‌روند و می‌شوند همان خون‌ریزهای قبل از عهد؛ کاش یکی توی گوش‌شان «مَسَا وَ دَعَاکَ

رُبُکَ وَ مَا قَلِی» بخواند. فقط همین نیم‌خط می‌تواند آب سردی بشود روی زغال‌های دل آتش‌گرفته‌شان. یکی باید قرآن بخواند آنجا که در اتاق را برای‌شان باز می‌کنند و چشم‌های‌شان از این جسد به آن جسد، دنبال عزیزشان می‌دود. آنجا که می‌زنند روی طاق‌های صورت. آنجا که چشم‌های‌شان را می‌بندند و یک‌ریز انگشت می‌کوبند روی‌شان. انگار آرزوی کسوری می‌کنند تا نعلش خونی بچه‌شان را ببینند.

کاش یکی جلو برود و زل بزند توی چشم‌های پر از اشک‌شان و بگوید: «وَ لَسَوْفَ یُعْطِیکَ رَبُّکَ قَرَضٰی». هیچ چیز مثل آیه‌ها دنیا را برای آدم امن و آرام نمی‌کند.

## سیمین پور محمود

نویسنده

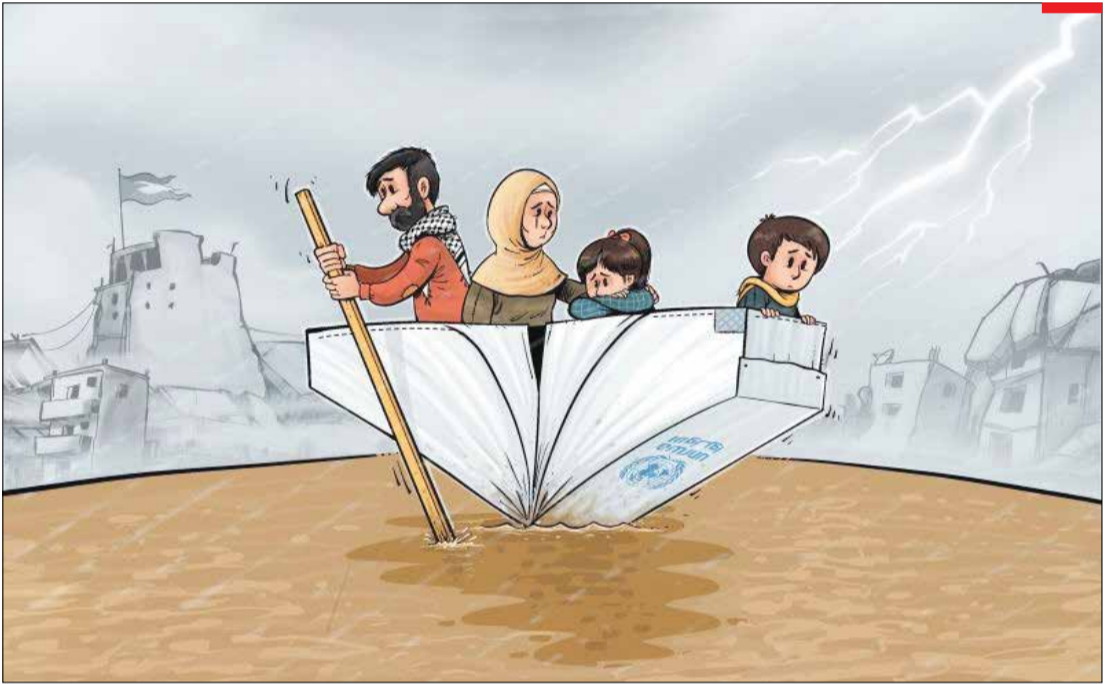
وحی قطع شده بود. دو هفته، ده روز، کمی کمتر یا بیشتر. دقیقش را نمی‌دانم؛ اما دلتنگی و بی‌تابی حضرت را نگفته همه می‌دانند. جبرئیل بالاخره آمد. «و الصّحی» را آورد. گفت: «به روشنائی روز قسم، به تاریکی شب قسم که خدا تو را رها نکرده و نمی‌کند. المیزان طباطبایی می‌گوید نور روز با تابش وحی و تاریکی شب با انقطاع وحی ربط دارد.

جبرئیل گفت: «آخرت برای تو از دنیا بهتر است. گفت پروردگارت به زودی به تو عطایی می‌کند که راضی شوی.»

حتماً یکی دور و بر مرد فلسطینی که اینقدر

## تلخند

غزه در آب، سازمان ملل در خواب/ کارتونست: فهد بهادی\_سوریه



## سلامت

### آنفلوانزا

زهره حسینی

کارشناس تغذیه

در روزهای پاییزی خشک و بی باران درباره بیماری آنفلوانزا حرف می‌زنیم؛ یک بیماری عفونی که ویروس‌های آنفلوانزا ایجاد می‌کنند. علائم این بیماری از خفیف تا شدید متغیر است و اغلب شامل تب، آبریزش بینی، گلودرد، درد عضلانی، سردرد، سرفه و خستگی است. این علائم یک تا چهار روز پس از قرار گرفتن در معرض ویروس شروع می‌شوند و حدود دو تا هشت روز ادامه خواهند داشت. این بیماری دستگاه تنفسی بدن را تحت تأثیر قرار می‌دهد و از طریق قطرات تنفسی و تماس با سطوح آلوده به راحتی منتشر می‌شود. ویروس آنفلوانزا به سرعت می‌تواند در محیط‌های شلوغ و بسته منتقل شود. ابتلا به این بیماری شخص را با مشکلات جدی روبه‌رو می‌کند؛ از جمله تنگی نفس و کاهش عملکرد ریه و نیز در برخی بیماران، اختلالات تنفسی مزمن از خود به جا می‌گذارد. اگر قرار باشد به علائم شایع آنفلوانزا اشاره کنیم، مواردی را می‌توان نام برد؛ از جمله تب بالا که معمولاً به طور ناگهانی شروع می‌شود و نیز سرفه خشک که ممکن است بعد از چند روز به سرفه‌های خلط‌دار تبدیل شود، تنگی نفس هم یکی از بارزترین علائم در افرادی است که به این بیماری مبتلا شده‌اند. واکسیناسیون یکی از راه‌های مقابله با آنفلوانزا برای گروه‌های پرخطر است. همچنین برای جلوگیری از انتقال ویروس در محیط‌های عمومی بهتر است از ماسک استفاده کرد، به رعایت بهداشت دست‌ها بسیار توصیه شده که شست‌وشوی منظم با آب و صابون ویروس‌ها را از شما فراری می‌دهد. تقویت سیستم ایمنی را جدی بگیرید و از طریق مصرف میوه‌ها و سبزیجات غنی از آنتی‌اکسیدان‌ها و ویتامین C، پر قدرت به سوی مبارزه با این بیماری بروید، از تماس با افراد بیمار اجتناب کنید به ویژه در مکان‌های بسته و شلوغ. با این حال اگر این بیماری به‌سرعت‌تان آمد، علاوه بر مراجعه به پزشک و درمان دارویی برای بهبودی سریع مصرف غذاهای گرم و سبک را در رژیم غذایی‌تان قرار دهید.

## راه نرفته

### فرسودگی روانی پنهان

عزیزه هاشمی

روانشناس بالینی

وقتی با دقت به اطراف نگاه می‌کنیم، افراد زیادی را می‌بینیم که ظاهراً حال‌شان خوب است؛ شغل مناسب دارند، درآمدشان بالاست و در مسیر پیشرفت قرار گرفته‌اند؛ اما اگر کمی دقیق‌تر شویم، نشانه‌های خستگی عمیق و فرسودگی را در چهره و رفتارشان می‌بینیم. خستگی‌ای که دلیلش فقط کمبود وقت یا فشار کار نیست؛ ریشه‌اش در از دست دادن ابعاد مهم زندگی است. اگر این نسل را با نسل‌های گذشته مقایسه کنیم، می‌بینیم که با وجود امکانات محدودتر، مردم احساس حمایت بیشتری داشتند. فردی که در زندگی با مشکلی روبه‌رو می‌شد، در ذهنش چندین نفر را داشت که می‌دانست با یک تماس حاضرند کمک کنند؛ اما امروز، در دنیایی که همه درگیر رقابت، درآمد بیشتر و رفاه بالاترند، بسیاری از ما از نزدیک‌ترین عزیزان مان فاصله گرفته‌ایم. گویی در مسیر بهتر شدن، از مهم‌ترین بخش‌های وجودمان جدا شده‌ایم. فرسودگی روانی پنهان، درست از همین‌جا شروع می‌شود؛ جایی که هدف اصلی مان را فراموش می‌کنیم. همه ما تلاش می‌کنیم تا خانواده‌ای آرام، زندگی باکیفیت و آینده‌ای مطمئن داشته باشیم؛ اما وقتی وارد جاده بی‌پایان رقابت مالی می‌شویم، کم‌کم مقصد را گم می‌کنیم و شبیه دوندگاری می‌شویم که فقط می‌دود، بدون اینکه بداند برای چه و به کجا. راه‌حل این خستگی پنهان بر خلاف تصورمان پیچیده نیست. کافی است یاد بگیریم همه ابعاد زندگی را ببینیم و برای هر کدام برنامه داشته باشیم. همان‌طور که برای پیشرفت شغلی و مالی برنامه‌ریزی می‌کنیم، لازم است برای کیفیت رابطه با خانواده، برای آرامش شخصی و برای شادی فرزندانمان نیز زمان و انرژی بگذاریم. همان‌طور که پس‌انداز مالی برای روزهای سخت ضروری است، داشتن شبکه‌ای از دوستان و روابط حمایتی نیز یک سرمایه مهم روانی است. فرسودگی زمانی آغاز می‌شود که تنها یک بُعد رشد می‌کند و بقیه ابعاد را می‌شوند و حال خوب زمانی برمی‌گردد که دوباره یاد بگیریم زندگی، مجموعه‌ای از بخش‌هاست که باید کنار هم رشد کنند.

## سردار سرتیپ دوم پاسدار برادر نقی زاده

ضایعه غم‌انگیز درگذشت فرزند عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض کرده و از درگاه خداوند متعال رحمت واسعه الهی را برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای شما و سایر بازماندگان مسئلت می‌کنیم.

معاونت سیاسی سپاه - هفته نامه صبح صادق

## سرهنگ پاسدار برادر عبداللہیان

درگذشت ابوی گر امینان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض کرده و از درگاه خداوند متعال رحمت واسعه الهی را برای آن مرحوم و صبر و شکیبایی برای شما و سایر بازماندگان مسئلت می‌کنیم.

معاونت سیاسی سپاه - هفته نامه صبح صادق

## صادقانه در طلب روزی بگوش

حضرت زهرا(س) فرمود: «روزی پیامبر خدا(ص) آمد در حالی که من پس از نماز صبح خوابیده بودم، پیامبر(ص) با پای مبارکش مرا تکان داد و فرمود: دختر کم‌برخیز و شاهد روزی پرورگارت باش، در طلب روزی بگوش و از غافلان مباش؛ زیرا خداوند روزی مردم را به هنگام سپیده صبح تا طلوع خورشید تقسیم می‌کند.»

## دیدار

### خورشیدهای فردا

خرده‌روایت‌هایی از گپ‌وگفت با قهرمانان ورزشی و مدال‌آوران المپیادهای علمی



دختری بین جمعیت بود که از همه کم‌سن‌وسال‌تر به نظر می‌رسید. سنش را پرسیدم. گفت هفده سال. ریزشش بود و عینکی به چشم داشت. معلوم بود المپیادی است. پیشتر، طلای کشوری المپیاد علوم زمین را گرفته بود و امسال برنز جهانی. گفت: «توی رشته‌مون یه بخشی داریم به اسم گزارشگر جوان. باید مقاله‌ای درباره زمین‌شناسی کشور خودمون بدیم. مقاله من درباره دریاچه ارومیه بود. روند هر ساله المپیاد این جوهره که قبل از برگزاری المپیاد به ده نفر اول ایمیل می‌کنن. هر روز و هر لحظه، کارم شده بود چک کردن ایمیل. خبری نشد. دیگه ناامید شده بودم. رفتم چین برای المپیاد. اونجا گفتن توی بخش گزارشگر جوان، نفر دوم جهان شدم. واقعاً شوکه شدم. باورم نمی‌شد. فهمیدم روند اطلاع‌رسانی فرق کرده...» وقتی صحبت‌های آقا شروع شد و فرمودند: «این جوان‌های المپیادی امروز یک ستاره درخشاند و ده سال دیگر، یک خورشید خواهند شد.» دستی بر شانه دختر گذاشتم و با خودم گفتم زهرا یکی از همان خورشیدهاست؛ روشن، گرم و امیدبخش. به نقل از زهرا گودرزی‌پور برنده المپیادی

## حسن ختام

### پایان رنج‌های دنیا

سلام عزیز فاطمه! آجرک الله یا صاحب الزمان؛ در تمام این روزهایی که به نام و یاد مادران حزن‌ عمیق بر جان‌مان نشست، کنارهم غم‌های مان را درآغوش می‌کشیم و به سوگواری می‌نشینیم. چشمان خیس و نگاه منتظرمان به آن لحظه‌ای است که شما از راه می‌رسید و کسی چه می‌داند آن لحظه روشن کی خواهد رسید و آه از این غم... ما این روزها، تا همیشه و تا پایان دنیا متوسل به چادر مادر عالمیم... که مگر او غم تلخ فراق را پایان دهد و عزیز دورمان را به ما برساند. این توسل گره‌گشاست و ما به امید اجابت دستان مان را تا آسمانی بالا برده‌ایم که بغض این روزهایش را، کاش باران کند. از شما که پنهان نیست، در روزهایی که گذشت چند قطره باران به زمین تشنه و خشک دنیا رسید و ما خیسش از یاد تان، بودنش را آرزو کردیم که نسیم حضورش جهان‌مان را بهار می‌کند... خلف صالح خدا و سوساز سبزی پوش آرزوهای ما دل ما برای بودن شما لحظه شماری می‌کند. شب‌های سرد و تاریک فراق را به صبح آدینه‌های روشنی می‌رسانیم که آسمانش پر از نده‌های یادتان است؛ خودت را به ما برسان، ای پایان رنج‌های دنیا.



عاطفه جوشقیان